



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، (شماره پیاپی ۵)

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، پژوهشکده دانش و هوش شناختی، مرکز مطالعات دفاع مقدس و مقاومت اسلامی
مدیر مسئول: دکتر حسین صابری
سر دبیر: دکتر لادوی مرادپیری
مدیر اجرایی: حسن احمدی

- فصلنامه جامع دفاع مقدس با مجوز جلسه شماره ۱۰۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۱/۱۶ شورای پژوهش و فناوری دانشگاه جامع امام حسین (ع) منتشر می‌شود.
- ویراستار: دکتر محمد دانشگر
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه
- نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، پژوهشکده دانش و هوش شناختی، مرکز مطالعات دفاع مقدس و مقاومت اسلامی
- تلفکس: ۷۴۱۸۸۲۷۰
- تارنما: <https://fndm.ihu.ac.ir>
- رایانامه: fndm@ihu.ac.ir

- مطالب مندرج در فصلنامه، لزوماً بیانگر دیدگاه‌های این پژوهشکده نیست.
- مسئولیت صحت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده/نویسندگان می‌باشد.
- فصلنامه در رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات آزاد است.
- کلیه حقوق مادی و معنوی این فصلنامه برای این پژوهشکده محفوظ است.
- نقل و اقتباس از مندرجات فصلنامه با ذکر ماخذ بلامانع می‌باشد.

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر محسن آریابور (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))	دکتر مهدی نطاق پور (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))
دکتر غلامرضا علاماتی (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))	اکبر رمضان زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع))
دکتر علی جمالی (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))	دکتر محمد جواد سبحانی فر (دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))
دکتر محسن رضائی (دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))	سردار احمد غلامپور (عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع))
دکتر هادی مراد پیری (دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))	دکتر بهرام حسینی مطلق (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))
دکتر سید یحیی صفوی (استاد جامع امام حسین (ع))	یعقوب زهدی (عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع))
دکتر قاسم حسنی (دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))	دکتر عباسعلی سلمانی (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع))

همکاران علمی و داوران این شماره

حسن ابوطالبی، دکتر هادی مراد پیری، مهدی حشمتی جدید، دکتر محمد درخور، اکبر رمضان زاده، دکتر محمدجواد سبحانی فر، دکتر غلامرضا علاماتی، سردار احمد غلامپور، دکتر مهدی نطاق پور، حجة الاسلام مرتضی وارثی

بدین وسیله از صاحب نظران، پژوهشگران، مدرسان و صاحبان اندیشه، تقاضا می‌گردد مقالات و آثار علمی خود را در چارچوب حوزه دفاع مقدس تدوین و به دفتر فصلنامه ارسال نمایند. محورهای مورد نظر و نیاز فصلنامه عبارتند از:

۱. مبانی نظری فلسفی دفاع مقدس
۲. دین و دفاع مقدس
۳. جامعه‌شناسی دفاع مقدس
۴. نقش و ظرفیت دفاع مقدس در تحول علوم انسانی
۵. بازاندیشی دینی مفاهیم دفاع مقدس
۶. روش‌شناسی مطالعات (تاریخی، سیاسی، اجتماعی، و ...) دفاع مقدس
۷. نقش و ظرفیت دفاع مقدس در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان کشور
۸. نقش و ظرفیت دفاع مقدس دفاع مقدس در طراحی و تحقق الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت
۹. نقش مأموریتی نهادهای متولی حوزه دفاع مقدس
۱۰. آسیب‌شناسی نهادهای متولی در حوزه دفاع مقدس
۱۱. نقش نهادهای فرهنگی مهم جامعه در دوران دفاع مقدس
۱۲. صنایع فرهنگی دفاع مقدس
۱۳. اثرسنجی و پیام‌سنجی فرهنگ دفاع مقدس در جامعه و سیاست
۱۴. آسیب‌شناسی فرهنگی حوزه دفاع مقدس
۱۵. زن در دفاع مقدس
۱۶. تاثیر و تاتر فرهنگی میان کشورها در دوران دفاع قدس
۱۷. مطالعه سیره نظری و عملی شهدای دفاع مقدس
۱۸. نقش رسانه‌های جمعی در تحقق و ترویج اندیشه‌های دفاع مقدس
۱۹. ظرفیت‌های دفاع در بیداری اسلامی
۲۰. نقش ولایت فقیه در دوران دفاع مقدس
۲۱. سیاست داخلی و خارجی ج.ا.ا در دوران دفاع مقدس
۲۲. احزاب و جریان‌های سیاسی در دوران دفاع مقدس
۲۳. ابعاد حقوقی
۲۴. ادبیات دفاع مقدس
۲۵. ابعاد هنری (نقاشی، عکس، شعر، هنرهای تجسمی و ...) دفاع مقدس
۲۶. بررسی تطبیقی ادبیات و هنر ایران و عراق در دوران جنگ
۲۷. نشانه‌شناسی دفاع مقدس
۲۸. زیباشناسی دفاع مقدس
۲۹. امداد، بهداشت، پزشکی و دفاع مقدس
۳۰. مدیریت بهداری
۳۱. مشارکت‌های مردمی در حوزه بهداشت و درمان در دوران جنگ
۳۲. ساختار و توسعه بیمارستان‌های صحرایی
۳۳. سیستم توزیع محرومین
۳۴. بیماری‌های رزمندگان ج.ا.ا (اسراء، جانبازان، نیروی زمینی، نیروی دریایی و ...) در دوران جنگ و پس از پایان آن
۳۵. فنی، مهندسی و دفاع مقدس
۳۶. تحولات مهندسی ایران و عراق در دوران جنگ
۳۷. نقش فن‌آوری‌های مهندسی در ارتقا قدرت نظامی
۳۸. نقش تجارب مهندسی دفاع مقدس در پیشرفت صنایع نظامی و غیر نظامی
۳۹. تاریخ نظامی و دفاع مقدس
۴۰. وضعیت و توان نظامی ایران و عراق
۴۱. استراتژی‌های نظامی ایران و عراق
۴۲. تحلیل کارکرد تسلیحات جنگی ایران و عراق در دوران جنگ
۴۳. جنگ شهرها
۴۴. عوامل زمینه‌سازی حمله عراق به ایران
۴۵. جنگ شیمیایی در دوران جنگ
۴۶. ابعاد اجتماعی دفاع مقدس
۴۷. مهاجرت و دفاع مقدس
۴۸. بررسی رابطه بیوند / شکاف نسل جوان با دفاع مقدس
۴۹. مشارکت مردم در دفاع مقدس
۵۰. هویت و دفاع مقدس
۵۱. روانشناسی و دفاع مقدس
۵۲. جنگ نرم در دوران دفاع مقدس
۵۳. عملیات روانی دشمنان انقلاب در رسانه‌ها در دوران جنگ
۵۴. اندیشه و رفتار امام و مسئولان در ایجاد امنیت روانی
۵۵. اثرات روحی و روانی حوادث و رخداد دفاع مقدس
۵۶. اقتصاد و دفاع مقدس
۵۷. اقتصاد مقاومتی در دوران دفاع مقدس
۵۸. مطالعات تطبیقی اقتصاد ایران و عراق
۵۹. نفت و دفاع مقدس
۶۰. حسابداری خسارات و مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ
۶۱. اقتصاد بین‌الملل و جنگ
۶۲. عملیات و رسانه و دفاع مقدس
۶۳. برنامه‌ریزی و ساختار تبلیغاتی عراق در جنگ
۶۴. تبلیغات مردمی در جنگ
۶۵. سینمای جنگ
۶۶. نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبلیغاتی در جنگ
۶۷. جنگ موشکی در دوران دفاع مقدس
۶۸. جنگ الکترونیک در دوران دفاع مقدس
۶۹. سازمان‌های شبه نظامی ایران و عراق در جنگ
۷۰. تحولات پایان جنگ
۷۱. بررسی و شرایط جغرافیایی و منطقه‌ای دفاع مقدس
۷۲. اثرگذاری ژئوپلی‌تیک منطقه‌ای و جهانی در روند دفاع مقدس
۷۳. نقش GIS در تعیین عملیات‌های دفاع مقدس
۷۴. مدیریت و دفاع مقدس
۷۵. نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری دفاعی جنگ
۷۶. برنامه‌ریزی تامین منابع (مالی و لجستیکی) دفاع مقدس
۷۷. رشد و ارتقا سلسله نیروها در جنگ
۷۸. آموزش و توانمندسازی نیروهای ستادی و صنفی دفاع مقدس
۷۹. سبک‌های رهبری ایران و عراق در جنگ
۸۰. مدیریت بحران در دفاع مقدس

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌ها برای چاپ در فصلنامه مطالعات دفاع مقدس

فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، مجله‌ای علمی است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، و ایجاد عرصه‌ای برای تبادل آراء، اندیشه‌ها و اطلاعات ناظر بر جنگ هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران منتشر می‌شود. پژوهشگران گرامی لطفاً هنگام ارسال مقاله به نکات زیر توجه فرمایید:

(الف)

- ۱- مقاله‌ها باید مربوط به همه رشته‌های علمی مرتبط با دفاع مقدس، و در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی باشند.
- ۲- مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد. مقالات مروری از نویسندگان صاحب‌نظر و مرتبط با مقالات پژوهشی در زمینه مورد بحث، به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع متعدد و مستند قرار گرفته باشند.
- ۳- مقاله ارسالی نباید قبلاً یا همزمان برای چاپ یا ارائه به نشریات دیگر و یا همایش‌ها ارسال شده باشد.
- ۴- نام نویسنده یا نویسندگان، همراه با رتبه علمی، محل اشتغال و نشانی کامل و تلفن تماس در ابتدای مقاله درج شود.
- ۵- نشانی کامل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: شامل نشانی پستی، شماره تلفن، شماره دورنگار و نشانی پیام‌نگار (E-Mail) به فارسی و انگلیسی در انتهای مقاله درج شود.
- ۶- چنانچه مخارج مالی تحقیق یا تخریه مقاله توسط موسسه‌ای تامین شده باشد، باید نام موسسه در اولین زیرنویس یا صفحه اول مقاله قید گردد.

(ب) ساختار و شکل ارائه مقاله

- ۱- رعایت ساختار پیشنهادی الزامی است: عنوان (به فارسی و انگلیسی)، چکیده (حد اکثر ۲۵۰ کلمه و شامل هدف، اهمیت، روش‌شناسی و یافته‌های کلی تحقیق)، کلیدواژه (حد اکثر ۵ واژه)، فهرست منابع (منابع لزوماً باید در متن مقاله استفاده شده باشد).
- ۲- تیترهای اول، دوم و سوم به ترتیب با فونت‌های B Nazanin Bold، ۱۲، ۱۱ مشخص شده باشد.
- ۳- متن مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه با نرم‌افزار Word 2007 به بالا و قلم B Nazanin و فونت ۱۲ و متن لاتین با Time New Roaman آماده و ارسال گردد.
- ۵- نمودارها، جداول و اشکال با یکی از نرم‌افزارهای Office به زبان فارسی و در اندازه‌های ۸×۱۲ یا ۱۶×۱۲ طراحی شود و اختصارات آنها در پانویس توضیح داده شود. نمودارها، جداول و اشکال باید دارای شماره‌های متوالی، و بدون نیاز به مراجعه به توضیحات متن گویا باشند.
- ۶- تمامی نمودارها، شکل‌ها و جداولی که نتیجه ابتکار نویسنده نیست باید شماره، عنوان و منبع داشته باشند (جداول در بالا، و شکلها و نمودارها در پایین).
- ۷- تیتر عناوین و نوع قلم مربوط مطابق جدول شماره ۱، که در انتهای این راهنما خواهد آمد.

(ج) روش ارجاع به منابع

۱- در متن

- ۱-۱- ماخذ در متن مقاله داخل کمان به صورت (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه)؛ مانند (متقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ (Smith, 1990:23)
- ۱-۲- اشاره به منابع دترای چند نویسنده به صورت (نویسنده و همکاران، سال انتشار، شماره صفحه) مانند (متقی‌زاده و

همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸)؛ (Smith et al, 2004:8)

- ۳-۱- اشاره به آدرس‌های اینترنتی به صورت (نام خانوادگی نویسنده/ نام مرجع تدوین‌کننده، سال)
۴-۱- در تمامی منابع اگر نویسنده دارای دو یا چند منبع در یک سال باشد، پس از ذکر سال لازم است فصل یا ماه نشر اثر آورده شود، مانند (احمدی، پاییز ۱۳۸۸) (احمدی، بهار ۱۳۸۸)؛
(Digman, Apr 1999) و (Digman, Jan 1999)

۲- در پایان مقاله

فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا به صورت آورده شود :

- ۲-۱- کتاب تالیفی: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، شماره جلد، محل نشر، نام ناشر.
۲-۲- کتاب ترجمه‌ای: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم، محل نشر، نام ناشر.
۲-۳- مقاله: نام خانوادگی، نام، ((عنوان مقاله))، نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات (ابتدا و انتهای مقاله)، سال نشر.
۲-۴- آدرس اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده / نویسندگان / مرجع تدوین‌کننده، عنوان مطلب، آدرس اینترنتی، تاریخ بارگذاری، تاریخ مشاهده.

د) تذکرات

- ۱- آرا و دیدگاه‌های ارائه شده در مقاله‌ها الزاما بیانگر نظر و دیدگاه مجله نیست.
۲- مسئولیت ناشی از صحت علمی یا دیدگاهها و ارجاعات مندرج در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است.
۳- مجله حق رد یا قبول و نیز اصلاح و ویراستاری مقاله‌ها را برای خود محفوظ می‌دارد.
۴- رسید دریافت مقاله از سوی مجله الزاما به معنای پذیرش قطعی آن برای چاپ نیست.

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با تیتراژ	B Zar 14 Bold	متن چکیده و کلید واژگان	B Nazanin 11
عنوان چکیده، کلید واژگان)	B Traffic 12 Bold	متن پانویس فارسی	B Nazanin 10
مقدمه و ... نتیجه‌گیری (تیتراژ ۲)	B Nazanin 13 Bold	متن پانویس انگلیسی	Times New Roman 9
عناوین فرعی زیرمجموعه تیتراژ ۳	B Nazanin 12 Bold	متن مقاله	B Nazanin 12
عناوین فرعی زیرمجموعه تیتراژ ۴	B Nazanin 11 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی مانند: (متقی زاده ۱۳۸۱: ۲۵)	B Nazanin 12
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی مانند: (Smith, 1990: 23)	Times New Roman 10
تیتراژ جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیتراژ جدول‌ها و نمودارها باید بالای آنها و تیتراژ شکل‌ها پایین آنها و در وسط ذکر شود) B Nazanin 10 Bold			

فهرست مطالب

- تأثیر دفاع مقدس بر تقویت و تحکیم پیوند اجتماعی ۱
هادی اولاد، محمدحسن الهی منش
- مدیریت و فرماندهی هاشمی رفسنجانی در جنگ تحمیلی ۲۱
غلامعلی رجایی، هادی قیصریان فرد
- ارزیابی تأثیر مدیریت روستاها بر بازگشت مهاجران جنگ تحمیلی به زادگاه خود، نمونه موردی جنگزده‌های شهرستان سرپل ذهاب ۴۵
سمانه کیومرث، سید امیرمحمد علوی‌زاده، الهام ابراهیمی
- مروری بر ادبیات پایداری در کتابهای ادبیات دوره متوسطه دوم ۶۷
غلامرضا شهبواری، زیبا خوارزمی
- بررسی و تحلیل اندیشه‌های پایداری در آثار دو شاعر برجسته اصفهان، سپیده کاشانی و سعید بیابانکی ۸۷
سیدمسعود دفتریان، محسن محمدی فشارکی
- تحلیل نگرش و میزان رضایت غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس ۱۱۱
علی فلاحی، کاظم موذن
- چکیده لاتین ۱۳۰

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵: ۱-۲۰

تأثیر دفاع مقدس بر تقویت و تحکیم پیوند اجتماعی

هادی اولاد^۱، محمدحسن الهی منش^۲

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم ۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

(دریافت: ۹۷/۱۱/۳، پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۹)

چکیده

جنگ همواره به عنوان موضوعی اجتناب‌ناپذیر در زندگی بشر مطرح بوده و به‌طور ناخودآگاه بر عوامل و مؤلفه‌هایی در زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته است. جنگ با تمام ویژگیهای مخربی که دارد سبب پیدایش و تقویت مفاهیمی می‌شود که در سرنوشت آن تأثیر می‌گذارد. یکی از مؤلفه‌هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت موضوع پیوند اجتماعی بود که با شروع جنگ تحمیلی با سرعت در بطن جامعه ایرانی شکل گرفته و ملاک‌های نوینی را در معادله جنگ تحمیلی بازتعریف کرد. در خلال پژوهش سؤال اصلی که ذهن را به خود مشغول ساخت این بود که جنگ هشت ساله بین ایران و عراق چه تأثیری بر میزان تحکیم و تقویت پیوند اجتماعی گذاشت؟ که با مذاقه و بررسی، این موضوع که جنگ هشت‌ساله ایران و عراق با تعمیق حس هویت ملی و وفاق اجتماعی بر تحکیم و تقویت پیوند اجتماعی افزوده است. به عنوان فرضیه این تحقیق بررسی شد. نگاه از زاویه‌ای جامعه‌شناسانه به مقوله جنگ تحمیلی هدف این پژوهش بود که با بهره‌گیری از روش توصیفی مورد تحلیل قرار گرفت و معیارهایی که سبب شکل‌گیری و تعمیق و تحکیم حس میهن‌دوستی و همبستگی که از جنگ تحمیلی پدید آمده بود مورد اثبات قرار گرفت.

کلید واژه‌ها: جنگ، پیوند اجتماعی، هویت ملی، وفاق، همبستگی.

مقدمه

تغییر و دگرگونی سیاسی اجتماعی در هر جامعه در پاسخ به تحولات و مقتضیات درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. این نوع تغییرات، بسته به نوع ملتها و جوامع ممکن است تابعی از تأثیرات فناوری، صنعت، اقتصاد، جنگ، کودتا، انقلاب، ظهور رهبری سیاسی جدید، جابه‌جایی نخبگان، احزاب و گروه‌های دینی و فرهنگی باشد. جنگ عراق علیه ایران نمونه‌ای از جنگ‌هایی بود که مورد حمایت هر دو ابرقدرت شوروی و آمریکا قرار گرفت. هرچند این جنگ به ظاهر جنگی با وسعتی اندک بود در واقع تمامی قدرتهای جهانی و منطقه‌ای در وقوع و استمرار آن نقشی اساسی داشتند. شکل‌گیری موضوعی تحت عنوان پیوند و وفاق اجتماعی، که نتیجه جنگ تحمیلی بود، می‌توانست ملاک مهم و نقش‌آفرین در این درگیری باشد بویژه برای کشوری مانند ایران با پراکندگیهای خاصی که دارد؛ لذا حضور اقوام و چندپارگیهای مختلفی که وجود داشت، چنین نیروی توانمندی را می‌طلبید تا بتوان با بهره‌گیری از آن در نقش‌آفرینی در جنگ مؤثرتر حضور یافت.

یکی از موارد تأثیرات جنگ بر پیوند اجتماعی، تأثیرات آن بر ویژگیهای عناصر آن مانند عنصر وحدت و انسجام و همبستگی قومی است. حضرت امام (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مرجع تقلید مذهبی و سیاسی توانست رهبری انقلاب و نهضت مردم ایران علیه رژیم پهلوی (استبداد داخلی) را به دست گیرد و با به چالش کشیدن غرب (امریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی) در جهان سوم و ایران به کمک عنصر دینی (عنصر فرهنگی پیوند اجتماعی) و مردم (عنصر عینی ملی‌گرایی) نظام سیاسی بر مبنای ولایت فقیه را برپا کند. طرح ایجاد اتحاد به واسطه جنگ از جانب امام خمینی (ره) نشان از اهمیت همبستگی و وحدت در کنار رخداد پدیده زیانباری چون جنگ دارد. در فاصله کمتر از دو سال بعد از پیروزی نهضت ملت ایران، جنگ نابرابر عراق بر کشور ما تحمیل شد. رهبر انقلاب با تمسک به عناصر پیوند اجتماعی ملت و عنصر دینی امت‌گرایی جنگ را تا پایان آن (پذیرش قطعنامه ۵۹۸) مدیریت کرد. ایشان اعتقاد داشتند که جنگ موجب شد که همه ملت ایران اعم از همه اقوام و عناصر به انسجام، همبستگی و همگرایی قومی برای مهار تهدید دشمن در جبهه جنگ دست پیدا کنند. «... کدام کار ممکن بود که این‌طور مردم را بسیج کند؟ این جنگ بود که بسیج کرد. پس جنگ از چیزهایی است که ما خیال می‌کنیم بد است بعد خوب از کار در می‌آید (امام‌خمینی، ۱۳۸۶، دفتر ۲۵: ۶۵۸ - سخنرانی در جمع خطبای مذهبی ۵۹/۸/۱۴). بحمدالله تعالی این جنگ موجب انسجام هرچه بیشتر ملت رزمنده ما گردید (امام-خمینی، ۱۳۸۶: دفتر ۲۵: ۶۵۹).

بررسی پیوند اجتماعی به عنوان ملاک و معیاری مثبت در دوره‌ای خاص از تاریخ ایران در این پژوهش بر اهمیت و ویژگی آن افزوده است که با حضور آحاد مردم و تأثیری که پیوند اجتماعی ناخودآگاه برایشان گذاشته بود بر توان و ظرفیت آن تأثیرگذار بوده است. ملاکها و معیارهایی که بر

شکل‌گیری پیوند اجتماعی تأثیرگذار بوده و در جنگ تحمیلی یافت می‌شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همواره این موضوع، که پدیده پیوند اجتماعی می‌تواند به عنوان افزون‌کننده توان و قدرت بازدارندگی و مقابله نیروهای درگیر در جنگ باشد، ملاک قرار گرفته است. ارزشها و آرمانهای پیش روی جامعه ایران در دوران هشت ساله دفاع مقدس عمدتاً تحت تأثیر گفتمان اسلامی بود. این آرمانها و ارزشها با بسیاری از ارزشهای دنیای معاصر در تضاد است و نکات برجسته‌ای دارد.

مفهوم جنگ

درباره جنگ نیز، همانند دیگر مفاهیم، تعریفهای مختلفی بیان شده که هر یک بیانگر نگرش خاصی به جنگ است؛ به عنوان مثال، هدلی بال جنگ را خشونتی سازمان‌یافته می‌داند که دو یا چند کشور علیه همدیگر انجام می‌دهند. این تعریف، جنگهای داخلی را دربر نمی‌گیرد. کلاو زوتیس معتقد است جنگ به کارگیری حد اعلای خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است. البته همه جنگها در راه خدمت به دولت و کشور صورت نمی‌گیرد. در مجموع به نظر می‌رسد تعریفی که کوئینی از جنگ ارائه می‌کند، جامعتر از این تعریفها باشد. وی می‌گوید:

جنگ هنر سازمان دادن و به کارگرفتن نیروهای مسلح برای اجرای مقصود است (نخجوان، ۱۳۱۷: ۱۹).

گاستون بوتول، جنگ را مبارزه مسلحانه و خونین بین گروه‌های سازمان‌یافته می‌داند. از نظر وی جنگ شکل سازمان یافته‌ای از خشونت است که ویژگی اساسی آن را بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (ادیبی، ۱۳۸۱: ۶).

جنگ وجود انتظام کافی در روابط ستیزه‌آمیز بین دو اجتماع مستقل است؛ چرا که زد و خورد‌های نامنظم جنگ نیست (آگبرن و نیم‌کف، ۱۳۸۰: ۳۵۶).

انگیزه‌های مادی و معنوی در جنگ و دفاع مقدس

مواردی چون عشق به قدرت، سودجویی، قدرت‌طلبی، خودنمایی و نظایر آن از جمله علل جنگ معرفی شده است در حالی که این موارد، معلول علت دیگری است. در واقع علل اصلی جنگ به ابعاد مادی و روانی انسان برمی‌گردد؛ به بیان دیگر، جنگ از درون انسان سرچشمه می‌گیرد. با اینکه علت اصلی جنگ را یکی از دو بعد مادی و روانی انسان تشکیل می‌دهد به وسیله ابزارها و اهدافی چون سیاست، اقتصاد، فناوری، ایدئولوژی و مانند آن خود را نشان می‌دهد؛ این بدان مفهوم نیست که هر جنگ، یک هدف و ابزار دارد، بلکه ممکن است مجموعه‌ای از ابزارها و اهداف در آن به کار گرفته شود؛ اما یکی از آنها ظهور و بروز بیشتری داشته باشد.

ایرانیان همواره اقوامی سلحشور و بی‌هراس از جنگ بوده، و با توجه به تسلط عشایر در طول تاریخ به این کشور همواره روحیه جنگاوری و مبارزه‌طلبی خود را حفظ نموده و آماده دفاع و جنگ با دشمنان خود بوده‌اند. جنگ و مبارزه در روحیه ایشان نهادینه شده است و هراسی از این موضوع نداشته و ندارند.

از جمله عشایری که می‌توان در استقرار حکومت در ایران از آنها یاد کرد عبارتند از: ماد، هخامنشی، اشکانی، غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، ایلخانی، قراقویونلو، آق قویونلو، صفوی، افشاری، زندی، قاجار (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۵۶).

بنابراین بررسی تاریخ سیاسی ایران در واقع مطالعه تاریخ صعود و زوال عشایر است. ظرفیت بالقوه عشایر ایران موجب شده است که نه تنها قدرت محلی در اختیار آنها باشد بلکه در حکمرانی کل کشور هم سهم عمده‌ای داشته باشند (شعبانی، ۱۳۶۹: ۶۸).

ویژگیهای زیر در شیوه زیست عشایری میان تمامی عشایر قابل مشاهده است:

الف) خویشاوندگرایی

ب) روحیه جنگاوری و ستیزه‌جویی

ج) بقا و گسترش عشیره از طریق تهاجم و غارت (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۵۷).

با اندکی دقت می‌توان دریافت که همه این ویژگیها در ایران امروز نیز به چشم می‌خورد که به بیان برخی از اندیشمندان جامعه‌شناسی سیاسی به روحیه و جنس ایشان باز می‌گردد که از عشایرند.

ارزشهای دفاع‌مقدس را نه از روی مصداقهای مکتوب، که از گفته‌های نسل جنگ که سینه‌به‌سینه منتقل شده است، این‌گونه می‌توان تعریف کرد: ارزشهای دفاع‌مقدس مواردی است که از ویژگی ماندگار بودن در خاطر برخوردارند؛ مانند شجاعت، از خودگذشتگی، ادای تکلیف الهی و... اینها همه موارد و مصداقهایی است که جزو ارزشهای دفاع مقدس به‌شمار می‌رود یا می‌توان هر آنچه را از جنس ارزشهاست و در جریان دفاع مقدس به زیور وجود مزین شده است، جزو ارزشهای دفاع مقدس دانست؛ ارزشهایی که اساسا جنگ عراق علیه ایران به خاطر آنها شکل گرفت، مثل عدالت‌خواهی، برهم زدن نظام ظالمانه حاکم بر دنیا، انقلابی بودن و... هم‌چنین می‌توان گفت ارزشهایی بود که جنگ، آنها را متبلور و عینی ساخت؛ مثلا فداکاری و ایثار، شجاعت، استقامت و حقانیت ملی (بشارتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

جامعه‌شناسی جنگ - نظریه‌ها

موضوعی که نظریه‌های روانشناسی را از نظریه‌های جامعه‌شناسی جدا می‌کند، این است که جنگ

از لحاظ جامعه‌شناختی پدیده‌ای اجتماعی است برخلاف نظریات روانشناسان، که آن را پدیده‌ای فردی، و پرخاشگری را جزء فطرت انسان می‌دانند. بنابراین تمایز این دو دیدگاه در این است که روانشناسی، جنگ را، غریزی و جامعه‌شناسان آن را ابداعی فرهنگی می‌شناسند.

مطالعه آرا و اندیشه‌های مارکس نشان می‌دهد که آرای او هم تکاملی است هم ساختی - کارکردی و هم تضادی و در هر سه مکتب مطرح است با این تفاوت که او بر تضاد به‌عنوان محور اصلی حرکت تاریخ و جامعه تأکید می‌کند. اسپنسر نیز مانند کنت و دورکیم، جامعه را موجودی زنده می‌داند در حالی که دورکیم به کارکردگرایی شهرت دارد و اسپنسر به تطورگرایی و از طرفی اسپنسر را منشأ نظریات ساختی - کارکردی هم می‌دانند. نکته اساسی و مهم در گروه‌بندی همه نظریات این است که تمام نظریه‌های جامعه‌شناسی یا وفاق را در جامعه اصل می‌داند یا تضاد را، یا فرد را واحد تحلیل می‌شناسند یا سازمانها و ساختارهای اجتماعی را؛ از این‌رو نظریات جامعه‌شناسی از سه دسته مستثنی نیست: ۱. وفاق یا توافق‌گرایی (ساختی - کارکردی) که شامل همه نظریات تکاملی (تطورگرایی)، نوتکاملی، داروینیسم اجتماعی، نظریات دورکیم، پارسونز، مرتون، اسپنسر، وبر و حتی مارکس در بعد ساخت‌گرایانه می‌شود. ۲. تضادگرایی که شامل نظریات مارکسیستی، نومیارکسیستی، نظریات مارکوزه، لوکاچ، گرامشی، آلتوسر، نیکولاس پولانزاس و... می‌گردد. مارکس چنانکه خواهیم دید در هر دو طبقه از این نظریه‌ها جای می‌گیرد. ۳. کنش متقابل نمادی که شامل پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، مبادله و نظریات گافمن و هومنز و هربرت مید، آلفرد شوتز، بلومر و دیگران می‌شود.

در دوران جدید، کشورهای مدرن صنعتی به پیشرفتهای گوناگونی از جمله در زمینه استفاده از ابزار خشونت و سازمان سیاسی دست یافتند؛ به همین دلیل نقطه اوج پیشرفت در اقتصاد، سیاست و خشونت، که در همبستگی با یکدیگر قرار دارد امروزه در ممالک پیشرفته‌تری مانند امریکا، انگلیس، روسیه و ... مشاهده می‌شود. آنها در فناوری تبلیغات و دستکاری در ذهن توده‌ها نیز از ممالک جهان سوم پیشرفته‌تر هستند. ابزارهای قدرت، که تعیین‌کنندگان اصلی جریان تاریخ است، اکنون در قالب سازمانهای خاصی جای داده شد که استقلال اقتصادی دارد و توانایی خشونت و تصمیم‌گیری آنها را از ویژگی تقریباً مطلق برخوردار ساخته و به عنوانهایی تبدیل کرده است که از مرزهای جغرافیایی خود فراتر رفته و به مراکز تجمع قدرتهای مسلط جهانی تبدیل شده‌اند. البته در مقایسه ممالک سرمایه‌داری و سوسیالیستی در می‌یابیم که در جوامع سرمایه‌داری، توسعه و هماهنگی ابزارهای قدرت بتدریج تحقق یافت ولی در جوامع سوسیالیستی خیلی سریع اتفاق افتاد و ابزارهای قدرت بدون عبور از راه‌های طولانی که تمدن‌های غربی پشت سر گذاشتند توسعه یافت و بدون رنسانس و بدون اطلاعات عصر بورژوازی که به اندیشه آزادی استحکام بخشید و بدان اهمیت سیاسی داد؛ اما در هر دو جامعه، علم و صنعت در خدمت نظام جنگ یا تدارک جنگ قرار

گرفت و به جای اینکه به صورت ابزاری در اختیار مردم و تحت کنترل آنها باشد به شکل بت فرهنگی و اجتماعی درآمد که می‌کوشید سراسر زندگی مردم را متناسب با افقهای اقتصادی و نظامی ماشین جنگی سازمان دهد بویژه که تولیدات بخش نظامی و سلاحهای پیشرفته به یکی از منابع مهم درآمد برای کشورهای تولیدکننده تبدیل شد. به همین روی در قرون اخیر، منشأ و عامل اصلی جنگها، کشورهای پیشرفته صنعتی بوده‌اند و ممالک توسعه نیافته معمولاً قربانی جنگ بوده‌اند یا جنگ به آنها تحمیل شده است.

اکنون قدرت تصمیم‌گیری در ممالک پیشرفته صنعتی بویژه امریکا در اختیار سازمانهای نظامی، سیاسی و اقتصادی است و در جوامع قبیله‌ای و سنتی در دست کدخدا، ریش سفید یا مقدس؛ ولی حتی در ساختارهای سنتی نیز ساختارهای اجتماعی نقش اصلی را در تصمیم‌گیری برای جنگ و صلح داشتند؛ مثلاً نیرومندی ساختارهای اقتصادی خود انگیزه‌ای برای تصمیم‌گیریهای جنگی بود. تنها تفاوت عمده این است که در گذشته، ساختارها پراکنده بود؛ تولید، تجارت، حکومت و ... جریانهای جدا از همدیگر بود؛ اما امروزه همه آنها به یکدیگر پیوند خورده است. اگر در گذشته هر کشوری از چند استان و ایالت تشکیل می‌شد که به دور یک قدرت مرکزی ناتوان گرد می‌آمدند و در درون هر استان نیز نوعی ساخت ملوک الطوایفی وجود داشت و کدخدایان و خوانین چیره بودند، امروزه نظم سیاسی با دستگاه اجرایی و قدرتهای حقوقی و اداری وسیع و فراگیر به وجود آمده است و با کمک وسایل ارتباطی سریع، ساختارهای قدرت بر تمام سطوح ساختمان اجتماعی کشور سایه گسترده است.

جنگ ایران و عراق در واقع واکنشی بین‌المللی به نمایندگی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران و شکل‌گیری نظامی نو بود که معادلات و معیارهای بین‌المللی را که تحت تسلط امریکا بود درهم ریخت و در تعارض بلوک شرق و غرب اتفاقی نو و زاویه‌ای جدید از نگاه انسانها به جهان به وجود آورد.

در داخل کشور با ترویج و تبلیغ این واقعیت، که دنیای غرب به نمایندگی عراق علیه جمهوری اسلامی وارد مبارزه‌ای مسلحانه و جنگی تمام عیار شده است، سبب پیدایش نوعی هماهنگی اجتماعی و حس پیوند اجتماعی شد.

مردم ایران خود را در برابر استعمار نوی غربی می‌دیدند و برای جلوگیری از خورده‌شدن انقلابشان خود را موظف و مکلف می‌دانستند تا وارد میدان جنگ شوند و در تمام عرصه‌های مورد نیاز به نقش‌آفرینی بپردازند. بی‌شک بهترین توصیفی که از انگیزه‌های دفاع مقدس به عمل آمده توسط کسی است که در مقام رهبری انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی قرار داشته است.

۱. رفع ظلم، فتنه، توطئه و تجاوز علیه مملکت اسلامی

امام‌خمينی (ره) با تأکید بر ضرورت مقابله با فتنه‌انگیزی تجاوزگران و پيمان‌شکنان بر دفاع از

کیان مملکت اسلامی و لزوم دفاع از حیثیت مسلمانان از طریق خنثی‌سازی توطئه‌های فرسایشی، اصرار می‌ورزید و شهادت‌طلبی جوانان ایران اسلامی را دلیل حقانیت دفاع مقدس می‌دانستند. ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۴۳).

۲. انگیزه‌های اسلامی و انسانی دفاع مقدس

صورت عمل میزان نیست؛ آن چیزی که میزان است انگیزه عمل است؛ معنای عمل است ... دولت قدرت دارد، سپاه قدرت دارد، ارتش قدرت دارد، بسیج قدرت دارد، اینهایی که قدرت دارند حفظ جهات انسانیت را، جهات اسلامیت را بیشتر از دیگران بکنند. این قدرت را در محلس خرج بکنند؛ تجاوز از محلس نشود (صحیفه امام، ج ۱۸: ۲۰۹).

جنگ برای این است که آن زباله‌هایی که هستند، آنهایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آنهایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آنها را از بین راه بردارند. مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام، انسان درست کنند (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۹۲).

۳. توسعه طلب نبودن ایران و جنبه دفاعی جنگ و صیانت سرزمین از تهاجم دشمن کشور ایران با تمام قدرتی که دارد و با تمام قدرتی که خواهد پیدا کرد، ان شاء الله، هیچ گاه نظر به این ندارد که تجاوز به یک ملت دیگر و یک کشور دیگر هر چه ضعیف باشد بکند، بلکه پشتیبان آنهاست. قدرت دارد، لکن قدرت خود را صرف پشتیبانی از دیگر مسلمین می‌کند (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۴۱).

۴. تحکیم حاکمیت ارضی و استقلال ایران به منزله انگیزه اساسی دفاع مقدس و تبلیغات به عبارت کلی‌تر در تحلیل مقدماتی از موضوع جنگ باید گفت که جنگ برای مردم ایران، فراتر از نزاع، کشمکش فیزیکی و خشونت گروهی در سطح فردی و گروهی بود. با حاکم شدن گفتمان اسلام شیعی در ایران در سایه پیروزی انقلاب اسلامی این جنگ صرفاً جنگ فیزیکی صرف بین دو کشور نبود بلکه به نوعی جنگ حق و باطل به شمار می‌رفت.

ماهیت پیوند اجتماعی

پیوند اجتماعی یا ملی‌گرایی و ملت‌گرایی، تعلق خاطر جمعی در راستای حفظ منافع عمومی و مشترک در جامعه است. عنصر اصیل مکتب ملی‌گرایی، ملت است. باید دانسته شود که بدون شناخت ملت، شناخت راستین پیوند اجتماعی امکانپذیر نیست. در شناخت راستین ملت باید گفت رشته زنجیره‌ای ناگسستنی نسلهای گذشته، حال و آینده است. در مکتب پیوند اجتماعی، ملت موجودی زنده است که به مانند هر جاندار دیگر، قوانین ویژه زیستی خود را دارد.

پیوند اجتماعی به عنوان آگاهی گروهی، حس همبستگی و یگانگی پدید می‌آورد که از اشتراک

در عواملی مانند زبان، ارزشهای اخلاقی، دین، ادبیات، سنتهای تاریخی، تاریخ، نمادها و تجربه‌های مشترک سرچشمه می‌گیرد. شاید بتوان گفت پیوند اجتماعی را برداشتی از ناسیونالیسم می‌دانیم با انگیزه و روحیه ایدئولوژیک؛ لذا ناسیونالیسم احساس مسئولیت در برابر سرنوشت ملی و وفاداری به ملت را دربر دارد که بر دیگر وفاداریها (مانند وفاداری به خانواده) مقدم است (آشوری، ۱۳۷۰: ۳۲۰).

ناسیونالیسم یا ملت‌باوری، نوعی آگاهی جمعی است؛ یعنی آگاهی تعلق به ملت. این آگاهی را آگاهی ملی می‌خوانند (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۱۹).

آگاهی ملی اغلب پدیدآورنده حس وفاداری و شور و دل‌بستگی افراد به عناصر تشکیل‌دهنده ملت (نژاد، زبان، سنتها و عاداتها، ارزشهای اخلاقی و به‌طور کلی فرهنگ) و گاه موجب بزرگداشت مبالغه‌آمیز از آنها و اعتقاد به برتری این مظاهر بر مظاهر ملی دیگر ملتها می‌شود. از آنجا که هر ملت، سرزمین خاصی دارد، وفاداری به خاک و فداکاری برای پاسداری از آن و بزرگداشت آن از پایه‌های ملت باوری است. پیوند اجتماعی ایدئولوژی‌ای است که دولت ملی را در عالیترین شکل سازمان سیاسی می‌داند و مبارزه ملت باورانه بر ضد چیرگی یا تاخت و تاز بیگانه برای به‌وجود آوردن یا پاسداری از چنین دولتی است. رشد ملت باوری از ویژگیهای هر دوره تاریخی است که در آن ملتها به صورت واحدهای سیاسی مستقل درآمدند و اصل حاکمیت ملی به رسمیت شناخته شد. این دوره برای اروپا از قرن هفدهم تا اواخر قرن نوزدهم، و در آسیا و آفریقا بویژه نیمه دوم قرن بیستم را دربر می‌گیرد. دوران رشد ناسیونالیسم را دوران بیداری ملی نیز نامیده‌اند که در آسیا و آفریقا با جنبش ضد استعماری در آمیخته است (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۷۹).

پیوند اجتماعی در ساده‌ترین تعریف با وطن‌پرستی و میهن‌دوستی و با تسامح، آیین اصالت دادن به ملت و ملیت‌گرایی مترادف دانسته می‌شود. اگرچه عشق به میهن سابقه‌ای بس کهن در تاریخ بشری دارد و رد آن را تا اساطیر می‌توان پی گرفت، پیوند اجتماعی از مفاهیم متجددانه دنیای مدرن است که از عمر آن بیش از چهار سده نمی‌گذرد که منشأ آن را به انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه باز می‌گردانند؛ اما به گواهی تاریخ و به حکم اوراق تاریخ‌نگاران، ریشه‌های آن را در پیش از این می‌توان جست.

فرانسویان بویژه در دوران امپراتوری ناپلئون بناپارت دو نقش به ظاهر متضاد، ولی مکمل در تکوین و نضج‌گیری ناسیونالیسم ایفا کردند: از یک‌سو به عنوان منادیان آزادی و برهم زندگان نظام فئودالی و با کشورگشایی و بردن پیامهای انقلاب فرانسه به میان ملل دیگر آنها را برای وداع با قالب‌بندیهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قدیم آماده کردند و از سوی دیگر با نمایش خود به‌عنوان نیروهای خارجی، آنها را تحریک کردند که به جست‌وجوی آن چیزی برآیند که امروز با تحولات و دگرگونیهای بسیار ناسیونالیسم یا به تعبیر این پژوهش پیوند اجتماعی نامیده می‌شود.

در چنین سامانه و نظام معادله‌ای می‌توان سابقه یکسان و مشترک تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، زبانی، نژادی و... را نام برد که عامل انسجام‌بخش هر ملتی به‌شمار می‌رود؛ بدین معنا که هر ملتی برای معرفی و توضیح خود بر چنین جلوه‌هایی از ملت خود استناد می‌کند؛ با وجود این توصیفات، هنوز در متون علوم اجتماعی و تعاریف علوم سیاسی تعریف صریح و دقیق و متفق‌القولی از ناسیونالیسم وجود ندارد؛ اما تقریباً در همه تعاریف موجود، بر عواملی چون «ایدئولوژی»، «هویت»، «احساس تعلق» و «معتقدات» تأکید می‌شود.

پیوند اجتماعی بازتولید و تغییرات دائمی الگوها، ارزشها، نمادها، خاطرات و اعتقادات است که میراث متمایزکننده ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. تشخیص افراد کشور با الگو و میراث و عناصر فرهنگی آن است که مجموعه‌ای از خاطرات تلخ و شیرین، فرازها و فرودهایی است که در خاطره تاریخی هر ملت است که بعضاً به آن افتخار می‌کنند.

ایجاد این زیرساختها و تربیت افراد جامعه، مقدمات نرم‌افزاری انقلاب مشروطه‌خواهی را فراهم ساخت. انقلاب مشروطه با توجه به آن زمان واقعا تحول بزرگی بود و در ایران از بعد جغرافیای سیاسی تأثیرات زیادی در آینده حکومتی ایران گذاشت؛ ولی به علت ناکامی مشروطه در رسیدن به اهداف خود کم‌کم باعث شد حکومت قاجار تغییر کند و نظم و حکومت رضاخانی به قدرت برسد و هویت ملی و پیوند اجتماعی ایرانی با ایجاد دولت متمرکز تغییر یابد.

اگر جامعه ایرانی را جامعه‌ای بدانیم که بعد از ماجرای مشروطه به سمت نوسازی و دگرگونی سیاسی - اجتماعی در حرکت بوده در دوره‌هایی سرعت این حرکت کم یا زیاد شده است. پیوند اجتماعی علاوه بر تقویت اعتماد اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم یافته، همدلی ملی، ثبات سیاسی، سازگاری اجتماعی، تعاون اجتماعی و همکاری و مشارکت اجتماعی داوطلبانه را موجب می‌شود که افراد و گروه‌های سیاسی به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف وظیفه خود را انجام می‌دهند. می‌توان گفت با فراهم کردن زمینه‌های ارزشی و هنجاری، اعتماد متقابل میان اعضای جامعه فراهم می‌شود. اعتماد متقابل میان اعضای جامعه زمینه مشارکت اجتماعی را فراهم می‌سازد و روند توسعه و اصلاح اجتماعی در نتیجه آن روند صعودی را طی می‌کند. در نتیجه هویت‌های جمعی بارز و نسبتاً یکپارچه شکل می‌گیرد.

احساس پیوند اجتماعی موجد تحکیم پایه‌های هویت و انسجام ملی در طول جنگ تحمیلی شد که یکی از اصلی‌ترین دلایل مقاومت بی‌نظیر مردم ایران به‌شمار می‌رود. در واقع هویت ملی شامل دو عنصر عمده احساس تعهد و تعلق عاطفی است. بر این اساس هویت ملی نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی نسبت به اجتماعی ملی است که وحدت و انسجام جامعه را موجب می‌شود و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (رزازی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۰۶). افراد تشکیل‌دهنده گروه به صرف اینکه ایمان مشترکی دارند، خود را به هم پیوسته احساس می‌کنند. جامعه‌ای که اعضایش به دلیل

تصورات مشترک خویش از جهان دیگر و رفتار و عبادات همانندشان بر پایه همان تصورات مشترک با یکدیگر همبسته‌اند، معمولاً کلیسا (امت) نامیده می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۵۸). تا زمانی که پیوند اجتماعی و احساس مشترک پدید نیاید، جامعه می‌تواند در برابر خطرهای بیرونی تهدیدپذیر باشد.

پیوند اجتماعی از نگاه امام خمینی (ره)

تفکر امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی بر اندیشه وحدت اسلامی و نگرش امت‌مدارانه به مسائل جهان اسلام مبتنی بوده است. ایشان مصالح اسلام و مسلمانان را همواره در کنار مصالح و منافع ملی قرار می‌دادند و رفع مشکلات از جامعه مسلمانان را اصل مسلم می‌شمردند.

نگرش امام به قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از ظرافت خاصی برخوردار است. ایشان تا هنگامی به قومیت، حب وطن و احساسات پاک ملی گرایانه ارج می‌نهد که در قالب یک ایدئولوژی در برابر اسلام قرار نگرفته باشد. ایشان معتقدند که اسلام برای رفع تبعیض‌ها آمده و برای هیچ گروهی ویژگی خاص قرار نداده است: اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسانها است و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است (صحیفه امام، ج ۱۱: ۵۶). «حب وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۰۹).

درباره پیوند اجتماعی و احساس ملیت‌گرایی خاص مدنظر این پژوهش، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: ما ناسیونالیسم را به معنای مثبتش قبول داریم. هر کس باید به میهن خودش علاقه داشته باشد. مگر می‌شود کسی از میهن خودش دور باشد؟ ناسیونالیسم به این معنا چیز خوبی است ... (امام‌خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۶۹/۰۱/۲۶).

یکی از مواردی که انقلاب ایران و به ثمر رسیدن نظام جمهوری اسلامی ایران و هم‌چنین دفاع مقدس را از دیگر نمونه‌های مشابه دنیا متمایز ساخته، سبک مدیریت و رهبری خاص امام-خمینی (ره) است که برخاسته از اسلام ناب محمدی (ص) و جهاد در برابر استعمار و ظلم و بی-عدالتی بود (غفاری هاشجین و اسماعیل عارفی، ۱۳۹۶: ۱۲).

جنبش‌های اجتماعی و سیاسی با استقامت و پایداری رهبران و ایستادگی پیروان و همبستگی و انسجام آنها به موفقیت می‌رسند. حضرت امام خمینی (ره) با آگاهی کامل از این قاعده کلی و آشنایی با روحیات مردم ایران بر لزوم وجود اتحاد و همبستگی بین مشارکت‌کنندگان و توده مردم برای دفاع از میهن عزیز تأکید می‌کرد. در این راستا امام برای تهییج احساسات مردم و بسیج آنها

در مقابل صدام متجاوزگر، جنگ را در رأس همه امور قرار داد و تأکید کرد که برای حفظ عزت و شرف خود همه باید جنگ را در رأس همه امور قرار دهند و تأکید کرد که برای حفظ عزت و شرف خود همه باید در جنگ حضور داشته باشند. وی برای بسیج احساسات مردم در راستای ایجاد همدلی و همبستگی از گزاره‌هایی همچون: جنگ دفاعی در رأس امور، حل مشکلات در حل جنگ، جنگ در رأس برنامه‌های کشور، تلاش همه برای پیروزی در جنگ و ... استفاده کرد (مرندی و سلیمانی، ۱۳۸۶: ۱۲۹-۱۱۳).

توافق جمعی شکل‌گرفته در جامعه ایران در طول سالهای دفاع مقدس

گفتمان اسلامی منجر به پیروزی انقلاب اسلامی به بخشی از وجود تک‌تک افراد جامعه ایران در زمان جنگ تبدیل شد. در طول سالهای دفاع مقدس، توافقی جمعی در جامعه ایران برای دفاع از کشور در مقابل تجاوز شکل گرفت. یکی از اصلی‌ترین دلایل شکل‌گیری وفاق، ارزشها و هنجارهای قوام‌دهنده آن است. این ارزشها و هنجارها، که از ماهیت جمعی برخوردار بود، موجب مستحیل شدن فرد در جامعه در طول سالهای جنگ شد.

بی‌شک ریشه‌های توافق جمعی شکل‌گرفته در طول سالهای جنگ را باید در انقلاب اسلامی جست. انقلاب سال ۱۳۵۷، که عمیقاً از گفتمان اسلامی تأثیر پذیرفته بود، کارکرد نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تغییر داد. برای درک ارزشها و هنجارهایی که شکل‌گیری توافق جمعی را در جامعه ایران باعث شد باید به درک درستی از گفتمان مؤثر در انقلاب اسلامی برسیم. وقوع انقلاب ایران بر پایه آموزه‌های اسلام شیعی در قرن بیستم تعجب بسیاری از نظریه‌پردازان علوم انسانی را برانگیخت. این انقلاب برخلاف روند عقلانی پیش‌بینی شده در جهان اتفاق افتاد. بر پایه ماهیت گفتمان سیاسی اسلام شیعی در طول دوره انقلاب اسلامی، بیشتر توده‌های مردم بدون تشکیلات سیاسی پیش‌بینی شده، توانستند حضور تأثیرگذاری در عرصه سیاسی داشته باشند.

در این گفتمان از دید هستی‌شناختی با دو مقوله به هم پیوسته دنیا و آخرت روبه‌رو هستیم. با این تعبیر در حقیقت حیات و سعادت اخروی انسان در گرو چگونگی زیستن او در این دنیا است. در این برداشت از اسلام، زندگی اخروی هر فرد به دست خود او در همین دنیا ساخته می‌شود؛ بدین معنا که اعتقادات، علایق، نیات و رفتار انسان شخصیت دنیوی و چهره اخروی او را شکل می‌دهد؛ لذا می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که با نوعی احساس دشمن مشترک و تهدید سرزمینی مشترک بین آحاد مردم ایران با خود احساس تعلق و همبستگی و پیوند عمیقی داشتند و تعلق خاطر پدید آمده به پیوند و در کنار هم بودن منجر شد.

اتحاد و انسجام مردم ایران با تمام اختلافات و تعددهایی که اشاره شد، مشکل و معضل به‌شمار

می‌رود که شاید بتوان یکی از عوامل مؤثر و مهم در این انسجام و زمینه‌های این اتحاد را در کنار عوامل دیگر، موضوع پیوند اجتماعی و انسجام ملی یا همان وفاق ملی دانست.

از ویژگی‌های بارز حماسه دفاع مقدس و رمز پیروزی ایران و ناکام ماندن حزب بعث عراق و قدرتهای پشتیبانش در هشت سال دفاع مقدس، حضور یکپارچه و هماهنگ مردم ایران در آن است. بی‌گمان در پیشینه و تاریخ جنگهای دفاعی این مرز و بوم، دفاع مقدس به لحاظ گستره مدافعان و وحدت اقشار مختلف مردم اعم از اکثریت مسلمان و اقلیت غیرمسلمان، اقوام، اصناف و نیز همدلی و هماهنگی نیروهای مسلح با یکدیگر کم‌نظیر است. دشمن، زمانی به این سامان تهاجم را آغاز کرد که در آن نظامی اسلامی با تلاش و رهبری آگاهانه و قاطعانه امام‌خمينی (ره) و انسجام و یکپارچگی ملت مسلمان استقرار یافته بود و مردم ایران که یک بار ثمره وحدت خود را در شکست سلسله پادشاهی و استبداد تجربه کرده بودند، این بار نیز تنها سلاح کارآمد دفع تجاوز و حفظ حریم اسلامی و میهن را اتحاد و وفاق ملی دانستند و به همین وسیله توانستند هشت سال جنگ تحمیل شده به ایران را با پیروزی پشت‌سر بگذارند. می‌توان گفت جنگ تحمیلی، زمینه‌ای بود که مردم ایران یقین پیدا کردند که با یکپارچگی خود هر سدی را می‌توانند پشت‌سر بگذارند؛ حتی اگر قدرتمندترین کشورهای دنیا در علم و اقتصاد و سیاست با واسطه قرار دادن یک کشور به جنگ ما بیایند، ... مردم ایران تهاجمات فرهنگی و سیاسی دنیا را علیه خود با وحدت و یکپارچگی خنثی می‌کنند (پیری و حشمتی جدید، ۱۳۹۶: ۱۶).

نقش جنگ بر شکل‌گیری پیوند اجتماعی با نگاه به دفاع مقدس

۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمله هوایی به چند فرودگاه ایران و تعرض زمینی همزمان ارتش عراق به شهرهای غرب و جنوب ایران، جنگ هشت ساله عراق علیه ایران آغاز شد. با پدید آمدن موضوع جنگ، جامعه ایرانی که هنوز درگیر وقایع و اتفاقات انقلاب بزرگ خود بود، نوعی احساس مشترک را در درون همه مردم ایران دریافت کرد که آن احساس مشترک، دفاع و مقاومت در برابر دشمن بود؛ دشمنی که احساس کرده بود می‌تواند از این فرصت به نفع خود بهره‌برداری و جامعه تضعیف شده‌ای را تکه‌پاره کند و همان‌گونه که صدام در نطق تلویزیونی خود گفت تا ساعتها بعد در تهران حضور می‌یابد و ایران را جزئی از خاک خود می‌کند.

این احساس درونی و تعلق ملی سبب شد تا تمامی آحاد مردم از کوچک و بزرگ هر کدام با شیوه‌ای به این نقش‌آفرینی کمک کنند و ید واحده‌ای شوند در برابر خیل عظیم دشمنان بین‌المللی.

... جنگ می‌تواند انسانهای جامعه را به یکدیگر نزدیک کند یا آنها را از هم دور سازد؛ می‌تواند انسجام جامعه را تقویت کند یا سبب انهدام آن شود (عزیزی، ۱۳۹۱: ۹۹ و ۹۸).

هویت ملی مفهومی است که سبب تقویت حس ناسیونالیستی در جامعه می‌شود. مفهوم هویت از ریشه لاتین (identity) است که به معنای مشابه و یکسانی به کار می‌رود (آقابخشی، ۱۳۷۴: ۲۳).

عناصر تشکیل‌دهنده پیوند اجتماعی در ایران

در مورد اینکه عوامل تشکیل‌دهنده پیوند اجتماعی کدام است، عقاید مختلفی وجود دارد. در جغرافیا، سرزمین و تاریخ مشترک را اصل و در علوم اجتماعی، زبان و دین مشترک را اصل، و در علوم سیاسی بر ساختار سیاسی مشترک ملیت و ملت و جامعه مدنی تکیه می‌کنند.

۱. سرزمین: معنای سرزمین در گذشته و امروز دو معنای متفاوت را می‌رساند. امروزه دیگر معنای سرزمین به آن مفهومی که در گذشته بوده است، نیست و معنای دیگری دارد؛ چرا که مرزهای مشخص و تعیین شده‌ای را تداعی می‌کند.

حمله عراق به ایران و اعلام تصرف خاک خوزستان ایران و نامگذاری آن به محمره از نمونه‌های بارز این مورد است که در این زمینه حس دفاع از خاک را برانگیخت و حتی ایرانیان را خارج از هر نوع اعتقاد مذهبی و اقلیتهای دینی با یکدیگر متحد و منسجم ساخت؛ زیرا یکی از اصلی‌ترین معیارهای شکل‌گیری پیوند اجتماعی است.

۲. زبان: با در نظر گرفتن زبان فارسی در ایران به عنوان زبان و گویش غالب می‌توان آن را مؤلفه و معیاری در ایجاد پیوند اجتماعی برشمرد. هرچند در بسیاری از موارد برداشتهای اعتقادی تفاوت‌های زبانی را پوشش داده است، بدون شک زبان مشترک، نقش و اهمیت والایی در این مقوله دارد که سبب شکل‌گیری همانندی‌هایی بین انسانها در جغرافیای مشخص و معینی می‌شود.

۳. حکومت و دولت: حکومتها در گذشته بیشتر ساختار ایلی و طایفه‌ای داشت؛ ولی حکومت به معنی امروزی آن، مسئولیتهای بیشتری نسبت به مردم دارد. حکومت در ایجاد هویت ملی مانند عاملی وحدت بخش عمل می‌کند؛ مردم را در یک سرزمین دورهم جمع می‌آورد و به آنها آداب و رسوم و آموزشهای یکسانی می‌دهد. هرچند مردم ایران روحیه و انگیزه شکل‌گیری پیوند اجتماعی را در خود داشتند و این حس با بروز جنگ شدت گرفته بود، دولت نیز به آن رنگ جدیتری داد و تلاش کرد تا از این حس و پیوند اجتماعی استفاده و بهره کافی را ببرد. حکومت و دولت تازه‌ای که به دست مردم و با رهبری امام‌خمینی (ره) به نتیجه رسیده بود از آن مردم بود و مردم آن را به خود متعلق می‌دانستند؛ لذا از هر نوع تهدیدی علیه آن بیزار، و به دنبال دور کردن خطرهای محتمل بودند در حالی که خطر بزرگی چون جنگ تحمیلی، خطری مستقیم و تهدیدی واضح و آشکار بود؛ پس تصمیم ناخودآگاه مردم ایران اتحاد و انسجام ملی و نوعی پیوند اجتماعی بود.

۴. نژاد و قومیت: نژاد، واژه یا عبارت کلی‌تری نسبت به قوم و قومیت است؛ چرا که دربرگیرنده

چندین قومیت است. این نوع تنوع قومی و نژادی در طول تاریخ مشهود، و ملموس بوده است. البته ناگفته نماند ایرانیان همواره خود را به جای اشاره به قومیت‌های مختلف در قالب نژاد مشترک می‌دیده‌اند.

۵. دین: دین همواره در طول تاریخ ایفاکننده نقشها و به عبارت کلی‌تر تعیین‌کننده بوده است. زمانی که دین در سرزمینی بروز می‌کند و موجب اتصال و هم‌نوایی مردم جامعه می‌شود به جرأت می‌توان گفت نیرویی نمی‌تواند آنها را از یکدیگر بگسلد و این به عنوان مشغله فکری اندیشمندان و جامعه‌شناسان در دوره‌های مختلف بوده است.

با بررسی اندیشه‌ها و اعتقادات گذشته ایرانیان، در می‌یابیم که آنها مردمی بودند که به ماوراء الطبیعه و نیروهای فوق بشری اعتقاد داشتند. مهمترین رویداد تاریخ کهن ایرانیان، که نقطه عطفی در تحولات سیاسی و اجتماعی این سرزمین به‌شمار می‌آید، ظهور اسلام و ورود آن به سرزمین ایران بوده است.

این آیین جدید با فرهنگ و آداب خاص خودش، عنصر ایرانی و هویت ملی ایرانیان و عنصر دین، را به‌طور اساسی تغییر داد. دین که در ابتدا در عقاید ایرانیان به صورتهای پراکنده و چند خدایی ماورایی بود در زمان زرتشت به صورت واحد درآمد. در قالب دین اسلام، مذهب شیعه در زمان صفویه به عنوان مکتب ملی ایرانیان درآمد و ایرانیان آن را به‌عنوان جزئی از فرهنگ خود پذیرفتند به گونه‌ای که حتی با سیاستهای ضددینی شاهانی چون رضاشاه و محمدرضا پهلوی نه‌تنها این عامل به حاشیه کشیده نشد بلکه این دین‌گریزی شاهان با بازخورد عظیمی چون انقلاب اسلامی روبه‌رو شد. با انقلاب اسلامی این مسئله مورد توجه قرار گرفت که دین عامل جدایی‌ناپذیر هویت ملی ایرانیان است. در دهه اول انقلاب، توجه به دین در مرکز توجهات بود. البته جنگ تحمیلی نیز در این عامل نقش مهمی را ایفا کرد (حسینی، ۱۳۷۵: ۵۳).

عامل دین به نوبه خود نقش بسیار مهمی در تهییج و ترغیب آحاد مردم ایران برای حضور در جبهه‌ها داشت و تقویت‌کننده روح اتحاد و هویت ملی بود. همان‌گونه که بیان شد، رهبر فقید انقلاب اسلامی نیز حس پیوند اجتماعی را مورد تأیید قرار دادند و این احساس نیز رنگ و بوی دینی به خود گرفت؛ لذا مورد تأیید و تبلیغ نیز قرار گرفت؛ براساس قاعده نفی سیل نیز توجیه شد و احساس مشترک ملی را علیه دشمنی برانگیخت که به مرزهای ایمان نزدیک شده بود.

دفاع مقدس و هویت ملی

در مورد اینکه عوامل تشکیل‌دهنده هویت ملی کدام است، عقاید مختلفی وجود دارد.

۱. ترغیب آموزه‌های دینی و اسلامی به دفاع در برابر متجاوز و فرهنگ عاشورا (یادآوری وقایع

تاریخ اسلام)

از اصلی‌ترین انگیزه‌های حضور آحاد مردم شکل‌گیری نوعی احساس مشترک بین مردم و تعلق خاطر آموزه‌های دینی و اسلامی بود. توجه به مباحث دینی دربارهٔ جهاد و مقابله با متجاوز به‌نوعی انسجام ملی و حس وطنی را نیز تقویت می‌کرد تا مردم بتوانند در کنار هم در برابر دشمنی مشترک مقابله کنند که به سرزمین ایشان تعدی کرده بود.

بر این اساس بود که جهاد دفاعی ملت مسلمان ایران رنگ تقدس به خود گرفت و دفاع مقدس نامیده شد؛ آن‌گونه که حضرت امام (ره) می‌فرمایند: مسئله، مسئله معنوی است، مسئله مسئله‌ای نیست که ما می‌خواهیم فقط جنگ بکنیم یا می‌خواهیم دفاع بکنیم. ما دفاع مقدس می‌خواهیم بکنیم؛ یعنی ما می‌خواهیم از آبروی اسلام، از آبروی کشور اسلامی دفاع بکنیم، این یک دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافقت (صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۵۷).

و در این راه همه باید به‌قدر توان خویش بکوشند، قضیه، قضیه دفاع است ... و بر همه ما، بر همه شما، به مقداری که قدرت داشته باشیم، به مقداری که توانایی داشته باشیم واجب است که جدیت کنیم در اینکه این دفاع مقدس را ما به طور شایسته عمل بکنیم (صحیفه امام، ج ۲۰: ۸۰). علت مهم و اصلی در اتحاد و در کنار هم قرار گرفتن مردم ایران در دوره‌ای از تاریخ این کشور، که تحت عنوان سالهای دفاع مقدس شناخته می‌شود، مسائل معنوی و اعتقادی بود؛ پس می‌توان یکی از عوامل مهم پیوند اجتماعی آن دوران را عوامل معنوی دانست.

۲. احساس تکلیف و وظیفه در برابر خاک و وطن خود و به عبارت دیگر احساس تعلق به کشور

خود

از دیگر عواملی که پیوند اجتماعی را در دوران جنگ تقویت کرد، احساس ایرانی بودن و تعلق خاطر به کشور خود بود. زمانی که مردم ایران دریافتند که دشمن به خاک و وطنشان تجاوز کرده است، حتی اگر از جهات معنوی و رخداد انقلاب اعتقادی نداشتند احساس ایرانی بودن و وظیفه خود در برابر وطن خویش یک دلیل بزرگ برای تقویت حس میهن‌دوستی و حضور ایشان در دفاع بود. توجه به حضور اقلیتهای مذهبی و ایرانیانی که با انگیزه‌های دفاع از خاک به جبهه‌ها اعزام می‌شدند، مؤید این مطلب است.

۳. ادامه مسیر انقلاب از طریق پیروزی در جنگ

تنها کمتر از دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌گذشت که جامعه ایرانی شاهد حمله همه‌جانبه عراق بود. مردم ایران با تمام تلاش و ایثارگریهایی که از سالهای بسیار دور، (سال ۱۳۴۲) در جهت شکل‌دهی انقلاب داشتند تا در نهایت در سال ۵۷ انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، حالا احساس می‌کردند تمام تلاششان در جهت شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تشکیل جامعه‌ای بر مبنای معیارهای اسلامی درگیر تهدید و تهاجم شده است و اگر غفلت کنند، تمام داشته‌ها و دستاورد انقلاب اسلامی آنان در آتش جنگی خواهد سوخت که توسط صدام شعله‌ور

شده است، لذا با تمام توان با یکدیگر متحد شدند و حس پیوند اجتماعی قوی تری شکل گرفت؛ این موضوع نیز یکی دیگر از ملاکهای اتحاد ملی و وفاق اجتماعی در ماجرای جنگ بود.

۴. نقش محوری حضور مسئولان در جنگ

با حضور پررنگ مسئولان در جنگ، مردم احساس وظیفه بیشتری نسبت به دیگر موقعیت‌ها کردند؛ چون می‌دانستند که در موقعیتی که مسئولان در صحنه حضور دارند باید با یکدیگر اتحاد بیشتری داشته باشند و در برابر دشمن مشترک بایستند؛ به عبارت دیگر حضور آنان نیز یکی از انگیزه‌های تقویت احساس پیوند اجتماعی ملی در دوران جنگ و تقویت‌کننده حس وطن‌دوستی ایشان بوده است.

۵. همان‌گونه که بیان شد، ایرانیان سابقه زندگی عشایری و روحیات و ویژگیهای عشایری در خود دارند و احساسات و ویژگیهای عشایری در آنها قوی است؛ لذا حس پیوند اجتماعی به صورت ناخودآگاه در ضمیر ایرانیان نهفته و سامان‌یافته است و به محض پیداشدن زمینه بروز آن، خودبه-خود ظهور می‌کند و عامل انسجام بخشی بیشتر ایرانیان خواهد شد.

عشایری که نسبت به سرزمین و اعضای خانواده خود حساسیت زیادی دارند و در برابر بیگانه (هرکسی غیر از ایل و عشیره خود) بشدت موضع‌گیری می‌کنند و به دفاع در برابر هر احساس تضييع حقی می‌پردازند.

در دوران جنگ تحمیلی هرچند ادعای عراق به یک نقطه از ایران بود، چون حس پیوند اجتماعی مردم ایران نسبت به کل سرزمین و خاک ایران آنان را به لزوم دفاع ترغیب می‌کرد، علیه دشمن خارجی متحد شدند.

۶. تقویت حس پیوند اجتماعی ایرانی در برابر ناسیونالیسم عربی

شاید به جرأت بتوان گفت یکی از عمده‌ترین عوامل تقویت‌کننده احساس پیوند اجتماعی ایرانی، حس قرار گرفتن ناسیونالیسم عربی در برابر خود است. صدام بارها بر تقویت حس ناسیونالیسم عربی و تهییج و اتحاد اعراب علیه ایرانیان (عجم) می‌پرداخت و سبب تقویت این احساس در جبهه مقابل نیز می‌شد؛ اما با علم به این موضوع که ناسیونالیسم عربی از حس پیوند اجتماعی ایرانی بسیار قوی‌تر است، واژه‌های از این رویارویی نداشت و لذا به پرداختن به این موضوع همچنان ادامه یافت. این موضوع در اظهارات صدام کاملاً مشهود بود.

جلوه‌های استمرار پیوند اجتماعی در سالهای پس از دفاع مقدس

همان‌گونه که انقلاب اسلامی بارزترین جلوه همبستگی و مشارکت مردمی در امری بود که همه آحاد ملت در آن با یکدیگر به توافق رسیده بودند و با تمام وجود بر مبنای اعتقادات خود مبارزه می‌کردند تا به نتیجه برسند، دفاع مقدس نیز بر همین مبنای پدید آمد و هرچند شکل‌گیری پدیده

جنگ به‌رغم خواست مردم بود، مردم ایران به بهترین شیوه توانستند آن را اداره کنند و با یکدیگر در این زمینه متحد و منسجم شوند و نمونه‌ای از پیوند اجتماعی را به نمایش گذارند.

بعد از پیروزی در این عرصه وقایع و اتفاقاتی در جامعه ایرانی رخ داد که در امتداد همان احساس و همان درک درونی عمومی جامعه بود؛ رخدادهایی که در اجتماع بازخوردی عمیق داشت و حتی برخی از اتفاقات، که اگرچه در قالب موضوعات کاملاً اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و... بود به‌علت حضور سیاسی مردم در این عرصه‌ها به حرکتی سیاسی - اجتماعی تبدیل شد و مشارکت مردمی رنگ و بوی سیاسی مانند همان پیوند اجتماعی به خود گرفت. شاید به جرأت بتوان گفت یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که جامعه‌شناسان و تحلیلگرانی را که به دشمنی با ایران مشغولند را به تفکر واداشته این است که مردم ایران در برابر تهدیدات مشترک با یکدیگر متحد می‌شوند و نسبت به خطری مشترک انسجامی واحد می‌یابند.

برای اشاره به نمونه‌هایی از این رخدادها به تحلیل و بررسی عمیق وقایع از جنبه‌های مختلف نیازی نیست؛ بلکه به تنهایی با بیان نمونه‌ها می‌توان به شکل‌گیری این حس قوی اشاره کرد که در طول زمان در فضای کلی جامعه ایرانی شکل گرفته است.

وجود احساسی عمیق میان همه مردم در مبارزات انقلاب اسلامی و احساس دشمنی مشترک در اعتقادات و احساسات عمیق مردمی ریشه داشت؛ سپس پیروزی مردمی در انقلاب و نتیجه حضور آحاد مردم و رأی ۹۸/۲ درصدی به جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب و بعد از آن اتفاقات سیاسی که در ایران بعد از انقلاب نمایان شد، مظاهری از این علقه مشترک بود. در ادامه همان‌گونه که به تفصیل بیان شد، جنگ تحمیلی به نمونه‌ای بارز از این مورد تبدیل گشت.

حضور مردم در برخی از فراخوانهای کلی نظام انقلاب اسلامی نشان از همین حس درونی مشترک میان همه داشت که می‌توان به آن از پیوند اجتماعی یاد کرد.

شرکت پرشور و منسجم مردم در قریب به ۳۰ دوره انتخابات در سطوح مختلف و میانگین مشارکت حدود ۶۰ درصدی؛ هم‌چنین راهپیماییهایی که از جانب نظام فراخوان می‌شود به مناسبت‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و روز قدس و یا دیگر مناسبت‌های سیاسی که یکی از نمونه‌های عالی این اقدام و حرکت عمومی ملی برخاسته از احساس ملی میهنی منطبق بر فرمان رهبری، حضور بی‌نظیر مردمی در راهپیمایی ۹ دی سال ۸۸ بوده است. هرچند همان‌گونه که قبلاً بیان شد با تهدید دشمن احساس پیوند اجتماعی و میهن‌دوستی بین مردم ایران تقویت می‌شود و این موضوع در مواقعی که دشمن مردم ایران را به عدم حضور دعوت می‌کند و یا مواقعی که دشمنی خود را ظاهر می‌سازد، بیشتر گشته است.

پدید آمدن احساس غرور ملی در هر پیروزی و دستاوردی اعم از هسته‌ای، ورزشی، علمی و... زمینه‌ای است برای بروز آن و برعکس احساس غم و اندوه مشترک میان همه مردم با حوادث

ناگواری چون شهادت چهره‌های شاخص کشوری، رخداد و بلایای طبیعی در هر گوشه‌ای از این سرزمین و خیزش ملی در نمونه‌هایی چون زلزله رودبار و منجیل، بم یا کرمانشاه نمونه‌هایی از جوشش این احساس عمیق است.

شکل‌گیری گفتمان مشترک ملی در بسیاری از اقدامات و حرکات محلی، منطقه‌ای یا کشوری و نیز درک مشترک از موضوعات سیاسی و دریافت جامع ملی از پدیده‌های روز به فراخور ایام و یا در مدت اندکی پس از آن و همچنین مشارکت مادی و معنوی ملی در اعلاناتهای عمومی که از جانب دستگاه‌ها و نهادهای قانونی صورت می‌پذیرد و در بسیاری از موارد ثبت همکاری، مشارکت عمومی و هویت‌سازی ملی بی‌سابقه‌ای را در پی دارد.

نوع برداشت و اقدام عمومی جامع مردمی در تهدیدات و فرصتهایی که برای جامعه ایران رخ داده است، نشان از نوعی حس مشترک وطن‌دوستی یا پیوند اجتماعی بین مردم و در جامعه ایرانی دارد.

همه مواردی از این دست جلوه‌هایی از استمرار پیوند اجتماعی است که در سالهای پس از وقایع بزرگی چون انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نمود یافته است.

نتیجه‌گیری

هرچند ایرانیان خاطره خوبی از ناسیونالیسم ندارند و این عنوان نسبتاً قدیمی علوم اجتماعی یادآور جنبشها و جدایی طلبی‌هایی تحت همین احساس و همین نام از ایران است، نوع برداشت و بنمایه تعلق خاطر به سرزمین کهن و میهن‌دوستی ایرانیان در کنار ایدئولوژی و برداشتهای عمیق معنوی سبب شکل‌گیری اتحاد و انسجام شگفت‌آوری در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران شد؛ احساسی که در این تحقیق با عنوان پیوند اجتماعی به بررسی آن در دوران دفاع مقدس پرداخت و ضمن ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر آن میزان اثرگذاری جنگ تحمیلی بر تقویت آن مورد ارزیابی قرار گرفت. صدام، که از رهبران دیکتاتور عرب منطقه بود در جهت تأمین منافع خود تلاش کرد تا منافعش را در قالب زور تأمین کند؛ اما این منافع را در هاله‌ای از انسانیت، اخلاق و قداست قرار داد. هرچه این هاله متراکم‌تر و ضخیم‌تر، توان توجیهی و اقناعی بیشتری را فراهم می‌آورد، حمله به ایران را در قالب دفاع از اعراب (ادعای آنان درباره‌ی تصرف جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی از سوی نیروهای ایران و پایمال‌شدن حقوق اقلیت عرب ساکن در ایران بود) و سلطه‌جویی ایرانیان (صدور انقلاب و تأثیرات انقلاب بر مردم عراق) مطرح کرد تا از حس اعراب علیه ایرانیان بهره ببرد. در مورد سرزمین و اشغال آن توسط دشمن هرچند از لحاظ سیاسی و جنبه‌های بین‌المللی، اقدام عراق، بار حقوقی و سیاسی در صحنه بین‌الملل داشت در این تحقیق بیان تقویت حس پیوند اجتماعی علیه این اقدام مدنظر قرار گرفت. جنگ تحمیلی پیوند اجتماعی را ناخودآگاه در ایرانیان

برانگیخت و آنان را نیز در برابر دشمنی مشترک متحد ساخت که با توجه به سؤال اصلی این تحقیق که جنگ هشت ساله بین ایران و عراق چه تأثیری بر میزان تحکیم و تقویت پیوند اجتماعی گذاشت، نتایج ذیل بدست آمد:

۱. سرزمین که ایرانیان با احساس تعدی دشمن به مرزهای سرزمینی خود در این زمینه واکنش نشان دادند و به مقابله پرداختند. هرچند جنگ بین ایران و عراق جنگ بر سر خاک و سرزمین نبود، معیاری مشترک بین همه نیروهای فعال در جبهه به شمار می‌رفت؛ معیاری که از صدام، متجاوزی ساخت و ایرانیان با هر نوع تفکر و اندیشه‌ای را در کنار هم قرار داد تا از مرز و خاک مشترک خود با حفظ و تقویت پیوند اجتماعی دفاع کنند.

۲. حکومت و دولتی که در شکل جدید خود به نظام اسلامی تازه تأسیس در مرزهای سرزمینی ایران شکل گرفته بود و حفظ آن واجب و تکلیف شرعی به شمار می‌رفت؛ چرا که با انقلابی جدید و مبارزاتی نفس‌گیر به نتیجه مطلوب رسید و آحاد مردم با هر نوع اندیشه و تفکر درباره این موضوع مشترک تلاش خود را به نتیجه رسانیدند و پس از کنار زدن حکومت پهلوی، نظامی نو را روی کار آوردند و در آرزوی روزهای مطلوب و معهود، خود را موظف به دفاع از آن در برابر تجاوز و هجوم دیدند.

۳. ملیت ایرانی با قرار گرفتن در برابر دشمن خارجی تبدیل به یک مؤلفه و معیار اتحاد و انسجام بیشتر تبدیل شد و به تقویت پیوند اجتماعی کمک کرد. آنچه در جریان جنگ تحمیلی با بروز دشمن مشترک شکل گرفت، سبب اتحاد و انسجام بی‌نظیر مردمی شد به گونه‌ای که ایرانیان خود را در کنار هم و در برابر دشمن می‌دیدند.

۴. بی‌شک روحیه معنوی و برداشت اعتقادی از جنگ و آموزه‌های دینی درباره دفاع و ایستادگی در برابر تجاوز با وجود غلظت معنویت در جامعه پس از انقلاب از اصلی‌ترین معیارهای همگانی مردمی در جامعه ایرانی بین سالهای مورد بررسی بود که سبب تقویت بیش از پیش پیوند اجتماعی شد.

جامعه ایران با بروز جنگ تحمیلی به‌عنوان حرکت و فعالیتی جمعی، دست به دست هم داد و با نمایش حس پیوند اجتماعی بسیار قوی و در حد اعلا به‌عنوان جوشش اجتماعی در برابر تجاوز عراق علیه خود متحد شد و جنگ هشت ساله ایران و عراق با تعمیق حس هویت ملی و وفای اجتماعی بر تحکیم و تقویت پیوند اجتماعی افزود.

منابع

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲). صحیفه‌نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. آقابخشی، علی (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران.
۳. آگبرن و نیم کف (۱۳۸۰). زمینه جامعه‌شناسی. ترجمه آریان پور. تهران: انتشارات دانشگاه.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. بشارتی، محمد رضا؛ غیائی‌راد، داوود؛ ناظمی‌اردکانی، مهدی (۱۳۹۶). مهندسی فرهنگی ارزشهای دفاع مقدس. فصلنامه جامع دفاع مقدس. س دوم. ش ۲.
۶. پیری، هادی مراد؛ حشمتی‌جدید، مهدی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل ظرفیتهای و دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی در دوران دفاع مقدس. فصلنامه جامع دفاع مقدس. س دوم. ش ۱.
۷. حسینی، حسین (۱۳۷۵). فرهنگ شیعی و کاریزما در انقلاب اسلامی ایران. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی. ش ۱۳۷ و ۱۳۸.
۸. دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
۹. رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۹). الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی. ش ۵.
۱۰. سریع‌القول، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: انتشارات فرزانه.
۱۱. شعبانی، رضا (۱۳۶۹). مبانی تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نشر قومس.
۱۲. عزیزی، محمد (۱۳۹۱). تحلیل مشارکت اقشار مختلف در دفاع مقدس، پژوهشنامه دفاع مقدس. س اول. ش ۲.
۱۳. غفاری‌هشجین، زاهد؛ عارفی‌گوران، اسماعیل (۱۳۹۶). تحلیل رهبری حضرت امام خمینی (ره) در دفاع مقدس با تأکید بر جامعه‌شناسی احساسات. فصلنامه جامع دفاع مقدس. س دوم. ش ۲.
۱۴. مرنندی، مهدی؛ سلیمانی، داوود (۱۳۸۶). دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی (ره). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران: نشر عروج.
۱۵. نخجوان، احمد (۱۳۱۷). جنگ. تهران: چاپخانه فردین و برادر.

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵؛ ۴۴-۲۱

مدیریت و فرماندهی هاشمی رفسنجانی در جنگ تحمیلی

غلامعلی رجایی^۱، هادی قیصریان فرد^۲

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه یادگار امام خمینی ۲. دانشجوی مقطع دکتری، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (دریافت: ۹۷/۱۱/۱۷، پذیرش: ۹۸/۴/۱۹)

چکیده

یکی از زوایای مهم و در عین حال کمتر توجه شده تاریخنگاری جنگ ایران و عراق، بررسی نقش فرماندهان در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های راهبردی جنگ است. تصمیم‌گیری راهبردی در دوره جنگ تحمیلی، یکی از خطیرترین نوع تصمیمات نظامی - سیاسی بود که می‌توانست بر مسیر انقلاب و نتیجه جنگ تأثیر بگذارد؛ لذا در این تحقیق به نقش مدیریتی و فرماندهی هاشمی رفسنجانی در دو مقطع از جنگ، یکی در سال ۱۳۶۲ به‌عنوان فرمانده ادامه‌دهنده والفجرها و دیگر جانشین فرمانده کل قوا در سال ۱۳۶۷ پرداخته شد. هدف تحقیق پاسخگویی به این پرسش اساسی است که دلایل و ضرورت انتصاب هاشمی رفسنجانی از سوی امام خمینی در دو مقطع از جنگ چه بود و چه تأثیری در تصمیمات راهبردی تداوم جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ داشت. مدعای پژوهش بر حفظ نظام و حل جنگ از مسیر سیاسی است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها میدانی و اسنادی است.

کلید واژه‌ها: جنگ تحمیلی، هاشمی رفسنجانی، فرماندهی، راهبرد، صلح، قطعنامه ۵۹۸.

مقدمه

یکی از علل طولانی شدن جنگها، راهبرد و تصمیمات طرفین درگیر در جنگ است که این تصمیمات را گاهی نظامیها و در پاره‌ای موارد سیاسیون مطرح می‌کنند. از آنجا که تصمیمات گستره جنگ به‌عنوان جریانی عمیق بر مسیر انقلاب اسلامی و چگونگی پایان جنگ تأثیرگذار است، لازم است مدیریت و رهبری فرماندهان عالی دوران جنگ تحمیلی به‌طور علمی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. از جمله سیاستمداران و فرماندهان دوران جنگ تحمیلی، که نقش مؤثری در تصمیمات راهبردی جنگ دارند، اکبر هاشمی رفسنجانی است.

هاشمی رفسنجانی با آغاز تهاجم دولت عراق به ایران بلافاصله در ستاد ارتش حاضر می‌شود و در جلسات بررسی چگونگی رویارویی این بحران غیرمنتظره شرکت می‌کند. وی سپس با تشکیل شورای عالی دفاع از سوی حضرت امام به‌عنوان یکی از نمایندگان شورا برگزیده می‌شود. حضور در شورای عالی دفاع موجب شد تا با واقعیات مسائل سیاسی و صحنه جنگ، پیوسته درگیر شود و مشکلات جبهه‌ها را بهتر درک کند؛ اما نقش مهمتر هاشمی رفسنجانی از فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ به بعد بیشتر نمایان می‌شود که جنگ تداوم پیدا می‌کند؛ زیرا در تصمیم‌گیری جنگ پس از فتح خرمشهر از جمله افرادی است که معتقد به پایان جنگ از طریق "گفتگوی سیاسی" است.

با توجه به تغییر رفتار نظامی و عقب‌نشینی عراق از مناطق مرزی در سال ۱۳۶۱، جنگ به حالت سیاسی - نظامی تبدیل می‌شود و این امر زمینه ایجاد تغییرات را در سطح راهبردی جنگ فراهم می‌سازد. هم‌چنین اختلاف نظر در سطح فرماندهان نظامی ارتش و سپاه در راهبرد و اجرای عملیات برای تداوم جنگ، امام‌خمینی را به این نتیجه می‌رساند تا با انتخاب هاشمی رفسنجانی به‌عنوان هماهنگ‌کننده نیروهای مسلح از ظرفیت سپاه و ارتش علیه قوای دشمن بهتر استفاده شود. بر این اساس ایشان طی حکمی در ۳۰ بهمن ماه سال ۱۳۶۲، هاشمی رفسنجانی را به سمت فرماندهی دنباله عملیاتهای موسوم به والفجرها منصوب می‌کنند. هاشمی رفسنجانی با توجه به واقعیات صحنه عملیات و شناختی که از قابلیت‌ها و توان نیروهای خودی و نیز توان و ظرفیت ارتش عراق بدست آورده بود با پیشنهاد نظریه "جنگ جنگ تا پیروزی" به فکر تصرف یک منطقه راهبردی از خاک عراق می‌افتد تا بعدها جنگ را از طریق "گفتگوی سیاسی" و از موضع برتر پایان دهد؛ اما این راه‌حل برای پایان جنگ هیچ‌گاه محقق نمی‌شود و ایران خواسته یا ناخواسته وارد جنگ طولانی می‌شود که هشت سال به طول می‌انجامد. در مقطع دوم دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی، که در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا از سوی امام معرفی می‌شود، شاهد نقش‌آفرینی بیشتر ایشان برای تصمیمات راهبردی از جمله پایان دادن به جنگ هستیم. نظر به گفته‌های مقدماتی، این پژوهش برآن است تا ضمن بررسی ضرورتها و

تأثیرگذار یهای مدیریتی و فرماندهی هاشمی رفسنجانی در دوره جنگ تحمیلی به این سؤالات پاسخ دهد: «آیا طولانی شدن جنگ ایران و عراق، انتخابی بود و یا ناخواسته و تحت تأثیر تصمیمات راهبردی فرماندهان جنگ صورت گرفت؟» «ضرورت انتصاب هاشمی رفسنجانی از سوی امام خمینی در دو مقطع حساس از جنگ با دو حکم متفاوت، یکی به عنوان ادامه‌دهنده عملیات‌های والفجر در بهمن ۱۳۶۲ و دیگر جانشینی فرمانده کل قوا در خرداد ۱۳۶۷ بر چه اساسی بود؟» «نقش هاشمی رفسنجانی در تداوم جنگ و سرانجام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چگونه بود؟»

اهمیت و ضرورت

تحلیل و بررسی وجوه و زوایای مختلف جنگ از جمله منصب فرماندهی می‌تواند ضمن شفاف‌سازی ابهامات حوزه تاریخنگاری جنگ، تجربه و الگوی مناسبی برای مدیریت راهبردی و فرماندهی هنگام وقوع بحرانهای سیاسی و نظامی باشد.

سؤالات تحقیق

دلایل انتصاب هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ از سوی امام خمینی در دو مقطع حساس از جنگ چه بود؟

پیشینه تحقیق

پژوهش علمی و مستندی درباره دوره فرماندهی و مدیریت جنگ بویژه در زمینه فرماندهی هاشمی رفسنجانی در جنگ انجام نشده؛ اما پژوهشهای مرتبط با این موضوع و مسئله اصلی این پژوهش عبارت است از: کتاب «جنگ به روایت فرمانده»^۱ تألیف محسن رضایی که شامل مجموعه درس‌گفتارهای ایشان در دوره‌های آموزشی در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ است که در قالب ده فصل تنظیم شده و آخرین فصل آن شامل مقاله "توسعه تجربی در جنگ" دکتر محسن رضایی است. در پیشگفتار کتاب آمده است که تاریخ دفاع مقدس را می‌توان به روشهای گوناگونی همچون روش "فرمانده محور"، "رویکرد محور" و "موضوع محور"، بررسی کرد که این کتاب ترکیبی از این روشها است. هم‌چنین مقدمه کتاب به قلم غلامعلی رشید است که بخشی از آن در توصیف قدرت فرماندهی محسن رضایی در دوره جنگ است. مجموعه آثار محمد درودیان همچون سیری در جنگ ایران و عراق^۲، زمینه‌های تداوم جنگ و نیز کتاب تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق پیش

۱. رضایی، محسن (۱۳۹۰). جنگ به روایت فرمانده. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.

۲. درودیان، محمد (۱۳۹۱). سیری در جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

درآمدی بر یک نظریه^۱ از جمله تحقیقات ارزشمند در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ است که به علت دسترسی وی به اسناد، حاوی نکات ارزشمندی است. کتاب «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق^۲» تألیف حسین اردستانی که به بررسی تحولات سیاسی نظامی ایران از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷ پرداخته است. تأکید اردستانی در این کتاب به عنوان فردی نظامی بیشتر بر بعد نظامی جنگ و پیامدهای آن است. کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق^۳» تألیف حسین علایی از فرماندهان سپاه در دوران جنگ است. راهبردهای نظامی دو کشور در طول جنگ، رفتارهای سیاسی و نظامی حامیان عراق و مواضع برخی از کشورها و عملکرد سیاست خارجی از جمله مواردی است که در این کتاب آمده است. کتاب جنگ ایران - عراق: اولین جنگ خلیج (۱۹۸۸-۱۹۸۰) اثر پیر رزو^۴ که بر پایه آرشیوهای نظامی و مصاحبه‌های شفاهی با فرماندهان صدام نوشته است. وی درباره این معمای تاریخی پاسخ می‌دهد که چرا صدام این جنگ پرهزینه و درنهایت بی‌نتیجه را آغاز کرد.

فرضیه پژوهش

ایجاد وحدت بین ارتش و سپاه، حل مسئله جنگ از طریق گفتگوی سیاسی و در نهایت حفظ نظام از جمله دلایل انتصاب هاشمی‌رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ است.

روش تحقیق

روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی، و شیوه گردآوری داده‌ها براساس منابع اسنادی، کتابخانه‌ای و مصاحبه است.

قلمرو تحقیق

این پژوهش مقطع زمانی سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۷، و بین دو قلمرو سرزمینی ایران و عراق با موضوعیت فرماندهی در جنگ تحمیلی را پوشش خواهد داد.

۱. درودیان، محمد (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ درآمدی بر یک نظریه. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع‌مقدس.

۲. اردستانی، حسین (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع‌مقدس.

۳. علایی، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق. تهران: انتشارات مرز و بوم.

۴. پیر رزو، نیکولاس الیوت (۲۰۱۵). The Iran-Iraq War (جنگ ایران - عراق). انتشارات دانشگاه هاروارد.

مفهوم شناسی

۱. جنگ تحمیلی

بی تردید جنگ پدیده اجتماعی شگفت‌انگیزی است که درباره آن همانند دیگر مفاهیم، تعاریف مختلفی بیان شده و هر یک بیانگر نگرش خاصی نسبت به جنگ است؛ به‌عنوان مثال، کلاوزوتیس معتقد است جنگ به‌کارگیری حد‌اعلای خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است (بوتول، ۱۳۷۴: ۲۱). البته همه جنگها در راه خدمت به دولت و کشور صورت نمی‌گیرد. کوئینی می‌نویسد: «جنگ هنر سازمان دادن و به‌کارگرفتن نیروهای مسلح برای اجرای مقصود است» (نخجوان، ۱۳۱۷: ۳۵۱). تارد نیز در تعریف جنگ می‌گوید: «جنگ روشی مصیبت‌بار و غیرابدی جدل اجتماعی است. جنگ محصول دو قیاس جمعی است که باهم در کشمکش هستند، اراده‌های دو ملت است که سرانجام هر دو ارتش علیه یکدیگر می‌جنگند» (بوتول، ۱۳۷۴: ۲۴). هم‌چنین جنگ براساس معیارهای مختلف به چند قسم تقسیم می‌شود؛ به‌عنوان مثال براساس هدف به جنگهای عادلانه و غیرعادلانه؛ بر مبنای مقیاسهای جغرافیایی به محلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی (عمومی)؛ با توجه به انضباط و تاکتیک به جنگهای منظم (کلاسیک) و نامنظم (چریکی)؛ براساس سطح جغرافیایی به جنگهای دریایی، هوایی و زمینی و براساس قلمرو به جنگهای داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. این تقسیم یکی از جامعترین تقسیماتی است که برای جنگ بیان کرده‌اند (جفری ام الیوت و رابرت رجینالد، ۱۳۷۸: ۴۲۱).

۲. فرماندهی

اصطلاح فرماندهی، حداقل چهار کاربرد نظامی در زبان انگلیسی دارد و بر اقتدار فرد، دستوری که صادر می‌شود، سازمان یا منطقه‌ای که تحت تسلط قرار می‌گیرد و در آخر تسلیحات برای موضع برتر دلالت دارد. در تعریفی که ستاد مشترک ارتش امریکا (پنتاگون) از فرماندهی ارائه می‌کند، این‌طور آمده است: قدرتی که هر فرمانده ارشد در نیروهای نظامی به‌موجب درجه یا منصب به‌طور قانونی بر زیردستان خود اعمال می‌کند. هم‌چنین از نظر ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی اختیاری است که توسط آن شخص فرمانده بر زیردستان اعمال نظر می‌کند (اردستانی، ۱۳۷۶: ۴۵). در نگاهی کلی با توجه به موضوع پژوهش، که درباره دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی در جنگ است، تعریف فرماندهی، رهبری خوب، هنگام ضرورت و نیز مدیریت خوب هنگام نیاز است.

۳. تصمیم‌گیری راهبردی

عالیترین سطح تصمیم‌گیری، که طی فرایندی خاص و با در نظر گرفتن زمینه‌های محیطی و ظرفیتهای و توانها برای انتخاب بهترین راه‌حل مسئله‌ای راهبردی یا بهره‌جستن از فرصت و با تکیه بر

قدرت عقلانی شهودی مبتنی بر فرهنگ و ارزشها به منظور دستیابی به اهدافی مشخص توسط تصمیم‌گیرنده اتخاذ می‌شود.

۴. تصمیمات راهبردی^۱:

تصمیماتی جامع، بلندمدت و مبتنی بر آینده که در سطح عالی سازمان و یا توسط مقامات حکومتها در وضعیت جنگ و صلح گرفته می‌شود.

۵. تحرکات مرزی عراق قبل از شروع جنگ

عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اقدامات بسیاری را به منظور کسب آمادگی و ایجاد زمینه‌های لازم برای مبادرت به جنگی گسترده و تمام‌عیار، علیه کشورمان انجام داد. مهمترین بیشترین اقدامات در این چارچوب، "تجاوزات و تحرکات مرزی" بود. تجاوزات و تحرکات مرزی عراق علیه ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب عملیاتهای منظم و نامنظم صورت می‌پذیرفت. نوع و شدت آنان بسته به موقعیت منطقه و اهداف نظامی آینده در راستای حمله سراسری انجام می‌گرفت؛ از جمله اقدامات، حمله به پاسگاه‌های مرزی، شناسایی زمینی و هوایی در عمق شهرهای مرزی ایران، اجرای آتش توپخانه، توزیع و تسلیح عوامل ضدانقلاب، آموزش و سازماندهی ضدانقلاب، مین‌گذاری در جاده‌ها، بمب‌گذاری در گذرگاه‌های عمومی و مراکز اقتصادی، کمین و حمله به ستونهای نظامی و مراکز حساس، مانورهای نظامی گسترده در مرز، تقویت پاسگاه‌های مرزی توسط یگانهای زرهی و مکانیزه، انتقال عمده یگانهای ارتش عراق در نوار مرز، احداث مراکز نظامی و جاده‌های در مرز و ... را می‌توان نام برد. تحرکات عراق از ابتدای سال ۱۳۵۸ شروع شد و امام خمینی در اعتراض به اقدامات مرزی عراق در ۱۳۵۸/۳/۲۴ مرقوم فرمودند: «انتظار نبود و نیست که مأمورین دولت عراق در سرحدات، رفتاری کنند که مخالف حسن همجواری است» (صحیفه امام، ج ۸: ۱۵۰). در ادامه فهرست تحرکات و تجاوزات مرزی عراق علیه ایران برگرفته شده از اسناد و نشریات آن دوره آمده است.

جدول ۱. تحرکات عراق قبل از آغاز تهاجم رسمی به ایران

ردیف	تحرکات مرزی عراق در مرز ایران	تاریخ حمله	منبع
۱	حمله توپخانه‌ای به دهکده مرزی ایران	۱۳۵۸/۱/۱۲	روزنامه کیهان
۲	پرواز شناسایی بر فراز خوزستان	۱۳۵۸/۱/۱۷	کیهان
۳	درگیری در منطقه میله مرزی خرمشهر	۱۳۵۸/۳/۱۸	کیهان
۴	پرواز شناسایی در آسمان اروند	۱۳۵۸/۳/۲۰	کیهان
۵	حمله به پاسگاه مرزی طلایه	۱۳۵۸/۳/۲۷	کیهان

1. Strategic Decisions.

ردیف	تحرکات مرزی عراق در مرز ایران	تاریخ حمله	منبع
۶	حمله هوایی به آسمان حومه شوش	۱۳۵۸/۴/۲۷	کیهان
۷	تجاوز هوایی به مناطق مرزی فکه و بستان	۱۳۵۸/۴/۲۹	کیهان
۸	تجاوز هوایی به آسمان سوسنگرد	۱۳۵۸/۵/۵	کیهان
۹	تجاوز به منطقه کوشک	۱۳۵۸/۵/۲۵	کیهان
۱۰	بمباران شهرهای آبادان و خرمشهر	۱۳۵۸/۷/۴	کیهان
۱۱	حمله به اهالی جزیره مینو	۱۳۵۸/۸/۶	کیهان
۱۲	اشغال کنسولگری ایران در بصره	۱۳۵۸/۸/۱۵	کیهان
۱۳	شلیک آرپی جی ۷ به روستای قصبه آبادان	۱۳۵۸/۸/۱۶	کیهان
۱۴	حمله به پاسگاه تیله کوه مرز قصرشرین	۱۳۵۸/۸/۲۱	سند شماره ۳۴۷۳۳
۱۵	تیراندازی به ناوچه ایرانی در اروندرود	۱۳۵۸/۸/۲۳	کیهان
۱۶	حمله به پاسگاه مرزی مؤمنی خرمشهر	۱۳۵۸/۹/۱۳	سند شماره ۰۳۳۷۴۶
۱۷	تجاوز به دشت آزادگان	۱۳۵۸/۹/۲۱	کیهان
۱۸	تجاوز هوایی به شوش، بستان و فکه	۱۳۵۸/۹/۲۲	کیهان
۱۹	تجاوز هوایی به سوسنگرد و فکه	۱۳۵۸/۱۰/۱۰	کیهان
۲۰	حمله به جزیره مینو	۱۳۵۸/۱۱/۹	کیهان
۲۱	تجاوز به حریم هوایی خرمشهر	۱۳۵۸/۱۲/۱	
۲۲	حمله به پاسگاه مرزی سومار	۱۳۵۸/۱۲/۱۱	سند شمار ۴۹۰۲۰
۲۳	حمله به پاسگاه‌های مرزی کرمانشاه	۱۳۵۸/۱۲/۱۳	سند شماره ۰۱۴۶
۲۴	حمله به پاسگاه طلاویه	۱۳۵۸/۱۲/۳۰	کیهان
۲۵	توقیف یک قایق گشتی ایران در جزیره مینو	۱۳۵۹/۱/۶	کیهان
۲۶	درگیری در هور العظیم	۱۳۵۹/۱/۱۰	کیهان
۲۷	حمله به پاسگاه‌های مرزی سعیدیه و جزابه	۱۳۵۹/۱/۲۴	جمهوری اسلامی
۲۸	نخستین حمله ارتش عراق به تأسیسات نفتی ایران، در دهلران	۱۳۵۹/۲/۵	کیهان
۲۹	حمله به منطقه بستان	۱۳۵۹/۲/۸	جمهوری اسلامی
۳۰	حمله به جنوب آبادان	۱۳۵۹/۲/۱۱	کیهان
۳۱	حمله به پاسگاه ژاندارمری بستان	۱۳۵۹/۲/۲۰	کیهان
۳۲	حمله به جزیره مینو	۱۳۵۹/۲/۲۸	کیهان
۳۳	حمله به پاسگاه خسروآباد و حیدرآباد	۱۳۵۹/۳/۱	کیهان
۳۴	حمله به پاسگاه مرزی مهران	۱۳۵۹/۳/۱۸	سند شماره ۳۴۰۸۰
۳۵	بمباران نقاطی از قصرشیرین	۱۳۵۹/۳/۱۹	سند شماره ۴۰۱۹۶
۳۶	حمله به شهر پاوه	۱۳۵۹/۳/۲۳	سند شماره ۴۰۲۹۶
۳۷	تجاوز به پاسگاه‌های مرزی کرمانشاه	۱۳۵۹/۴/۹	سند شماره ۳۴۱۶۱
۳۸	تجاوز به منطقه پرویز شهر قصرشیرین	۱۳۵۹/۴/۱۸	سند شماره ۴۰۶۵۷
۳۹	حمله به پاسگاه مؤمنی	۱۳۵۹/۴/۲۴	کیهان
۴۰	حمله به پاسگاه طلاویه و منطقه هورگان	۱۳۵۹/۵/۱	سند شماره ۰۵۶۳۵۱
۴۱	حمله به پاسگاه سوبله از توابع سوسنگرد	۱۳۵۹/۵/۶	کیهان

ردیف	تحرکات مرزی عراق در مرز ایران	تاریخ حمله	منبع
۴۲	تجاوز به منطقه خسروآباد	۱۳۵۹/۵/۱۳	کیهان
۴۳	حمله به پاسگاه تنگاب قصرشیرین	۱۳۵۹/۵/۱۹	سند شماره ۲۸۳۰۸۸
۴۴	تجاوز به آسمان آبادان و خرمشهر	۱۳۵۹/۵/۲۶	کیهان
۴۵	درگیری در منطقه پاسگاه دریایی خرما	۱۳۵۹/۶/۱	کیهان
۴۶	حمله به پاسگاه‌های مرزی مه‌ران، دهلران و نفت‌شهر	۱۳۵۹/۶/۱۴	کیهان
۴۷	تصرف ارتفاعات میمک، خان لیلی، زین‌الکث	۱۳۵۹/۶/۱۶	کیهان
۴۸	بمباران قصرشیرین	۱۳۵۹/۶/۱۷	کیهان
۴۹	حمله تانک‌های عراقی از کوه‌های آق داغ	۱۳۵۹/۶/۲۰	کیهان
۵۰	حمله به مناطق مرزی جنوب و غرب و تصرف میمک	۱۳۵۹/۶/۲۱	کیهان
۵۱	بمباران خان لیلی و چکر در ایلام	۱۳۵۹/۶/۲۲	کیهان
۵۲	حمله به نفت‌شهر و سرپل‌ذهاب	۱۳۵۹/۶/۲۴	سند شماره ۳۴۴۷۶
۵۳	درگیری ناوچه‌های ایرانی و عراقی در اروند و خورموسی	۱۳۵۹/۶/۳۰	کیهان
۵۴	آغاز رسمی تهاجم عراق به ایران	۱۳۵۹/۶/۳۱	

تهاجمات مرزی ارتش عراق را می‌توان نوعی "شناسایی با رزم" تلقی کرد که علاوه بر افزودن بر دامنه ناامنیه می‌توانست تمرینی برای آمادگی ارتش بعثی به منظور حمله به ایران باشد. البته هدف دیگری را نیز می‌توان برای این درگیری‌های مرزی ذکر کرد و آن تلاش دولت عراق برای وادار کردن ایران به جنگ بود.

غافلگیری ایران از شروع جنگ تحمیلی

رفتار نظامی ایران قبل از شروع جنگ نشان می‌دهد که ایران نه تنها آمادگی لازم را برای جنگی گسترده نداشته است بلکه احتمال وقوع جنگ از سوی عراق را نیز جدی نگرفته است. به نظر می‌رسد پس از قطع رابطه آمریکا با ایران در اوایل سال ۱۳۵۹ امام خمینی احتمال حمله عراق به ایران را داده است ولی از کم و کیف آن، آگاه نبودند. ایشان در سخنرانی خود در ۱۳۵۹/۱/۲۸ می‌فرمایند:

«این لشکری که الآن سرنیزه را کشیده‌اند و توپ و تانکها را کشیده‌اند و با مردم مخالفت می‌کنند یا آمده‌اند با ایران که یک مملکت اسلامی است، جنگ می‌خواهند بکنند یا هجوم می‌خواهند بکنند، این جنگ با اسلام است؛ جنگ با قرآن است؛ جنگ با رسول‌الله است. ارتش عراق حاضر است که با رسول‌الله جنگ کند؟ با قرآن جنگ بکند؟ ایران الآن مملکت رسول‌الله است. ایران الآن نهضت اسلامی است. مملکت اسلامی است و قانون اسلامی است. حکومت اسلامی است ... چرا عشایر عرب نشسته‌اند و نگاه می‌کنند و اینها به برادرانشان تعدی می‌کنند و فوج فوج جوانها را اینها می‌کشند در سیاه‌چالها؟ ... نمی‌دانند که اگر اینها بخواهند تعدی به ایران بکنند، ایران خردشان می‌کند و تا بغداد می‌رود ... صاحب منصب‌های خوب ما داریم در عراق، صاحب

منصب‌های صحیح و متدین هستند. خود آنها کودتا کنند و این را از بین ببرند و حرام است بر آنها که یک قدم دنبال این شخص لعین باشند و باید قیام کنند بر ضد او و مملکت خودشان را اسلامی کنند» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۲: ۲۴۶).

به هر حال در آن مقطع زمانی با توجه به وضعیت و فضای کشور، کسی از مقامات و مسئولان، بروز جنگی گسترده را پیش‌بینی نمی‌کرد و تصور بر این بود که حداکثر برخی درگیریهایی مرزی از سوی عراق به وجود خواهد آمد؛ برای مثال هاشمی رفسنجانی در مورد آغاز جنگ در خاطراتش چنین می‌گوید:

«خبر دادند که فرودگاه مهرآباد تهران بمباران شده، فوراً جمعی از نمایندگان را به آنجا فرستادیم. البته برخلاف انتظار ما بود که عراق به تهران حمله کند. این اتفاق را خیلی بعید می‌دانستیم» (بشیری، ۱۳۸۴: ۲۲۰). به‌رغم اینکه گزارشهایی از تحرکات نظامی عراق در اطراف مرزهای کشور به سمع مسئولان می‌رسید در تحلیل نهایی، این اقدامات به قصد حمله نظامی به ایران تعبیر و تفسیر نمی‌شد. بسیاری از مقامات بلندپایه کشور بر این عقیده بودند که عراق جرأت حمله به ایران را ندارد. زهدی در این باره چنین می‌نویسد: «حدود دو هفته قبل از آغاز جنگ، شورای عالی دفاع با حضور فرمانده کل قوا، که در آن هنگام رئیس‌جمهور وقت عهده‌دار این سمت بود در ستاد لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه تشکیل گردید. در این جلسه علاوه بر رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، فرمانده سپاه، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش، فرمانده نیروی زمینی ارتش و فرمانده سپاه غرب کشور حضور داشتند. در این جلسه شهید محمد بروجردی اعلام کرد که عراق قصد حمله به ایران را دارد. گزارشها حاکی بود که در اطراف مناطق مرزی قصرشیرین، یک لشکر زرهی مکانیزه ارتش عراق در پشت مرز به سمت ایران آرایش جنگی گرفته است. تحلیل رئیس‌جمهور در آن جلسه در مورد این گزارشها، این بود که برای آغاز جنگ باید موازنه قوا بین شوروی و آمریکا در دوران جنگ سرد به هم بخورد و تا این موازنه قوا به هم نریزد، جنگی آغاز نمی‌شود. اگرچه ما در سطح تاکتیکی غافلگیر نشدیم چون تحرکات عراق را می‌دیدیم و اطلاعات داشتیم برآورد راهبردی نداشتیم و این جمع‌بندی را نداشتیم که آیا این تحرکات به جنگ منجر می‌شود یا نه و اگر جنگ شود تا چه حد دامنه دارد. بنابراین این مسائل در شورای عالی دفاع جمع‌بندی نشد و ما در سطح راهبردی غافلگیر شدیم» (زهدی، مصاحبه، ۱۳۹۶/۶/۲۶).

دوران فرماندهی ابوالحسن بنی‌صدر

در اولین مقطع از پیروزی انقلاب، حضرت امام فرمانده کل قوا بودند و نیروهای مسلح اعم از ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه تازه تشکیل، تحت امر ایشان بود. مقطع بعد از زمانی شروع می‌شود که بنی‌صدر در انتخابات ۵ بهمن ۱۳۵۸ رئیس‌جمهور ایران می‌شود و امام اختیارات

فرماندهی کل قوا را به او واگذار می‌کند. درباره چرایی واگذاری اختیار فرماندهی کل قوا به بنی‌صدر از سوی حضرت امام چه تحلیلی می‌توان ارائه کرد؟ شاید دلیلش این باشد که امام برای اداره کشور اختیاراتی به مسئولان می‌دادند تا مشکلی برای کارشان نباشد و آنان بتوانند کار کنند. هرچند در تاریخ ۵۸/۱۲/۱، بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور، درخواست اختیارات می‌کند و حضرت امام هم اختیاری به وی واگذار، و او را طی حکمی به فرماندهی کل قوا منصوب می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای بنی‌صدر، رئیس‌جمهور ایران

در این مرحله حساس، که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر مرحله است، جناب‌عالی به نمایندگی اینجانب به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است منصوب می‌شوید. امید است با شایستگی که جناب‌عالی دارید، امور کشوری و لشکری و قوای مسلح به نحو شایسته و با موازین اسلامی جریان پیدا کند. از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به ملت اسلامی خواستارم (صحیفه، ج ۱۲: ۱۵۷).

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

احمد غلامپور از فرماندهان دفاع‌مقدس درباره حکم فرماندهی بنی‌صدر چنین توضیح می‌دهد: «فضای سیاسی کشور در آن مقطع، ایجاب می‌کرد که این واگذاری اختیار انجام بشود تا امام در جبهه مقابل بنی‌صدر قرار نگیرد. نظر امام نیز این بود که اگر به فرد مسئول، اختیار داده شود و بهانه‌ای نداشته باشد بهتر است؛ لذا امام دوراندیشی کردند تا بنی‌صدر دیگر بهانه‌ای نداشته باشد» (غلامپور، مصاحبه، ۹۶/۱۲/۲۴). نصرت‌الله معین وزیری از فرماندهان ارتش در دوره جنگ نظر دیگری دارد و معتقد است: «این نکاتی که در مورد بنی‌صدر گفته می‌شود در مورد بازرگان هم گفته می‌شد و اینکه امام می‌خواست به آنها میدان بدهد تا خلاف آن ثابت شود و مردم آنها را بهتر بشناسند به نظر من این نوع عمل، کسر شأن امام است؛ زیرا امام شخصی نبود که بخواهد مماشات کند. ایشان قاطع بودند و از کسی هم واهمه نداشتند. به نظر من به این صورت به کسی میدان داده شود تا مردم او را بشناسند درست نیست و امام از این نوع اعمال مبرا هستند» (معین وزیری، مصاحبه، ۹۶/۱۲/۲۴).

چنین به نظر می‌رسد که انتخاب بنی‌صدر به عنوان فرمانده کل قوا از سوی حضرت امام نوعی تدبیر بوده و امام نمی‌خواست است از این راه بنی‌صدر را به مردم بشناساند. از طرفی بنی‌صدر شخصی است که قبل از دریافت این حکم، توانسته بود با یازده میلیون رأی رئیس‌جمهور ایران شود، بنابراین اگر امام می‌دانست که ایشان به جایی وابسته است که از اول اجازه نمی‌داد وارد صحنه بشود. از طرفی بنی‌صدر می‌خواست در جنگ موفق باشد تا به قهرمانی ملی تبدیل بشود. در

این باره یعقوب زهدی از فرماندهان دفاع مقدس معتقد است: «رویکرد امام، رویکرد هدایت بود نه اینکه بخواهد کسی را به زمین بزند» (زهدی، مصاحبه، ۹۶/۱۲/۲۴). البته ضعفهای مدیریتی و آسیبهایی که در جنگ توسط بنی صدر به کشور و ارتش وارد شد، قابل دفاع نیست؛ ضمن اینکه ما باید توجه کنیم که افرادی که در اوایل انقلاب انتخاب می شدند به این دلیل است که چاره‌ای جز آن نبود؛ برای مثال بعد از تسخیر سفارت امریکا و استعفای بازرگانان از سمت نخست‌وزیری، امام خمینی طی یک سخنرانی از انتخاب بازرگان به عنوان اشتباه خود یاد می کند و متذکر می شوند که می باید از جوانان انقلابی استفاده بیشتری می کرده است که البته این گفته رهبر انقلاب از سوی بازرگان چنین پاسخ داده می شود که نه ایشان اشتباه کرده و نه شخص خودش؛ چرا که در آن موقعیت بحرانی، کسی جز بازرگان را سراغ نداشته است. از طرفی خود او نیز اشتباه نکرده است؛ زیرا اگر در آن موقعیت این مسئولیت را نمی پذیرفت و انقلاب شکست می خورد، این سرزنش دائمی برای روشنفکران باقی می ماند که چرا بازرگان در آن وضعیت حساس از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده است (توسلی، مصاحبه، ۱۳۹۰/۶/۲۹). در دوره فرماندهی بنی صدر دو تصور برای جنگ وجود داشت: یکی تفکر بنی صدر و گروه همراهان او بود که می گفتند ما باید با عقب نشینی در جبهه‌ها، زمین به دشمن بدهیم تا بتوانیم زمان بگیریم. تصور آنها این بود که می توان از طریق عقب نشینی، سپاه دشمن را به داخل کشانید و سپس با شکستن سد دز و رها کردن آب، دشمن را با شکست روبه‌رو ساخت. در مقابل، افرادی همچون آقای خامنه‌ای و مصطفی چمران از اعضای شورای عالی دفاع ضمن مخالفت با دیدگاه بنی صدر، معتقد بودند باید عملیات رو در رو انجام داد؛ اما سلاح و تجهیزات کافی در اختیار نداشتند (قربانی، مصاحبه، ۹۲/۱۰/۲۳).

با توجه به اینکه بنی صدر می خواست با استفاده از مسائل مرتبط با جنگ، رقیبان خود را از میدان بیرون کند و از قبل جنگ، قهرمانی ملی بشود تا طرفهای خود را به زمین بزند به عنوان فرمانده کل قوا، اجازه به کارگیری تمام توان ملی را نمی داد و موافق حضور سپاه و پاسدارها در جنگ نبود. زهدی در این باره چنین توضیح می دهد: «بنی صدر به دلیل اعتقادی که داشت خیلی با حضور سپاه در جنگ موافق نبود و از ارتش خواسته بود که تجهیزات به نیروهای سپاهی ندهند؛ اما با وجود این، حدود ۲۵ عملیات کوچک و در مقیاس پایین با همکاری سپاه و ارتش در دوره بنی صدر انجام شد (زهدی، مصاحبه، ۱۳۹۶/۸/۲۵). به طور کلی ویژگیهای دوره فرماندهی بنی صدر بدین ترتیب بود:

۱. نداشتن ستاد: بنی صدر هیچ گونه ستادی در جنگ نداشت و تنها تعدادی افراد او را در جنگ همراهی می کردند.
۲. نداشتن اطلاعات نظامی: طرح شکستن سد دز که با مخالفت ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی روبه‌رو شد در واقع ناشی از کمبود اطلاعات نظامی بنی صدر بود.

۳. عدم اختیار: با اینکه بنی‌صدر فرمانده کل قوا بود، چندان اختیاراتی نداشت.

۴. عدم اعتقاد به تحرک در جبهه‌ها (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

چنانچه این ویژگیها درباره‌ی دوره فرماندهی بنی‌صدر صحیح باشد، شاید این‌گونه نتیجه‌گیری شود که بنی‌صدر چون حالت خنثی در جنگ داشت، هیچ گناه و اتهامی متوجه او نیست در صورتی که این‌گونه نمی‌تواند باشد؛ چرا که وی مخالف ورود سپاه و نیروهای مردمی به جنگ است و این نکته مهمی برای بررسی نقش بنی‌صدر در جنگ است. هم‌چنین حدود ۲۱ عملیات، ۱۴ عملیات در جنوب و ۷ عملیات در غرب با همکاری سپاه و ارتش در دوره بنی‌صدر انجام شد که جز یک عملیات در غرب و ۴ عملیات در جنوب، بقیه با پیروزی همراه بود (معین وزیری، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

دوران فرماندهی ولی‌الله فلاحی

به دنبال تشدید اختلافات ابوالحسن بنی‌صدر با دولت رجایی و بیشتر نمایندگان مجلس، که از حزب جمهوری اسلامی بودند، امام طی حکمی یک کمیته سه نفره متشکل از آقایان محمدرضا مهدوی‌کنی، شهاب‌الدین اشراقی و محمد یزدی را به‌منظور کاهش تنش میان طرفین منازعه معرفی می‌کند و از آنها می‌خواهند تا با بیطرفی کامل پس از طی کردن مراحل قانونی با طرفین عمل کنند (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۴۸). البته گفته می‌شود پیشنهاد کمیته حل اختلاف یا شورای حکمیت از سوی مهندس بازرگان بوده است (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۳۲)؛ اما مسئله دیگر، که اختلافات را دامن زد، پیشنهاد بنی‌صدر مبنی بر برگزاری رفراندوم بود که بنا به گفته هاشمی‌رفسنجانی این پیشنهاد او می‌توانست باعث سرنگونیش شود. «مخصوصاً در مورد طرح رفراندوم و مصدق بازی بنی‌صدر، اگر بر فرض محال چنین پیش بیاید بی‌شک ریاست جمهوری را هم از دست خواهد داد. آقای بنی‌صدر سخت در اشتباه است» (بشیری، ۱۳۹۳: ۱۱۲). به گفته هاشمی‌رفسنجانی، او بسادگی تمام، گول مؤسسه سنجش افکاری را خورده بود که بانی آن اعضای سازمان مجاهدین بودند (بشیری، ۱۳۹۳: ۱۱۲). مجید انصاری در این باره معتقد است که «بنی‌صدر بسیار جاه‌طلب بود. او مدعی رهبری بود نه ریاست جمهوری» (انصاری، مصاحبه، ۱۳۹۰/۸/۲۳). سرانجام در یازدهم خرداد ۱۳۶۰ از سوی شورای حکمیت بنی‌صدر نیز به عنوان متخلف شناخته شد (بشیری، ۱۳۹۳: ۷۲). با معرفی بنی‌صدر به‌عنوان متخلف از سوی شورای حکمیت، امام در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۰ رئیس‌جمهور را از فرماندهی کل قوا برکنار کرد. متن دستور امام به ستاد مشترک نیروهای مسلح چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آقای ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی

نیروهای مسلح برکنار شدند (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۲).

با برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، حضرت امام طی حکمی در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ ولی‌الله فلاحی را به عنوان جانشین بنی‌صدر منصوب می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار ولی‌الله فلاحی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، ستاد مشترک مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری مأموریتها و وظایف محوله را انجام دهد.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

در حکمی که به فلاحی داده شد، جانشین فرماندهی نیروهای مسلح آمده است. بنابراین وقتی حکم جانشینی فرمانده کل قوا داده می‌شود، می‌تواند در تمام کارها و مسائل جنگ دخالت کند و حتی می‌تواند به سپاه آن هم در امور مربوط به جنگ دستور دهد. در کل، دوره فرماندهی فلاحی کوتاه‌مدت بود، اما او در این مدت کوتاه توانست، نیروهای ارتش را جمع و جور و با سپاه هماهنگ کند و مهمتر اینکه عملیات موفق ثامن‌الائمه (ع) را تدارک ببیند. بختیاری در مورد ویژگیهای شخصیتی و فرماندهی فلاحی چنین توضیح می‌دهد: «من و شهید فلاحی در دوره جنگ با هم بودیم. در آن مقطع فلاحی مدیر آموزش دانشکده فرماندهی و ستاد بود و من استاد بودم. در کشور ویتنام هم ایشان رئیس منطقه و من افسر عملیات منطقه بودم. هیچ‌کس مثل فلاحی نیست که در زمان شهادت سرتیپ باشد؛ رئیس ستاد ارتش و جانشین فرماندهی کل قوا باشد. هیچ‌کس جایگاه ایشان را نداشت. فلاحی یک هفته بعد از انقلاب فرمانده نذاجا شد و شروع به ساماندهی نیروی زمینی و برقراری نظم و انضباط کرد؛ ۲۰ ماه با احسان طبری، فرخ نگهدار، مسعود رجوی، ... درگیر بود؛ سه بار مجروح و مصدوم شد؛ در زمان جنگ شهید شد. چه کسی گفته که رئیس ستاد ارتش به خط مقدم برود و پشت موتورسوار شود. ایشان این کار را کرد. ایشان معتقد به جنگ مردمی بود و حتی به رئیس‌جمهور نامه نوشت که مردم باید همه در جنگ حضور داشته باشند. در زمان ایشان طرح ابودر، طرح البرز نیروی هوایی و طرح ذوالفقار نیروی دریایی تهیه شد. در عملیات ثامن‌الائمه (ع) اعتقاد داشت که باید جنگ در جبهه‌های میانی در اولویت باشد نه در جنوب که اگر بستان را بگیریم برای همه مایه سربلندی است نه گرفتن یک تپه. ایشان معتقد به جنگ در جبهه میانی بود ولی ظهیرنژاد معتقد به جبهه شمالی بود و در عملکردشان هم مشخص است (بختیاری، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶).

دوره فرماندهی مشترک صیاد شیرازی و محسن رضایی

پس از شهادت فلاحی، تغییراتی ایجاد شد و به نوعی تقسیم فرماندهی صورت گرفت به‌طوری که

در این دوره محسن رضایی به فرماندهی سپاه و صیاد شیرازی به فرماندهی نذاجا منصوب شدند. از ویژگی‌های مهم این دوره، که از آن به‌عنوان دوران طلایی جنگ یاد می‌شود، ایجاد سازگاری منظم و پذیرش مسئولیت مشترک اداره جنگ در سطح راهبردی است. از دیگر تغییرات این دوره انتصاب ظهیرنژاد به عنوان رئیس ستاد مشترک است. مفید از فرماندهان جنگ تحمیلی مهمترین ویژگی‌های دوران فرماندهی مشترک (صیاد و محسن) را چنین برمی‌شمارد:

۱. ایجاد همخوانی و همدلی بین سپاه و ارتش
۲. تشکیل قرارگاه مشترک کربلا (شامل عناصر سپاه و ارتش)
۳. حضور دو فرمانده در خط به شکل تاکتیکی
۴. اتخاذ راهبرد بیرون‌راندن دشمن
۵. حضور مستمر بچه‌های نیروی هوایی در قرارگاه
۶. قرارگاه کربلا در حکم مشاورت فرماندهی کل قوا
۷. خطدهی قرارگاه کربلا در سطح راهبردی
۸. نبودن حب و بغض و تکروری کردن
۹. طرح ریزی مشترک
۱۰. همفکری و همبستگی در سطح راهبردی (مفید، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶).

یکی از اقدامات و کارهای مهمی که در قرارگاه کربلا در دوره فرماندهی مشترک صیاد و رضایی انجام شد، تصمیم‌سازی برای جنگ بود و این تصمیم‌سازی در نهایت راه تصمیم‌گیرنده اصلی جنگ را، که شخص امام بود، هموار کرد (پیری، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶). البته باید توجه کرد اگرچه سکان هدایت جنگ به دست امام است و حضرت امام در سطح راهبردی تصمیم‌گیرنده هستند در صحنه نبرد و اجرای عملیات، این صیاد شیرازی و محسن رضایی هستند که تصمیم می‌گیرند. درباره راهبرد ایران در دوره فرماندهی مشترک صیاد و محسن رضایی می‌توان گفت که بعد از فتح خرمشهر با هدف تنبیه متجاوز، ایران راهبرد تهاجمی را پیش گرفت؛ اما در این مرحله ناموفق بود. گفته می‌شود علل ناکامی نیروهای نظامی ایران در مرحله دوم راهبرد تهاجمی این بود که هماهنگی، وحدت و همدلی بین بدنه سپاه و ارتش قوی احساس نشد و این امر توسط رده‌های بالا و میانی ارتش و سپاه باید قوی می‌شد (مفید، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶)؛ بدین ترتیب دوران همکاری مشترک این دو فرمانده، که از تاریخ ۱۳۶۰/۷/۷، آغاز شده بود در عملیات خیبر به پایان رسید. دلایل اختلاف بین سپاه و ارتش در این دوره از جنگ را می‌توان در دو سطح فرماندهی و تخصص نیروها مشخص کرد. در سطح فرماندهی، ارتش وحدت فرماندهی را مطرح می‌کرد؛ اما فرماندهان سپاه حاضر به همکاری مشترک نبودند؛ چون معتقد بودند کارکردن با دو فرمانده امکان‌پذیر نیست. اختلاف بعدی درباره تخصص نیروها بین ارتش و سپاه بدین شکل بود که هر یک دارای چهارچوب

فکری خاص خود برای عملیاتها بودند؛ به‌عنوان مثال سپاه بر نیروی پیاده، غافلگیری و جنگ در شب تأکید می‌کرد اما ارتش به نیروی توپخانه، جنگ در روز و نیروی زرهی تأکید می‌کرد. به همین دلایل بعد از عملیاتهای خیبر و بدر، سپاه و ارتش براساس مصوبات شورای عالی دفاع، عملیاتها را جداگانه طرحریزی و اجرا می‌کردند (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). از دیگر اختلافات بین سپاه و ارتش این بود که سپاه نیروی انسانی محور بود اما ارتش بر داشتن تجهیزات تأکید می‌کرد و بر این اعتقاد بود که چنانچه زیر ۴۰ درصد استعداد و توان جنگیدن نباشد، عملیات نباید انجام گیرد. در واقع ارتش سبک و سیاق کلاسیک برای جنگیدن داشت؛ اما سپاه با توان زیر ۴۰ درصد هم عملیات انجام می‌داد (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

آغاز دوره فرماندهی هاشمی رفسنجانی

دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی در دو مقطع از جنگ قابل بررسی است: در مقطع اول، ایشان برای ادامه فرماندهی عملیاتهای والفجر در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۶۲ منصوب، و در مقطع دوم با حکم امام در سال ۱۳۶۷ به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا منصوب شدند. قبل از پرداختن به دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی، این پرسش مطرح است که از زمان عزل بنی‌صدر تا ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ (فرماندهی هاشمی رفسنجانی)، چه کسی عهده‌دار مسئولیت کلی جنگ است. زهدی در پاسخ به این پرسش چنین توضیح می‌دهد:

«در مقطعی که بنی‌صدر عزل شد، شخص امام مسئولیت را به دست گرفتند و ما در این دوره یک جهش بسیار بزرگ پیدا کردیم. از آن زمان من به اتفاق صیاد شیرازی مستقیم زیر نظر امام کارها را انجام می‌دادیم. بعد از ناکامی در عملیات رمضان به این نتیجه رسیدیم که دیگر کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. بنابراین خدمت امام رفتیم و پیشنهاد کردیم برای پیش‌بردن جنگ، آقای خامنه‌ای تمشیت سپاه و ارتش را در شورای عالی دفاع به‌دست گیرند (زهدی، مصاحبه، ۱۳۹۶/۸/۵). به نظر می‌آید شورای عالی دفاع به ریاست آقای خامنه‌ای در این مقطع از جنگ نقش بسیار مهمی دارند. پس از عزل بنی‌صدر، جلسات شورای عالی دفاع بیشتر توسط آقای خامنه‌ای اداره می‌شد. نکته مهم در این دوره تشکیل **مجمع عقلا**^۱ توسط حسن روحانی است که در زمان

۱. مجمع عقلا نام گروهی از نمایندگان مردم در مجلس دوم شورای اسلامی بود که با ابتکار اشخاصی چون حسن روحانی، مهدی کروبی، محمدی کرمانی، بیات زنجان‌ی در جهت بررسی و چگونگی پایان جنگ تحمیلی تلاش می‌کردند. آن طور که محسن رضایی فرمانده سابق سپاه گفته است، این مجمع سعی می‌کرد تا با بررسی اوضاع کشور و جبهه‌های جنگ نشان دهد که ادامه جنگ به صلاح کشور نیست و باید اقدامات سیاسی در جهت پایان آن شروع شود. البته این مجمع با نظر امام خمینی (ره) تعطیل شد.

تصدی آقای خامنه‌ای بر شورای عالی دفاع ایجاد شد. به گفته مفید تصمیمات مجمع عقلا، باعث شکایت محسن رضایی به امام شد و بعدها امام دستور تعطیلی این مجمع را دادند (مفید، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶).

مقطع اول: فرمانده ادامه دهنده والفجرها

حضرت امام طی حکمی در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۲، هاشمی‌رفسنجانی را به فرماندهی ادامه والفجرها منصوب کردند. این حکم زمانی صادر شد که عملیات‌های والفجر مقدماتی، ۱، ۲، ۳ و ۴ انجام شده بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی‌رفسنجانی آیده الله تعالی

جناب‌عالی را به سمت فرماندهی دنباله عملیات والفجر نصب کردم. توفیق و پیروزی قوای اسلام را بر کفر از خداوند تعالی خواستارم (صحیفه امام، ج ۱۸: ۳۵۵).

روح‌الله الموسوی‌الخمينی

از آنجا که هاشمی‌رفسنجانی شخصیتی روحانی و سیاسی بودند، این سؤال مطرح است که انتصاب ایشان به‌عنوان فرمانده ادامه‌دهنده والفجرها طی چه ضرورتی انجام گرفت. آیا انتخاب هاشمی‌رفسنجانی برای فرماندهی صحنه جنگ به دلیل اختلافات سپاه و ارتش بود یا چون ایشان در بیشتر برهه‌های خاص حاضر بودند، این انتخاب صورت گرفت؟ عبدالحسن مفید در این‌باره چنین توضیح می‌دهد:

«یکی از رسالت‌های هاشمی‌رفسنجانی در این دوره، ایجاد وحدت و حل اختلافات فرماندهان سپاه و ارتش است» (مفید، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶). موضوع مهم دیگری که ضرورت انتخاب هاشمی‌رفسنجانی را به‌عنوان فرمانده جنگ ایجاد کرد، بحث پشتیبانی دولت از جبهه‌ها است که یکی از دغدغه‌های مهم فرماندهان قبلی نیز بود و حضرت امام با آگاه‌شدن از این مشکل و به قصد هماهنگی بیشتر در جبهه‌ها این حکم را صادر کردند. غلامپور درباره انتخاب هاشمی‌رفسنجانی دو دلیل ذکر می‌کند:

۱. حل اختلافات فنی بین سپاه و ارتش

۲. استفاده از توانمندی او برای بسیج امکانات دولتی (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴)

البته در مورد انتخاب هاشمی‌رفسنجانی به‌عنوان فرمانده در سال ۱۳۶۲، یک نکته مهم دیگر نیز هست و آن تغییر در ماهیت جنگ پس از فتح خرمشهر است؛ چرا که صدام‌حسین با تغییر رفتار و عقب‌نشینی از مناطق مرزی، سعی کرد ایران را در بن‌بست سیاسی قرار دهد و جنگ را راکد نگه دارد؛ لذا این توقف به نفع عراق و به ضرر ایران بود؛ چون عراق هنوز بخش‌هایی از خاک

کشور را در تصرف داشت و دوم اینکه عراق فرصت می‌یافت تا به اوضاع داخلی خود رسیدگی، و آثار شکست را جبران کند. از طرفی رکود جنگ باعث تضعیف روحیه رزمندگان ایران شده بود و این وضعیت به لحاظ تبلیغاتی برای ایران خوب نبود. به این دلیل ما نیاز داشتیم تا در سطح راهبردی، یک نفر را که بینش سیاسی دارد به صحنه بیاوریم. بنا به گفته محسن رضایی راهبرد رسمی ایران پس از فتح خرمشهر، اجرای یک عملیات موفقیت‌آمیز دیگر برای پشتوانه گفتگوهای سیاسی بود. البته در ذهن فرماندهان و رزمندگان مطرح بود که در فرصت پیش‌آمد تا بصره و بغداد پیش بروند. هم‌چنین هدف و شرط گفتگوهای سیاسی از سوی امام، تنبیه صدام و گرفتن غرامت تعیین شده بود (رضایی، ۱۳۷۴: ۴۹). با بررسی جنگ به نظر می‌رسد اتخاذ راهبرد تهاجمی با هدف ورود به خاک دشمن و تصرف بصره، تصمیمی است که در نهایت به طولانی‌شدن جنگ منجر شد؛ هر چند با آمدن هاشمی‌رفسنجانی به صحنه جنگ، امیدواری برای پایان جنگ شکل گرفت. غلامپور در این باره چنین می‌گوید:

«با فرمانده‌شدن هاشمی‌رفسنجانی، اگرچه امیدواریها برای حل مشکلات ایجاد شد، امکانات پشتیبانی که باید انجام می‌شد انجام نگرفت و توقع فرماندهان عملی نشد؛ بنابراین نتیجه چندان در کل حاصل نگردید» (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). مهمترین نکته در مورد دوره فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی نسبت به فرماندهان قبلی این است که در دوره فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی رویکرد، بیشتر سیاسی است. مسئله بعدی درباره نظریه پیشنهادی "**جنگ جنگ تا یک پیروزی چشمگیر**" هاشمی‌رفسنجانی در جنگ است. شاید این سؤال مطرح شود در حکمی که به ایشان داده می‌شود، عنوان فرماندهی ادامه والفجرها است و نه حکم جانشینی فرمانده کل قوا. بنابراین چطور ایشان نظریه ارائه می‌کند که خلاف نظر امام درباره ادامه جنگ و نیز فراتر از حکم دریافت‌شده از امام است. در توضیح این سؤال باید بیان کرد در دوره جنگ، دو نگاه در کشور وجود داشت: اول اینکه شعار و نگاه انقلابی امام مبنی بر "**جنگ جنگ تا رفع فتنه در کل عالم**"، هدف نیست، بلکه تدبیر و راهبردی از سوی امام است در حالی که شعار هاشمی‌رفسنجانی هدفگذاری است و نه راهبرد؛ چرا که خود ایشان هم هیچ‌گاه ادعا نکرد که راهبرد دارد (مفید، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶). مطلب دیگر اینکه هاشمی‌رفسنجانی پس از عملیات والفجر ۸، دنبال پایان جنگ بود و به این دلیل راهبرد جنگ جنگ تا یک پیروزی چشمگیر را مطرح کرد و چنانچه می‌توانست به این خواسته جامه عمل بپوشاند که بد نبود.

مقطع دوم: جانشین فرماندهی کل قوا

هاشمی‌رفسنجانی در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۶۷، از سوی امام به عنوان جانشین فرمانده کل قوا منصوب شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی - دامت افاضاته با توجه به درگیری رویاروی امریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته - جناب عالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم و جناب عالی موظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشید:

۱. ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینة وحدت کامل
 ۲. هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس
 ۳. تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدس
 ۴. سعی در استفاده هرچه بهتر از امکانات و نیروها
 ۵. تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها
 ۶. استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده
 ۷. بهره‌برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها
- قوای مقننه و اجراییه و قضاییه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند. از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمیها و حيله‌هاست و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم. خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جناب عالی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله (صحیفه امام، ج ۲۱: ۵۶).

روح الله الموسوی الخمينی

در حکمی که به هاشمی رفسنجانی داده شد، ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینة وحدت کامل خواسته شده است. در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود: نخست اینکه در آن مقطع چه تغییراتی در جنگ ایجاد شد که امام حکمی به هاشمی رفسنجانی دادند که با حکم سال ۱۳۶۲ متفاوت است؟ اگر حکم سال ۱۳۶۲ کافی بود، ضرورت دادن حکم سال ۱۳۶۷ چیست؟ چرا ستادی که در سال ۱۳۶۷ برای اداره جنگ تشکیل شد در سال ۱۳۶۲ تشکیل نشد؟ آیا جایگاه هاشمی رفسنجانی تغییری کرده بود که حکم جدید می‌گرفت؟ سرانجام اینکه منظور امام از ایجاد زمینة برای وحدت چه بود؟ آیا منظور وحدت سازمانی بین سپاه و ارتش بود یا ادغام این دو با یکدیگر؟ برای یافتن پاسخ مناسب لازم است که در مورد دوران مدیریت هاشمی رفسنجانی به چند

نکته توجه کنیم: اولین موضوع، حکم هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۲، است که به حکم شهید فلاحی و بنی صدر هیچ شباهتی ندارد. حکم ایشان در آن مقطع، ادامه عملیات والفجرها است؛ بنابراین حکمی نیست که از آن تلقی حکم فرمانده کل قوا یا جانشینی فرمانده کل قوا بشود و یکی از دلایلی که باعث شد تا هاشمی رفسنجانی به مقوله تشکیل ستاد ورود نکند، این است که حکم صریح برای تشکیل ستاد ندارد و شاید به ایشان گفته‌اند کارش ادامه والفجرها است. البته ایشان در خاطراتش بیان می‌کند که ستاد داشته است و شاید منظورش استفاده از مشاورانی مثل حسن روحانی، سنجقی و ترابی پور بوده است (مفید، مصاحبه، ۱۳۹۴/۳/۳). قویدل در این باره می‌گوید: «آقای هاشمی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷، بدون ستاد، جنگ را طوری هدایت کرد که با شعار امام که می‌فرماید صدام باید برود و یک خط راهبردی است ناهماهنگ است. خط راهبردی با یک نفر پیش نمی‌رود. بنابراین در سال ۱۳۶۷ ما به این نتیجه رسیدیم که به یک ستاد پر قدرت نیاز داریم تا جنگ را اداره نماید (قویدل، مصاحبه، ۹۴/۰۳/۰۳). موضوع دوم درباره حکم فرماندهی هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۷، ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل است. گفته می‌شود محسن رضایی طی نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۲۵، لزوم ادغام مرحله‌ای سپاه و ارتش را مورد تأکید قرار داد و این تفکر مربوط به قبل از صدور حکم هاشمی رفسنجانی است (بختیاری، مصاحبه، ۱۳۹۴/۲/۱۶).

به گفته غلامپور منظور از ایجاد زمینه برای وحدت کامل در حکم دوم این بود که بین سپاه و ارتش وحدت و هماهنگی ایجاد شود. البته این طرح هیچ‌گاه عملی نشد (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). به نظر می‌رسد حکم دوم هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در خرداد ۱۳۶۷، حساب شده و زمینه‌ای برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بوده است که گفته می‌شود شروعش از عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو بود. البته سوآلی که مطرح می‌شود این است که چرا در زمانی که فاو تصرف شد و پیروزی بارز شدی به دست آمد، نتوانستیم از آن استفاده سیاسی کنیم و جنگ را در آن مقطع پایان دهیم. از طرفی هاشمی رفسنجانی به عنوان فرمانده جنگ از زمان پذیرش مسئولیت دنبال این بود که با گرفتن یک جای پامطمئن در کشور عراق، جنگ را پایان دهد؛ اما هنگامی که فاو توسط نیروهای ایرانی گرفته شد، جنگ پایان نیافت. بنا به گفته احمد غلامپور، هاشمی رفسنجانی در عملیات کربلای ۵ در جلسه‌ای با فرماندهان سپاه چنین می‌گوید که پیروزی یا شکست در ادامه یا عدم ادامه جنگ، دست شماست. اگر می‌توانید بجنگید و پیروز شوید و اگر نمی‌توانید خودتان به امام بگویید توان ادامه جنگ را ندارید (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴). هم‌چنین عبدالحسین مفید درباره این پرسش که چرا پس از تصرف فاو، نتوانستیم جنگ را پایان دهیم، چنین توضیح می‌دهد: «علت این اتفاق تغییراتی بود که در منطقه و نظام بین‌الملل رخ داده بود. در آن دوره نظام بین‌الملل حاضر به پذیرش صحنه و پایان جنگ نبود و به

این دلیل به کمک عراق آمدند. به هر حال تصرف فاو در سال ۱۳۶۵ به معنای نزدیکی ایران به بصره بود و این اتفاق برای نظام بین‌الملل مهم بود» (مفید، مصاحبه، ۹۴/۳/۲۴). بر این اساس می‌توان گفت بحث پایان جنگ، همچون آغاز جنگ براساس اراده و خواست ایران نبود و باید نقش امریکا بیشتر دیده شود. نکته دیگر اینکه ایران برای پایان جنگ راهبرد مشخصی نداشت و تنها فکر هاشمی‌رفسنجانی که گفته بود با کسب یک پیروزی قاطع در جنگ و از طریق راه‌حل سیاسی جنگ را تمام می‌کند که آن هم با شعار جنگ جنگ تا رفع فتنه در کل عالم، که توسط امام مطرح شد، همخوانی ندارد؛ زیرا امام مصمم به ادامه جنگ بودند؛ اگرچه بعدها امام حاضر به پذیرش قطعنامه می‌شوند و از آن به عنوان نوشیدن جام زهر یاد می‌کنند. تعبیر نوشیدن جام زهر این سؤال را پیش می‌آورد که آیا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر امام تحمیل شد. شاید وسع کشور به اندازه‌ای نبود که جنگ را ادامه بدهد و امام با توجه به اطلاعاتی که دریافت کردند، تصمیم به پذیرش قطعنامه گرفتند. الله کرم معتقد است جریاناتی در تصمیم امام دخالت کرده است؛ از جمله برخی دولتی‌ها دنبال این بودند که نظامی‌ها پیروز میدان نباشند (الله کرم، مصاحبه، ۱۳۹۳/۹/۹).

بهباد نبوی طی یک مصاحبه در این زمینه بیان می‌کند:

«بعد از بازپس‌گیری فاو، هاشمی‌رفسنجانی با هدف اینکه دولت را بیشتر در جنگ درگیر کند، مهندس موسوی را به ریاست ستاد فرماندهی کل قوا منصوب کرد و ایشان هم چند تن از وزیران را به‌عنوان معاونان ستاد انتخاب کردند و به این ترتیب برنامه‌ریزی دولت و جنگ یکی شد؛ اما درباره پذیرش آتش‌بس، ستاد فرماندهی کل قوا و دولت هیچ یک اطلاعی نداشتند؛ مع‌الوصف من دلایل راهبردی پذیرش آتش‌بس را صحیح می‌دانم و اینکه بعضی‌ها هاشمی‌رفسنجانی را متهم خوراندن جام زهر به امام می‌دانند و دولتی‌ها را هم در این کار شریک می‌دانند، درست نمی‌دانم؛ اگرچه پذیرش آتش‌بس اقدام صحیح و بسیار شجاعانه‌ای بود (نبوی، مصاحبه، ۱۳۹۶/۹/۶).

قویدل نیز درباره چگونگی روند پایان جنگ و پذیرش قطعنامه چنین توضیح می‌دهد:

در سال ۱۳۶۶ فرماندهان ارتش براساس وضعیت موجود، مخالف ادامه جنگ بودند؛ اما فرماندهان سپاه معتقد بودند اگر امکانات ارتش دست ما باشد، می‌توانیم بجنگیم. ولی خب نمی‌شد که امکانات را منتقل کرد. از طرفی آقای هاشمی در سال ۱۳۶۷ خدمت امام رسید و در مورد پایان جنگ یا تداوم جنگ از امام نظر خواست که امام می‌فرمایند جنگ را ادامه بدهید. وقتی هاشمی‌رفسنجانی به منطقه برگشت، این نظر امام را به فرماندهان اعلام کرد. در آن دوره محسن رضایی فرمانده سپاه در نامه‌ای می‌نویسد که ما طرحمان برای پایان جنگ این است و اینها را می‌خواهیم. هم‌چنین مسئولان دولت هم نامه نوشتند. آن موقع آقای هاشمی نامه‌ها را گرفت و به این نتیجه رسید که با وضع فعلی کشور، نمی‌توان قوایی را فراهم کرد و یک پیروزی قاطع نظامی آن هم در کوتاه‌مدت به دست آورد. بنابراین مجموعه اینها باعث شد حضرت امام به این نتیجه

برسد که ظرفیت فعلی کشور برای ایجاد تحولی بزرگ در جنگ کفایت نمی‌کند و حرف آقای هاشمی برای پایان جنگ اجرایی‌تر و عملی‌تر است (قویدل، ۹۴/۰۳/۰۳).

نظر به بررسی دوره فرماندهی هاشمی رفسنجانی در مقطع دوم، که جانشین فرمانده کل قوا شد، می‌توان مهمترین اقدامات ایشان را چنین برشمارد:

۱. تشکیل ستاد

۲. گرم نگهداشتن جبهه‌ها توسط سپاه و آجا

۳. اجرای عملیاتهای آفندی در جنوب

۴. تهیه مقدمات پذیرش قطعنامه

۵. پیگیریهای سیاسی و نظامی

۶. توسعه جنگ از زمینی به دریا (جنگ نفت‌کشها)

۷. افزایش سفرهای سیاسی به کشورها

۸. پیشنهاد جانشینی فرمانده جنگ به محسن رضایی و عدم توسعه رزم ناجا

شاید پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مهمترین رخداد در دوره هاشمی رفسنجانی باشد که البته عوامل بسیاری در پذیرش آن مؤثر بود؛ اما چون اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای افکار مردم سنگین بود، شخص امام تصمیم گرفتند با اعلان پذیرش رسمی قطعنامه از سوی مسئولان، حرف آخر را در جنگ نیز خود بزنند.

«... و اما در مورد قبول قطعنامه، که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام‌شده در جنگ معتقد بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت کردم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز به این عمل راضی نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود؛ اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۲).

نتیجه‌گیری

اکبر هاشمی رفسنجانی از سیاستمدارانی است که در تمامی بحرانهای بعد از انقلاب اسلامی، همچون جنگ تحمیلی نقش بسیار مؤثری دارد. اگر چه نقش هاشمی رفسنجانی در اوایل جنگ

بیشتر در حوزه سیاستگذاری است، نقش مهم ایشان بعد از فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ و در تداوم جنگ نمایان می‌شود. با ناکامی ایران در عملیات رمضان و بروز اختلاف بین فرماندهان ارتش و سپاه، هاشمی‌رفسنجانی در پی هماهنگی بیشتر بین این دو نهاد نظامی به صحنه عملیات نزدیکتر شد، و بر همین اساس ایشان طی حکمی از سوی امام در ۳۰ بهمن ماه سال ۱۳۶۲ به سمت ادامه فرماندهی عملیات‌های موسوم به والفجر منصوب شد. البته جدای از بحث استفاده از تمام ظرفیتهای سپاه و آجا، لزوم پشتیبانی دولت از جنگ است که در انتخاب هاشمی‌رفسنجانی تأثیر دارد. به هر حال هاشمی‌رفسنجانی با دریافت این حکم، ضمن تشکیل قرارگاه خاتم‌الانبیاء، نظریه «جنگ جنگ تا یک پیروزی چشمگیر»، را به‌عنوان راه‌حل پایان جنگ اعلام و تا آخر جنگ دنبال کرد. به نظر می‌رسد هاشمی‌رفسنجانی آنچه را «عملی و اجرایی» بود و با «واقعیات میدان نبرد» و «توان پشتیبانی کشور» و «اوضاع سیاسی جهانی» همخوانی داشت و عملاً قابل اجرا بود، مطرح، و سعی کرد از این طریق از میزان خسارات جنگ بکاهد؛ اما مقطع دوم از دوران فرماندهی هاشمی‌رفسنجانی، که همزمان با گسترش جنگ شهرها، جنگ شیمیایی و جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس بود، طی حکم دیگری از امام در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ است که به سمت «جانشین فرمانده کل قوا» با تمام اختیارات منصوب شد. مهمترین نقش هاشمی‌رفسنجانی در این دوره از جنگ، تلاش برای پایان دادن به جنگ تحمیلی است. البته به نظر می‌رسد انتخاب هاشمی‌رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در سال ۱۳۶۷، حساب‌شده و زمینه‌سازی برای پایان جنگ باشد؛ چرا که اقدامات و گفتگوهای سیاسی ایشان در این راستا است.

منابع

۱. احمدی، حمید (۱۳۸۳). درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر). آلمان: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲. اردستانی، حسین (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد تحقیقات دفاع-مقدس.
۳. اردستانی، حسین (۱۳۷۶). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. ج ۳. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
۴. بشیری، عباس (۱۳۹۳). انقلاب در بحران (کارنامه و خاطرات سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ اکبر هاشمی‌رفسنجانی). تهران: نشر معارف انقلاب.
۵. بوتول، گاستون (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۶. پیررزو، نیکولاس‌الیوت (۲۰۱۵). The Iran-Iraq War. جنگ ایران - عراق. انتشارات دانشگاه هاروارد.

۷. جفری‌ام‌الیوت، رابرت‌رجینالد (۱۳۷۳). **فرهنگ اصطلاحات سیاسی**. ترجمه میرحسین رئیس‌زاده. تهران: انتشارات معین.
۸. درودیان، محمد (۱۳۹۱). **سیری در جنگ ایران و عراق**. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۹. درودیان، محمد (۱۳۹۴). **تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. درآمدی بر یک نظریه**. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۱۰. درودیان، محمد (۱۳۸۶). **نقد و بررسی جنگ ایران و عراق. گزینه‌های راهبردی جنگ**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۱. رضایی‌میرقائد، محسن (۱۳۷۴). **درسهای تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق**. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ.
۱۲. رضایی، محسن (۱۳۹۰). **جنگ به روایت فرمانده**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
۱۳. السامرای، وفیق (۱۳۸۸). **ویرانی دروازه شرقی**. ترجمه عدنان قارونی. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۱۴. امام‌خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). **صحیفه امام تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (س)**.
۱۵. علایی، حسین (۱۳۹۵). **تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق**. تهران: انتشارات مرز بوم.
۱۶. علایی، حسین (۱۳۹۵). **تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق**. تهران: انتشارات مرز بوم.
- اسناد**
۱۷. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۱۴۶. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۱۸. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۳۳۷۴۶. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۱۹. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۵۶۶۵۱. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۰. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۲۸۳۰۸۸. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۱. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۳۴۰۸۰. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۲. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۳۴۴۷۶. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۳. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۰۳۴۷۳۳. کد 1985-S. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

۲۴. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۴۰۱۹۶. کد S-1985. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۵. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۴۰۲۹۶. کد S-1985. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۶. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۴۰۶۵۷. کد S-1985. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۷. اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس. سند شماره ۴۹۰۲۰. کد S-1985. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۸. اسناد وزارت امور خارجه. سند شماره ۱۸۵۳۴. کد S-1986. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۲۹. اسناد وزارت امور خارجه. سند شماره ۲۳۴۸. کد S-1986. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۰. اسناد وزارت امور خارجه. سند شماره ۳۸۶۵. کد S-1986. آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

مصاحبه

۳۱. انصاری، مجید (مصاحبه). ۱۳۹۰/۸/۲۳. تهران.
۳۲. بختیاری، مسعود (مصاحبه). ۱۳۹۴/۲/۱۶. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۳. توسلی، محمد (مصاحبه). ۱۳۹۰/۶/۲۹. تهران.
۳۴. زهدی، یعقوب (مصاحبه). ۱۳۹۶/۸/۲۵. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۵. غلامپور، احمد (مصاحبه). ۱۳۹۶/۱۲/۲۴. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۶. قربانی، مرتضی (مصاحبه). ۹۲/۱۰/۲۳. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۷. الله کرم، حسین (مصاحبه). ۱۳۹۳/۹/۹. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۸. مرادپیری، هادی (مصاحبه). ۱۳۹۴/۲/۱۶. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۳۹. معین وزیری، نصرت الله (مصاحبه). ۱۳۹۶/۱۲/۲۴. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۴۰. مفید، عبدالحسین (مصاحبه). ۱۳۹۴/۲/۱۶. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۴۱. موسوی قویدل، سید علی اکبر (مصاحبه). ۹۴/۰۳/۰۳. تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۴۲. نبوی، بهزاد (مصاحبه). ۱۳۹۶/۹/۶. جماران.

نشریات

۴۳. روزنامه کیهان (سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۹).
۴۴. روزنامه جمهوری اسلامی (سالهای ۱۳۵۸-۱۳۵۹).

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵؛ ۴۵-۶۶

ارزیابی تأثیر مدیریت روستاها بر بازگشت مهاجران جنگ تحمیلی به زادگاه

خود، نمونه موردی جنگزده‌های شهرستان سرپل ذهاب

سمانه کیومرث^۱، سید امیرمحمد علوی زاده^۲، الهام ابراهیمی^۳

۱. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد ۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

دانشگاه پیام نور تهران ۳. دانش‌آموخته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد

(دریافت: ۹۷/۶/۱۵، پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۲)

چکیده

مهاجرت‌های روستایی از یک‌سو تحت تأثیر علل درهم‌تنیده و مختلفی‌اند و از سوی دیگر به پیامدهای گوناگونی منتج می‌شوند که جامعه بشری را به چالش کشیده‌اند؛ بنابراین، بررسی علل و پیامدهای این مهاجرت‌ها و تحلیل روابط بین آنها بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان این حوزه باشد. یکی از این عوامل جنگ است که عوارض و تبعات ناگواری بخصوص در کوچاندن مردم محلی به‌ویژه روستائیان دارد. نقش مدیریت روستایی در بازگشت مهاجران بسیار مهم است و نیاز به بررسی همه‌جانبه دارد. جامعه آماری این تحقیق مهاجران روستایی بازگشتی (زرینجوب، دستک‌علیا، سرابله و تپه رش‌کلاشی) در شهرستان سرپل ذهاب و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. نمونه مورد مطالعه ۱۵۰ نفر از مهاجران بازگشتی است. از آنجا که تعداد محدود بود، کل جامعه آماری به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. پرسشنامه دربردارنده ۲۳ سؤال بود که پایایی آن از طریق فرمول کرونباخ به میزان ۰/۸۱ مورد تأیید واقع شد و روایی آن نیز از طریق ارائه به کارشناسان دانشگاهی تأیید گردید. این پژوهش براساس روش تحلیلی - توصیفی و استفاده از شاخص سبک مدیریتی لیکرت هشت‌گزینه‌ای، به بررسی نقش مدیریت روستایی در تشویق و ایجاد انگیزه بازگشت مهاجران جنگ تحمیلی به زادگاه خود در تعدادی از روستاهای جنگزده شهرستان سرپل ذهاب پرداخته است و نتایج نشان‌دهنده آن بود که از سنجش ۵ شاخص مورد بررسی هیچ‌کدام در جایگاه ۳ یا بیشتر قرار نداشت و اکثراً بین ۲ تا ۳ و یک مورد یعنی تصمیم‌گیری کمتر از ۲ بود؛ بنابراین نتایج مشخص کرد که سبک و چگونگی مدیریت آن در ابعاد مختلف باید بر کار مسئولین و برخورد با مهاجران حاکم باشد و همواره به نظر می‌رسد که در پایان هر اقدام مؤثر از نظرات مهاجران در جهت بهبود نحوه اجرا و تأثیرگذاری مؤثرتر در سالهای آینده استفاده شود تا بتوان ضرایب شاخصها را بیشتر کرد و از آن جهت برای بهبود کارایی گام برداشت و از قسمت آمرانه به سمت مشارکت حرکت مداومی داشت. از طرفی در بررسی ارتباط بین سبک و شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۶۴۵ نشان‌دهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است به عبارت دیگر ارتباط مستقیمی بین شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ است و بیانگر این مطلب است و که همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران، معنی‌دار است و می‌توان گفت بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران همبستگی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: جنگ تحمیلی، مدیریت، مهاجران، روستا، بازگشت، سرپل ذهاب..

مقدمه

اصولاً در تاریخ انقلابها، جنگها و قراردادهای سیاسی - اقتصادی، بزرگترین و بیشترین اثر را در بافت فرهنگی و فکری جامعه داشته است به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای از تغییر و تحولات ناشی از آنها برکنار نبوده است. از بین عوامل جنگ چه پیروزی و چه شکست ملتی را دربرداشته باشد، توانسته است مهمترین تأثیرات را بر روند حرکت آن جامعه داشته باشد و نقطه عطفی را در سیر تغییر و تحولات اجتماعی آن تشکیل دهد (مجله جهاد، ۱۳۶۱: ۲۴). در سراسر جهان بویژه بعد از جنگ جهانی دوم، مهاجرتهای روستایی به عنوان پدیده‌ای جمعیتی در عرصه‌های بین‌المللی مطرح شد. اگرچه گسترش این پدیده در آغاز طبیعی بود، بعد از گذشت چند دهه به دنبال آثار و پیامدهای نامطلوب آن در کشورهای در حال توسعه، غیرطبیعی تلقی شد. ضعف ساختاری مناطق روستایی سبب شد روستاییان برای به‌دست‌آوردن فرصتهای بهتر به مناطق شهری مهاجرت کنند (طاهرخانی، ۱۳۸۷: ۲۳).

توسعه روستایی فرایند ارتقای اقتصادی و اجتماعی مردم روستایی، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیریهای سیاسی، رفع نیازها در دوره‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت است (کلور، ۱۹۹۷: ۲). یکی از مهمترین ابعاد توسعه روستایی و شاید بتوان گفت مهمترین بعد آن، مدیریت روستایی است که در هماهنگی فعالیتهای روستایی نقش بسیار مهمی برعهده دارد (لشنی پارسا، ۱۳۸۵: ۲). جوامع روستایی نیز همواره ضرورت وجود مدیری منطبق با احوال مختلف و نیازهای گوناگون خود را احساس کرده و کسی را طلبیده‌اند که برخاسته از درون جامعه و دارای رهبری آن جامعه باشد (وایت، ۱۹۸۰: ۳۵).

مدیریت روستایی در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمانها و نهادها است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۷۶). بررسی جنبه‌های مختلف این محورها بیان‌کننده گستردگی مفهوم مدیریت روستایی در ایران است (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۲۶). از زمانی که در مناطق روستایی فرایندهای سامانمند ساختاری حاکم شد، مفهوم مدیریت روستایی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و به‌عنوان راهبرد در جهت رسیدن به توسعه روستایی مطرح شد (سریرام، ۲۰۰۷: ۳). مدیریت توسعه روستایی در ایران همانند دیگر سطوح مدیریتی سرزمینی از گذشته دور تاکنون با چالشهای ساختاری و مسائل و مشکلات گوناگونی روبه‌رو بوده است. نظام مدیریت روستایی ایران در سالهای اخیر به لحاظ ساختارهای اقتصادی اجتماعی، دگرگونیهای پیچیده داشته است (بزی و هدایتی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). بررسی جنبه‌های گوناگون برنامه‌ریزی و مدیریت روستایی و تصمیم‌گیری در رابطه با آن، نیازمند داشتن اطلاعات در مورد زمینه‌های تاریخی، وضعیت کنونی و پیش‌بینی وضعیت آینده محیط‌های روستایی است (صابری‌فر، ۱۳۸۱: ۵۱). هدف مدیریت توسعه روستایی ایجاد رابطه‌ای منطقی و تنظیم‌شده بین انسان و محیط برای

رسیدن به رضایتمندی و خشنودی در زندگی مردم مناطق روستایی است که در رأس آن وجود عنصری نهادی برای برنامه‌ریزی آینده و اداره امور کنونی روستا بویژه در سطح راهبردی و مدیریت کلان کشور ضروری است و این عنصر باید از طریق همکاری متعادل و فعال نیروهای بیرونی (دولت و بازار) و درونی، مردم محلی، تشکله‌ها و سازمانهای محلی و بازارهای محلی صورت گیرد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۱). مدیریت توسعه پایدار روستایی، انسان را به‌عنوان ناظر و به لحاظ مبانی اخلاقی، انسان‌محور می‌داند و به لحاظ منطق و خرد به شبکه و ترکیب و به لحاظ طبیعت انسان به انسان خردمند و به لحاظ ساختار سیاسی به اصل واگذاری اختیار اعتقاد دارد (افتخاری، ۱۳۸۱: ۴۱). ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی در ایران یکی از پدیده‌های رایج در دوره کنونی است. با توجه به اهمیت و پایدار بودن روستاها، که از محافظان محیط‌زیست، ذخایر گرانبهای تولیدات دامی و کشاورزی، مدافعان سرزمین در برابر مهاجمان مرزی، توزیع‌کنندگان متناسب فضایی جمعیت و مانند آن هستند، ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی بحرانهای متعددی را از جوانب مختلف برای کشور به وجود آورده است که رسیدگی به این موضوع و دستیابی به دلایل آن ضروری است. در گسترش این ناپایداری، عوامل متعددی دست‌به‌دست هم داده که یکی از این عوامل، سبک مدیریتی و برنامه‌ریزی است که در تسریع یا کند کردن روند مهاجرت و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی نقش داشته است (قنبری، ۱۳۹۶: ۴۵). با توجه به آغاز رسمی جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از سوی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، غرب کشور از منطقه عمومی سرپل‌ذهاب و قصرشیرین جزء اولین مناطقی بود که توسط ارتش رژیم بعث اشغال شد و مردم این نواحی آواره کوه و دشت گشتند و عده‌ای هم اسیر یا مجروح شدند و یا به شهادت رسیدند. با عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر در خرداد ۱۳۶۰، رژیم بعثی عراق به دلیل ناتوانی نظامی و عمق بخشیدن به خطوط دفاعی خود و تظاهر به صلح‌طلبی، قسمت‌هایی از مناطق غرب کشور از جمله منطقه عمومی سرپل‌ذهاب و قصرشیرین را تخلیه کرد و در مناطق سرکوب و مشرف بر منطقه استقرار یافت. با عقب‌نشینی عراق، بحث استقرار نیروها و بهسازی شهر سرپل‌ذهاب و روستاهای آن مطرح شد (روزنامه کیهان، ۱۳۶۱: ۱۸). نقش مهاجران در توسعه کشور و اجتماعات زادگاه خود، حائز اهمیت و توجه جدی است (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۲). در این میان بحث بازسازی و بازگشت مردمان مهاجرت‌کرده مطرح است که چگونه می‌توان این امر را بویژه در مناطق روستایی محقق ساخت که دیواره دفاعی هر کشور بخصوص در مناطق مرزی هستند و در این میان نقش مدیریت روستایی چگونه می‌تواند باشد. در نتیجه پژوهش ضمن بررسی سبک و شیوه برخورد مدیریتی با مهاجران روستایی جنگ‌زده، طبق سبک‌های چهارگانه لیکرت به بررسی رابطه همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران پرداخته است.

از این رو پژوهش درصدد یافتن پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. مدیریت روستایی بر بازگشت مهاجران جنگی چه تأثیری دارد؟
 ۲. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص مدیریت و کنترل با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۳. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص انگیزش با کدام یک از سبک‌های مدیریت مطابقت دارد؟
 ۴. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص برخورد - نفوذ با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۵. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص تصمیم‌گیری با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۶. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص اهداف اجرا و آموزش با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
 ۷. بین سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده و رضایت همه‌جانبه مهاجران چه رابطه‌ای وجود دارد؟
 ۸. تجزیه و تحلیل شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص مدیریت و کنترل با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟
- هدف کلان مدیریت توسعه روستایی حرکت در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب با استفاده از توان و امکانات بالقوه و بالفعل روستا است تا همسو با بهبود وضعیت جامعه روستایی گام بردارد (طالب، ۱۳۷۶: ۶). مدیریت جدید روستایی، همان‌طور که راجرز می‌گوید دارای اصول اساسی چون پاسخگو بودن، عدالت‌محور، ایفاکننده نقش، دارای مشروعیت و جهتگیری برای افزایش مشارکت شهروندان روستایی، عرضه خدمات عمومی مناسب و بموقع و ایجاد احساس تعلق در شهروندان روستایی است که همگی این اصول، مدیریت توسعه روستایی را به حکمرانی خوب روستایی رهنمون می‌سازد (افتخاری، ۱۳۸۶: ۳۶). روش این مطالعه توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی، و جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و پرسشنامه است که براساس سبک‌های مدیریتی و رهبری لیکرت، تدوین و اجرا شده است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با این موضوع مطالعات مختلفی در داخل کشور انجام شده است که در ادامه به تعدادی از آنها در جدول ۱ اشاره خواهد شد.

جدول ۱. مطالعات داخلی مرتبط با موضوع پژوهش

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه تحقیق
ارشاد و آقایی	۱۳۸۱	تصویری از مهاجرت در استان خوزستان در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ و موضوع مهاجرت بازگشتی	استان خوزستان در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ از نظر مطالعه جابه‌جایی جمعیت و در مقایسه با دیگر استانهای کشور، جایگاه شایان توجهی داشته است. در این دهه استان خوزستان الگوی دیگری از مهاجرت را نشان می‌دهد که الگوی مهاجرت برگشتی است که مقطعی بوده است. هدف عمده توجه به الگوی کلاسیک مهاجرت مرحله‌ای و توجه بیشتر به الگوی مهاجرت بازگشتی است که در کشورهای جهان سوم چندان عمومیت ندارد؛ ولی در زندگی اجتماعی و اقتصادی وضع کنونی خوزستان مؤثر بوده است.
دریاباری	۱۳۸۶	بررسی پدیده مهاجرت و بازگشت جمعیت در مناطق جنگزده استان خوزستان	نتایج بیانگر این بود که منطقه مورد مطالعه طی ده سال ظاهراً مهاجرپذیر بوده اما به دلیل اینکه بخش عمده‌ای از درون کوچندگان منطقه، مهاجران بازگشتی جنگ هستند که پیش از سال ۱۳۶۵ استان را ترک کرده و در سالهای دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به محل زندگی قبلی خود بازگشته‌اند بسختی می‌توان منطقه را طی این ده سال مهاجرپذیر به‌شمار آورد.
دانشور کاخکی و همکاران	۱۳۸۸	نقش مدیریت در عملکرد شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان خراسان رضوی	نتایج بیانگر بیشترین تأثیر در عملکرد جو و گندم به متغیر خلاقیت و نوآوری مربوط می‌شود.
تقدیسی و احمدی شاپورآبادی	۱۳۹۱	بررسی مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی	نتایج نشان‌دهنده این بود که یکی از مهمترین چالشهای توسعه روستایی از دیدگاه توسعه پایدار در ایران، مهاجرت نیروی انسانی از نواحی روستایی است که موجب تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی و پیرتر شدن شاغلان کشاورزی شده و به همین دلیل فضاهای روستایی وضعیت ناپایداری را نشان می‌دهد.

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه تحقیق
رستمعلی زاده و قاسمی ارده‌هال	۱۳۹۱	بررسی آثار و پیامدهای جمعیتی-اجتماعی مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در جامعه ایران	نتایج نشان داد نتیجه این رویداد در درازمدت می‌تواند تعادل شاخصهای توسعه‌ای استانها را برهم بزند. هنوز هم تمایل به برون‌کوچی در میان نخبگان مناطق جنگی و از جمله خوزستان وجود دارد؛ بنابراین می‌توان با ارائه امکانات و افزایش جاذبه‌های زندگی و آینده روشن در این مناطق از میزان مهاجرت از این مناطق کاست. هم‌چنین مهاجرت‌های جنگی زمینه‌ساز انزوای اجتماعی مهاجران اجباری در مقصدها و عدم انطباق آنان با محیط جدید بوده است که این امر اختلافات اجتماعی و فرهنگی آنها را با بومیان باعث شد. با در نظر گرفتن تنشها بین مهاجران جنگی و افراد بومی، مهاجران نسبت به اهالی بومی و بومیان نسبت به مهاجران جنگی دارای افکار متعارض بودند.
منافی آذر و همکاران	۱۳۹۶	مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: بخش باروق شهرستان میان‌دوآب	مهاجرت بازگشتی فرایند مهاجرت از روستا به شهر و اقامت نسبتاً طولانی در آنجا و سپس بازگشت به موطن روستایی است. عوامل مختلفی در این فرایند تأثیر دارد و مهاجران بازگشته در تحولات روستا نقش ایفا کرده‌اند. تحقیق با هدف بررسی عوامل مهاجرت بازگشتی و پیامدهای آن بر نواحی روستایی انجام شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کمی صورت پذیرفت. نتایج تحلیل عاملی نشان داد عوامل مختلفی در بازگشت مهاجران نقش داشته است که از بین آنها عامل اقتصادی و عمرانی - اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بین عامل بارگذاری شده به خود اختصاص داده، و عامل فرهنگی - قومی کمترین تأثیر را بین عاملها داشته است. نتایج تحلیل مسیر تأثیرات بازگشت مهاجران در روستاها، نشان داد مهاجران بازگشته بیشترین تأثیر را در شاخصهای عمرانی - کالبدی و کمترین پیامد را در شاخص اجتماعی داشته‌اند.

نویسنده	سال	عنوان	نتیجه تحقیق
سلمانی و جاسبی	۱۳۹۴	روند مهاجرت روستا - شهری بعد از وقوع جنگ تحمیلی مطالعه موردی: دهستان نصرآباد، شهرستان قصرشیرین	سکونتگاه‌های شهرستان قصرشیرین یکی از نواحی است که در دوره جنگ تحمیلی دچار آسیب‌های جدی شده است. داده‌های مورد نیاز تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تکمیل ۱۰۵ پرسشنامه خانوار در شش روستای شهرستان قصرشیرین جمع‌آوری شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طی سالیان اخیر بعد از وقوع جنگ تحمیلی به علت فقر و عدم برخورداری بسیاری از این روستاها از تسهیلات رفاهی - خدماتی و همچنین فرار از بیکاری و به دست آوردن شغل و درآمد، رهسپار مراکز شهری پیرامون روستاهای خود و شهرهای بزرگ کشور شده‌اند.

مأخذ: مطالعات نویسندگان، ۱۳۹۷

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

جنگ تحمیلی و مهاجرت

جنگ‌ها علاوه بر خسارتهایی که در زمان وقوع بر جای می‌گذارند، پیامدهای درازمدت‌تری نیز در جامعه دارند که بعضاً از آثاری که در زمان وقوع بر جای گذاشته‌اند، مهم‌تر و عظیم‌تر هستند. بر این اساس ضرورت دارد که تمامی آثار و پیامدهای جنگ‌ها مورد توجه و بررسی قرار گیرد. با وجود گذشت بیش از ۲۵ سال از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، متأسفانه آثار و پیامدهای بلندمدت این پدیده آن‌گونه که بایسته و شایسته آن بوده مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است؛ لذا جا دارد دانش‌های متعدد بویژه علوم اجتماعی همچون علوم جغرافیایی، جامعه‌شناسی و اقتصاد و مانند آن، پیامدهای طولانی‌مدت جنگ را در نواحی جنگ‌زده بررسی کنند (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۴). در این بین، اثر مهاجرتی یکی از ابتدایی‌ترین پیامدهای جنگ است. مهاجرت یکی از پدیده‌های مهم جمعیت‌شناختی و یکی از جنبه‌های تحلیل جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵: ۶۵). مردمی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند برای دوری از خطر و حفظ جان و مال خود به مهاجرت به مناطق امن‌تر اقدام می‌کنند؛ بنابراین جنگ‌ها به دنبال خود مهاجرت‌های ناخواسته‌ای را برای مردم مناطق جنگی ایجاد می‌کنند. در چنین وضعیتی، مهاجرت، که همواره با خود حتی در شیوه معمولش آثار و پیامدهایی برای مهاجران و مقاصد مهاجرتی دارد، این تأثیرات را برای مهاجران جنگی به دلیل اجباری بودن به پیامدهای گسترده‌ای تبدیل می‌کند. حال با توجه به

حذف انگیزه‌های رایج مهاجرت و ورود اجبار و فراهم نبودن زیربناها و شرایط در مقصد مهاجرت و عدم آمادگی ذهنی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و ... مهاجران، این پیامدها شکلی فاجعه‌بار پیدا خواهد کرد. در کنار این به دلیل حجم زیاد مهاجران، این مهاجران در تضاد با ساکنان بومی قرار می‌گیرند.

در جنگ تحمیلی نیز ما شاهد سیل عظیمی از مهاجرت‌ها و حرکت‌های جمعیتی بودیم. تخریب وسیعی که با تجاوز ارتش عراق به خاک ایران صورت گرفت، موجب شد تا موج گسترده‌ای از اهالی این مناطق با از دست دادن زندگی خود، آواره و ناگزیر به ترک دیار شوند. آنها به صورت گروهی یا خانوادگی در شهرک‌هایی که از قبل و با عجله آماده شده بود، اسکان یافتند و بتدریج به سمت مناطق امن‌تر کشور مهاجرت کردند. به دلیل این حالت بحرانی، بیش از پنج میلیون نفر خانه و شغل خود را از دست دادند و ۲/۵ میلیون نفر مجبور به مهاجرت به مناطق غیرجنگی شدند. بر اساس آمارهای بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی، یک میلیون و دویست هزار نفر از مهاجران مستقیماً در ۳۶۰ اردوگاه در ۲۷ استان کشور ساکن شدند و قریب به یک میلیون نفر نیز در محله امن دیگری با مساعدت آشنایان و خویشاوندانشان جای گرفتند (امین‌صارمی، ۱۳۷۷: ۲۰۸). در فاصله سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ و یکی دو سال بعد از آن نیز شروع و ادامه جنگ تحمیلی که همراه با بمباران مراکز جمعیتی بود بر نابسامانیهای مهاجرتی افزود و تمام استانهای غربی کشور را مهاجرفرست کرد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

فرایند مهاجرتی حاصل از جنگ تحمیلی بعد از پایان جنگ و تقریباً تا دو دهه بعد از آن نیز همچنان ادامه داشته و زنجیره مهاجرتی بین مناطق جنگی و مناطق مهاجرپذیر در زمان جنگ را به وجود آورده است. بعد از جنگ نیز همواره بر میزان مهاجرفرستی استانهای خوزستان، ایلام، کردستان و کرمانشاه افزوده شده است. این یکی از پیامدهای مهاجرتی جنگ تحمیلی است که تا امروز نیز ادامه یافته است. علاوه بر این در دهه‌های بعد از جنگ با اینکه استانهای جنگ‌زده کشورمان میزان جوانی جمعیت در سطوح متوسط به بالا دارند که در نتیجه آن باید از متوسط رشد جمعیتی زیادی برخوردار باشند، متوسط رشد سالانه جمعیت آن مناطق بسیار کم، و پایین‌تر از میانگین کشوری است. این وقایع جمعیتی را می‌توان به مهاجرت‌ها نسبت داد؛ بنابراین یک مسئله مهم در این مناطق، خروج جمعیت بومی از این مناطق است که از زمان جنگ شکل گرفته و نشان‌دهنده این است که با گذشت دو دهه از جنگ، هنوز انگیزه‌های ماندگاری همچون انگیزه‌های اجتماعی، اقتصادی و غیره در این مناطق تقویت نشده است؛ بنابراین نیاز به کار در این عرصه‌ها شدیداً احساس می‌شود تا در نتیجه آن بتوان جمعیت را در این مناطق حفظ کرد و تا حدودی بتوان از پیامدهای منفی دنباله‌دار مهاجرت‌های جنگ تحمیلی کاست (اسمعیلی‌زاده و اردهالی، ۱۳۹۰: ۷۶).

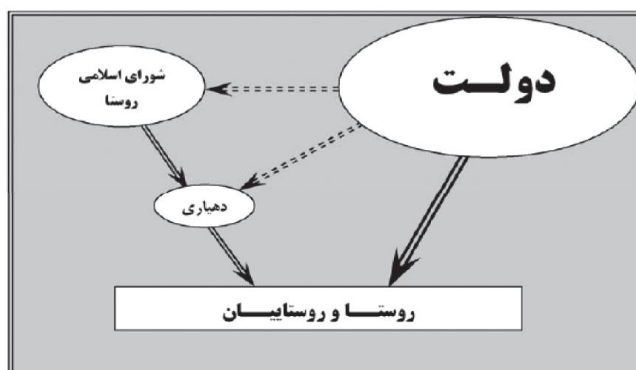
تعریف مدیریت

موضوع اندیشه اداری و دانش مدیریت و بویژه هدایت و رهبری، همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی قبل از آن مطرح بوده است (حقیقی، ۱۳۸۷: ۵). در منابع علمی، تعاریف متعددی از مدیریت ارائه شده است. عده‌ای مدیریت را هنر اجرای کارها به‌وسیله دیگران توصیف، و بر نقش دیگران و قبول از سوی آنان تأکید کرده‌اند. گروهی مدیریت را علم هماهنگی کوشش‌های اعضای سازمانها و استفاده از منابع برای رسیدن به اهداف معین توصیف کرده‌اند (الوانی، ۱۳۷۷: ۱۷). در مجموع می‌توان گفت مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی و سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول قرار می‌گیرد (خسروی، ۱۳۹۵: ۴۹).

مدیریت روستایی و نهادهای اثرگذار در آن

با توجه به تعریف مدیریت، می‌توان مدیریت روستایی را برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدام توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده دانست (دربان‌آستانه، ۱۳۸۴: ۱۵). نظام مدیریت روستایی در ایران طی سالها به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونیهای پیچیده‌ای داشته است و خلأ مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی دوره‌ها بویژه در دهه‌های اخیر مشکلات فراوانی را برای روستاییان ایجاد کرده است. روستاها به‌منزله مکانهای تولیدی خاص با شیوه زندگی و فعالیتهای متفاوت نسبت به شهرها، نیازمند الگوی مدیریتی جدا و منطبق با اوضاع اقتصادی - اجتماعی و بوم‌شناختی حاکم بر روستاها هستند (رکن‌الدین افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۱).

با توجه به اینکه درصدی از کارکردها به تأمین سرمایه لازم برای اجرای طرحها و برنامه‌های روستایی مربوط می‌شود، می‌توان مدیریت روستایی و برنامه‌ریزی روستایی در سطوح کلان و خرد را مهمترین عامل توسعه روستایی مطرح کرد (نرگسی قاسمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸۷). توانمندیهای محیطی و سبک مدیریت، بستر الگوهای استقرار سکونتگاه‌های انسانی را در فضاهای جغرافیایی فراهم می‌کند و ساختار فضایی هر مکان، تجلی کنش متقابل بین جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آن است (Coats & others, 1997: 259-238)؛ بنابراین اگر قرار باشد در روستایی، تغییرات مؤثر و پایدار به‌وجود آید، فرهنگ مدیریت آن روستا باید دستخوش تغییر شود؛ بنابراین مدیران روستایی با بهره گرفتن از سبک مدیریت متناسب می‌توانند خود را از بند راه‌حلهای گذشته رها و راه‌حلهای جدیدی برای روستا و پیشرفت آن فراهم کنند (Lau and Nago, 2004: 685-703).



شکل ۱. ساختار مدیریت روستایی پس از انقلاب اسلامی در ایران

مأخذ (بدری، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

تجربیات گذشته مدیریت روستایی و حضور مستقیم دولت در کارهای اجرایی روستاها نشانگر این است که به دلیل پراکنش گسترده جغرافیایی و چگونگی استقرار مکانی در مناطق مختلف کشور، مدیریت و حل و فصل مسائل روستاها به صورت متمرکز و توسط نهادهای دولتی به هیچ وجه دارای توجیه عقلی و اقتصادی نیست؛ از این رو عرضه خدمات دولتی به لحاظ پراکندگی جمعیت روستایی، مستلزم واگذاری فعالیتهای خدمات رسانی دولت به سازمان و نهاد محلی است. وجود مدیریت واحد روستایی در تأمین مشارکت مردم و به کارگیری توان و استعداد نهفته آنان در توسعه نقش مؤثری دارد به طوری که وجود نهادهای مختلف در مشارکت روستایی باعث سردرگمی روستاییان برای دخالت در روستا خواهد شد. اگر به توسعه روستایی با نگرش بلندمدت و پایدار می‌اندیشیم، باید اذعان کرد که سنگ بنای توسعه پایدار روستایی بر مشارکت مردم استوار است و به همین دلیل تدبیر حکم می‌کند که متولیان توسعه روستایی توجه و پرداختن به نهادهای محلی را وجهه همت خویش قرار دهند؛ زیرا هر یک از نهادها چون قانونی برای توسعه می‌اندیشد، تلاش و پیگیری، و سرمایه‌های فکری، مادی و مردمی را فعال و هدایت می‌کند (کلانتری، ۱۳۸۶: ۱۵).

نهادهای مؤثر در مدیریت روستایی

شوراهای اسلامی روستا

توسعه پایدار روستایی شامل فرایند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و محیطی است که برای افزایش رفاه طولانی مدت در کل جامعه طراحی می‌شود (Moseley, 2003: 125). یکی از ابزارهای رسیدن به توسعه پایدار روستایی را می‌توان تشکیل گروه‌های سازماندهی شده (Yarwood, 2002: 8) همانند شوراهای اسلامی دانست. بحث شوراها در ایران از حیث تاریخی به قبل از انقلاب اسلامی

برمی‌گردد. در اصول ۹۰ تا ۹۳ قانون اساسی مشروطیت، موضوع شوراهای محلی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح شده است. پیشینه قانون شوراها یا به تعبیر آغازین خود انجمن‌های بلدی به تشکیل نخستین نهاد قانونگذاری (مجلس شورای ملی) می‌رسد؛ به عبارت دیگر یکی از نخستین قوانین مصوب مجلس شورای ملی، قانون بلدی است که در سال ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید و به این ترتیب یکی از آرمانهای بزرگ انقلاب مشروطه جامه عمل پوشید. مشارکت واقعی مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی از مفاهیم مهم و بارز است که تحقق تفکر و نظام شورایی را فراهم می‌سازد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جهاد سازندگی و هم‌چنین بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، روستاییان با نهادهای تازه انقلاب آشنا شدند. گروه‌های مختلف سیاسی نیز با توسل به «شورا» هر یک به نوعی در صدد بودند تا با طرح تشکیلات شورایی در روستاها، ضعف ارتباطی بین دولت و ده را احیا کنند که در جریان انقلاب شدیداً لطمه خورده بود احیا کنند (طالب، ۱۳۷۷: ۱۱).

شوراهای اسلامی از نهادهای محلی است که پس از تصویب تشکیلات شوراهای اسلامی کشور در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۱ در استانهای کشور برپا شده است. بنا به ضرورت تشکیل شوراها بویژه در روستاها به منظور بهسازی و بهبود وضعیت روستاییان با اصرار جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۱ ضمن تصویب طرح «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری»، جهاد سازندگی مسئول تشکیل شورای روستایی با همکاری وزارت کشور شد. با تصویب «قانون انتخابات شورای اسلامی» در سال ۱۳۶۵ برگزاری انتخابات شوراها در شهر و روستا به وزارت کشور واگذار، و وظایف جهاد سازندگی حذف شد؛ ولی به علل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، اجرای این قانون امکان‌پذیر نشد (وثوقی، ۱۳۷۷: ۲۶۰). در سال ۱۳۷۵ با تصویب «لایحه قانونی تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها و شهرداریها» در مجلس و اجرای انتخابات شوراها در سطح شهرها، شهرکها، روستاها و بخشها در هشتم اسفند سال ۱۳۷۷، شوراها در اردیبهشت سال ۱۳۷۸ به‌طور رسمی کار خود را شروع کردند. وجود نظام اداری، در کشور موجب شده است از سال ۱۳۴۲ تاکنون در هر دوره با توجه به برنامه‌ریزی بخشی اینکه انجمن ده و یا شورا را چه سازمانی سرپرستی می‌کند، بین وظایف شوراها با کارکرد آن سازمان تداخل به وجود آید (طالب، ۱۳۷۳: ۱۳-۳).

برنامه‌ریزان سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب (۱۳۵۸) با تشکیل شوراهای اسلامی در پی دستیابی به این اهداف بودند: اجرای سیاست عدم تمرکز، سپردن کارهای عمرانی و اقتصادی و رفاهی به مردم، سرعت بخشیدن به جریان کارها، رفع تبعیض، نظارت اجتماعی، تکمیل کار دستگاه‌های دولتی، هدایت و رهبری برنامه‌های محلی، آگاه‌سازی مردم و افزایش توان دولت (علوی تبار، ۱۳۷۸: ۷۶).

توسعه مناطق روستایی به‌منظور بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم طراحی شده

است. این رویکرد در پی گسترش دادن منافع توسعه بین همه گروه‌های روستایی از جمله طبقه محروم است که در نواحی روستایی در پی گذران زندگی هستند (World Bank, 1975: 3).

دهیارها

دهیاری نهادی عمومی و غیردولتی است که به منظور اداره روستا تأسیس می‌شود. ماده واحده قانون تأسیس دهیارهای خودکفا در کشور مصوب ۱۳۷۷/۴/۴ چنین مقرر می‌دارد: «به وزارت کشور اجازه داده می‌شود به منظور اداره امور روستاها، سازمانی به نام دهیاری با توجه به موقعیت محل با درخواست اهالی و به صورت خودکفا با شخصیت حقوقی مستقل در این روستاها تأسیس کند» (اکبری و عبداللهی، ۱۳۸۴: ۱۳۵). تأسیس دهیاری در واقع سرآغاز ایجاد مدیریت محلی در روستاهای کشور است. دهیاری ارتباطی دوجانبه با مردم و دولت دارد. ارتباط دهیاری با دولت از طریق نزدیکترین سطح حکومتی ناظر بر دهیارها یا به عبارتی کوچکترین سطح نمایندگی دولتی یعنی بخشدارها انجام می‌شود. شورا نیز به عنوان نهاد مدنی، دهیاری را با مردم پیوند می‌زند. شورا وظیفه دارد دهیار را براساس ضوابط و مقررات انتخاب کند، اما حکم دهیار به وسیله بخشدار صادر می‌شود. ایجاد این نهاد محصول تحولات نیمه دوم دهه ۷۰ در ایجاد نهادهای مردمی و شورایی است. دهیار طبق ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات و سازمان دهیارها مصوب ۱۳۸۰ موظف است فرمانها و قوانین دولتی را اعلام، و مصوبات شورای اسلامی روستا را اجرا کند؛ با نیروی انتظامی همکاری کند و در حل اختلافات عمومی، حفظ نظم عمومی، اجرای مقررات نظام وظیفه، نگهداری و حفظ تأسیسات عمومی و عمرانی، حفاظت از اموال و داراییهای روستا و اجرای مقررات بهداشتی، حفظ نظافت و ایجاد زمینه مناسب برای تأمین بهداشت محیط کوشا باشد. هم چنین دهیار موظف است با سازمانها و نهادهای دولتی به منظور اداره بهتر روستا همکاری کند (نعمتی و بدری، ۱۳۸۶: ۵).

موقعیت منطقه مورد مطالعه

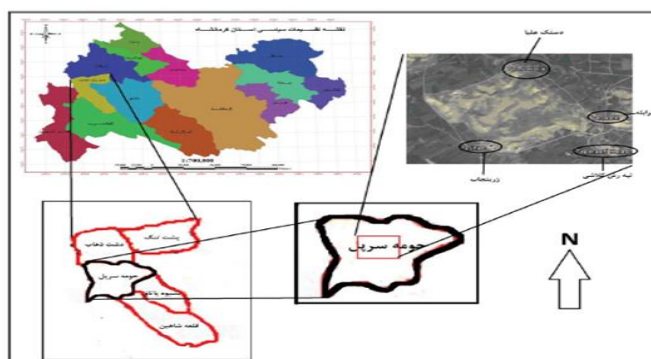
شهرستان سرپل ذهاب با مساحت ۱۲۷۱ کیلومتر، ۵/۲ درصد از مساحت کل استان کرمانشاه را دربر می‌گیرد. شهرستان سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۰ با جمعیت ۸۵۶۱۶ نفر در ۳۰ کیلومتری شرق قصرشیرین از شمال به شهرستان ثلاث باباجانی از شرق به شهرستان دالاهو از غرب به شهرستان قصرشیرین و از جنوب به شهرستان گیلان غرب محدود است. این شهرستان، ۱۶ کیلومتر مرز مشترک با عراق دارد که از شمال رودخانه قوره تو شروع می‌شود و تا میله مرزی شماره ۶۰/۲ در هوان ادامه دارد (حیدری فر و رضایی، ۱۳۹۳: ۳۶). این شهرستان دارای سابقه باستانی و تاریخی متعلق به دوران تمدن حکومت‌های ماد، پارت، هخامنشیان، ساسانیان و دوره اسلامی و بیش از ۳۲

اثر ثبت شده مربوط به این دوره‌ها است که از جمله آنها می‌توان نقش برجسته آنوبانونی در محله میانکل را نام برد. از گذشته‌های دور، علت نامگذاری شهرستان از دو واژه ذهاب به معنای رفت‌وآمد و زهاب به معنی چشمه و سراب و محل زایش و جاری شدن آب فراوان گرفته شده است و امروزه از هر دو واژه در نوشته‌ها و مکاتبات استفاده می‌شود. از نامهای قدیمی آن می‌توان به حلوان اشاره کرد که واژه‌ای است عربی و در وجه نامگذاری آن نقل است که این شهر در دوره حکومت اسلامی به حاکم آن به نام حلوان منصوب شده است و نیز به لحاظ سابقه مبارزات سیاسی قبل از انقلاب اسلامی و فعالیت چشمگیر مردمان و جوانان مذهبی و متدین آن در راستای پیروزی انقلاب به قم ثانی تعبیر، و در دوران ۸ سال دفاع مقدس به مشهد مظلومان فاتح اطلاق می‌شود که از افتخارات این شهرستان است. در روز ۱۳۵۹/۶/۳۱، ارتش عراق به خاک ایران حمله، و در روزهای اول جنگ سرپل ذهاب را تصرف کرد. اگرچه ارتش عراق در روزهای آغازین جنگ وارد سرپل ذهاب شد، نیروهای مردمی و ارتش ایران در زمانی اندک به مقابله برخاستند که نتیجه آن ده عملیات جنگی بود که مستقیماً در منطقه مطالعاتی این پژوهش صورت گرفت که از مهر ۱۳۵۹ تا اسفند ۱۳۶۶ به طول انجامید. در ۶۷/۵/۲۹، با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ جنگ رسماً پایان یافت (<http://www.mohsenifoundation.org/article/bastan-shenasi-e-jang>).

سرپل ذهاب در طول جنگ بیش از ۵۰ بار هدف آتش توپخانه و بمباران هواپیماهای ارتش عراق قرار گرفت که ۱۱۲ تن شهید و ۳۶۹ تن مجروح شدند.

در اثر جنگ تحمیلی ۶۵۰۰ واحد شهری و ۲۱۲ روستا با ۸۰۰۰ واحد روستایی تخریب و با ۷۹۷۶ فقره خسارت کشاورزی وارد شد (<http://www.bazideraz1404.ir/node/130118>).

در این پژوهش روستاهای مورد مطالعه (زرینجوب، دستک‌علیا، سراپله و تپه رش کلاشی) واقع در دهستان حومه سرپل بخش مرکزی شهرستان سرپل ذهاب قرار گرفته‌اند. شکل ذیل موقعیت منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد:



شکل ۲. موقعیت روستاهای مورد مطالعه

روش پژوهش

تحقیق، توصیفی - پیمایشی از نوع کاربردی است. جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسناد کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی و پرسشنامه بوده است که براساس سبک‌های مدیریتی و رهبری لیکرت، تدوین و اجرا شده است که در واقع هشت شاخص سازمانی در طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری حدود ۱۵۰ نفر از مهاجران روستایی بازگشتی (زرینجوب، دستک‌علیا، سرابله و تپه رش کلاشی) در شهرستان سرپل‌ذهاب بودند. از آنجا که تعداد محدود بود، کل جامعه آماری به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد. پرسشنامه دربردارنده ۲۳ سؤال بود که پایایی آن ۰/۸۱ با آلفای کرونباخ به‌دست آمد و روایی سنجی از سوی چندین نفر از متخصصان دانشگاهی صورت گرفت و هم‌چنین ضریب همبستگی پیرسون تدوین و اجرا شد. برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از نظر شاخص مدیریت، طبق نظر لیکرت به بررسی چهار ویژگی (طی چهار سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل به این صورت است: تعداد پاسخ‌دهنده ضربه‌در امتیاز شده و تمام چهار گزینه با یکدیگر جمع و بر تعداد پاسخگو تقسیم می‌شود.

جدول ۲. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده از لحاظ شاخص مدیریت

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۰/۹۷۸	۳/۵۰	۳/۴	۷	۲۵/۴	۴۰/۸	۲۳/۴	اعتماد مسئولان به مهاجران
۰/۹۹	۳/۸۵	۴/۵	۹/۳	۲۹/۶	۴۴/۲	۱۲/۴	اعتماد مهاجران به مسئولان
۱/۰۷	۳/۸۸	۳/۱	۷/۳	۱۷/۵	۴۶/۵	۲۵/۶	رفتار حامیان مسئولان با مهاجران
۱/۰۸	۳/۵۶	۴/۲	۸/۲	۱۴/۱	۴۱/۷	۳۱/۸	امکان بحث آزادانه با مسئولان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌گونه که از جدول شماره ۲ دریافت می‌شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر مدیریت، تمامی گویه‌ها دارای اهمیت زیاد و بسیار زیاد بوده است که این مسئله حاکی از اعتماد متقابل بین مهاجران و مسئولان در زمینه مورد پذیرش قرار گرفتن و در نتیجه در کارایی برنامه‌های اجرایی مربوط مؤثر خواهد بود. با توجه به نتایج برای چهار ویژگی نام‌برده شده به‌طور کلی پرسش‌شوندگان از نظر شاخص مدیریت، مسئولان خود را با میانگین ۲/۵۵، مطابق با سبک سه لیکرت و بسیار متمایل به سبک دو لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولان از نظر شاخص مدیریت، سبک مشورتی و بسیار متمایل به سبک آمرانه - خیرخواهانه است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص انگیزش با کدام یک از سبکهای مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی به مناطق جنگزده از نظر شاخص انگیزش طبق نظر لیکرت به بررسی هشت ویژگی (طی هشت سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است.

جدول ۳. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص انگیزش

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۰/۹۹	۳/۶۱	۱۸/۹	۲۹/۳	۳۲/۱	۱۵/۸	۳/۹	میزان ایجاد انگیزه
۱/۰۱	۳/۶۲	۳/۷	۷/۳	۳۲/۱	۳۸	۱۸/۹	ایجاد انگیزه توسط تشویق
۱/۰۶	۳/۵۳	۳/۱	۱۰/۱	۲۸/۲	۳۸/۳	۲۰/۳	ایجاد انگیزه توسط تنوع
۱/۱۲	۳/۷۶	۶/۲	۸/۲	۳۱/۶	۳۳/۸	۲۰/۳	گرایش مطلوب مهاجران به زندگی
۱/۱۹	۳/۹۲	۴/۵	۷/۶	۲۰/۶	۴۱/۱	۲۶/۲	احساس شوق در مهاجران
۱/۰۱	۳/۴۷	۴/۵	۹/۹	۱۰/۴	۳۸/۶	۳۶/۲	گرایش دوستانه مهاجران به مسئولان
۰/۹۹	۳/۵۰	۵/۹	۱۲/۷	۲۴/۸	۳۵/۸	۲۰/۸	گرایش نامطلوب به مسئولان به دلایل مختلف
۱/۱۳	۳/۵۲	۷/۹	۱۰/۱	۲۹/۳	۳۷/۷	۱۴/۹	رضایت از عوامل اجرایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌گونه که از جدول شماره ۳ دریافت می‌شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر انگیزش، بیشتر گویه‌ها دارای اهمیت زیاد و کم بوده که این مسئله حاکی از وجود انگیزه در مهاجران و تلاش مسئولان در ایجاد انگیزه بیشتر بین مهاجران است. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود با توجه به نتایج هشت ویژگی نام برده شده به‌طور کلی پرسش‌شوندگان از نظر شاخص انگیزش، مسئولان خود را با میانگین ۳/۴۷، مطابق با سبک دو لیکرت و بسیار متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولین از نظر شاخص انگیزش سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی بسیار متمایل است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص برخورد - نفوذ با کدام یک از سبکهای مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص نفوذ، طبق نظر لیکرت به بررسی سه ویژگی (طی سه سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است.

جدول ۴. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص برخورد - نفوذ

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۱/۱	۳/۴۲	۸/۲	۱۶/۹	۱۸/۶	۴۶/۶	۹/۹	میزان همکاری با مسئولان
۱/۱۱	۳/۳۲	۵/۴	۵/۶	۲۰/۸	۴۷/۹	۲۰/۲	میزان نفوذ مسئولان
۱/۰۲	۳/۷۲	۵/۱	۵/۹	۱۸/۹	۴۳/۷	۶۵/۵	میزان اثرگذاری مهاجران به مسئولان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌گونه که از جدول شماره ۴ دریافت می‌شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر برخورد و نفوذ، تمامی گویه‌ها دارای اهمیت زیاد و بسیار زیاد بوده که این مسئله حاکی از میزان همکاری متقابل بین مهاجران و مسئولان است و موجب می‌شود تا مدیران روستایی برای رسیدن به اهداف انگیزه پیدا کنند. با توجه به نتایج سه ویژگی که نام برده شد به‌طور کلی مهاجران بازگشتی از نظر شاخص برخورد - نفوذ مسئولان خود را با میانگین ۲/۴۱ مطابق با سبک دو لیکرت و متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت مسئولان از نظر شاخص برخورد - نفوذ، سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی متمایل است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص تصمیم‌گیری با کدام یک از سبک‌های مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی از نظر شاخص تصمیم‌گیری طبق نظر لیکرت به بررسی پنج ویژگی (طبق ۵ سؤال از پرسشنامه) پرداخته شده است.

جدول ۵. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص تصمیم‌گیری

انحراف معیار	میانگین	درصد					گویه‌ها
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد	بسیار زیاد	
۱/۰۵	۳/۸	۳۵/۲	۲۹	۲۳/۱	۷/۹	۴/۸	میزان تصمیم‌گیری مهاجران در انتخاب شیوه‌های برخوردی خود برای مسئولان
۱/۱۴	۲/۱۸	۳/۹	۱۴/۶	۳۲/۴	۳۲/۴	۱۶/۶	وجود اطلاعات صحیح چگونگی تصمیم‌گیری در انتخاب چگونگی برخورد
۱/۰۵	۳/۴۳	۴/۵	۹	۳۱/۸	۳۷/۷	۱۶/۹	آگاهی تصمیم‌گیران با مشکلات در زمینه برخورد با مهاجران
۱/۰۲	۳/۵۳	۶/۸	۱۲/۱	۲۹/۳	۳۵/۵	۱۶/۳	استفاده از دانش و تجربه در تصمیم‌گیری
۱/۱	۳/۴۲	۵/۹	۸/۷	۲۳/۹	۳۷/۵	۲۳/۶	تصمیم‌گیری دانشی و عاقلانه مسئولان در مورد کارشان در زمینه مهاجران

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان گونه که از جدول شماره ۵ دریافت می شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر شاخص تصمیم گیری، بیشتر گویه ها دارای اهمیت زیاد و کم بوده است که نشان دهنده استفاده کم از تجربه و دانش مهاجران بود و بیشتر تصمیم گیریها توسط مسئولان صورت می گیرد. با توجه به نتایج پنج ویژگی که نام برده شد به طور کلی مهاجران بازگشتی از نظر شاخص تصمیم گیری مسئولان خود را با میانگین ۱/۶۸ مطابق با دو سبک لیکرت ارزیابی کرده اند؛ یعنی مسئولان از نظر شاخص تصمیم گیری سبک آمرانه - خیرخواهانه است.

شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش با کدام یک از سبکهای چهارگانه مدیریت لیکرت مطابقت دارد؟

برای سنجش شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، طبق نظر لیکرت به بررسی سه ویژگی طی سه سؤال از پرسشنامه پرداخته شده است.

جدول ۶. شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده از لحاظ شاخص اهداف اجرایی و آموزش

انحراف معیار	میانگین	درصد				گویه ها	
		هیچ	خیلی کم	کم	زیاد		
۱/۱۱	۳/۶۴	۴/۸	۱۰/۱	۱۶/۳	۳۵/۵	۳۲/۲	پیگیری اهداف اجرایی مؤثر
۱/۱۴	۳/۸۲	۸/۵	۱۵/۸	۱۸/۹	۴۰/۳	۱۶/۶	بهره گیری از آموزشهای مورد نیاز
۱/۱۸	۳/۴	۸/۵	۱۱/۳	۲۶/۸	۳۶/۹	۱۶/۶	وجود منابع آموزشی مناسب

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۷

همان گونه که از جدول شماره ۶ دریافت می شود در زمینه شیوه برخورد با مهاجران از نظر اهداف اجرایی و آموزشی، بیشتر گویه ها دارای اهمیت زیاد و کم بوده است. به طور کلی مهاجران بازگشتی از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش مسئولان خود را با میانگین ۲/۳۱ مطابق با سبک دو لیکرت و تا حدودی متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده اند؛ یعنی مدیریت مسئولین از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و تا حدودی به سبک مشورتی متمایل است.

بنابراین به طور کلی باید بیان کرد که از سنجش پنج شاخص مورد بررسی هیچ کدام در جایگاه ۳ یا بیشتر قرار نداشت و بیشتر بین ۲ تا ۳ و یک مورد یعنی تصمیم گیری از ۲ کمتر است؛ بنابراین نتایج مشخص می کند که سبک و چگونگی مدیریت آن در ابعاد مختلف باید بر کار مسئولان و برخورد با مهاجران بازگشتی حاکم باشد و همواره به نظر می رسد که در پایان هر اقدام مؤثر

برخوردی از نظر مهاجران در جهت بهبود چگونگی اجرا و تأثیرگذاری مؤثرتر در سالهای آینده استفاده شود تا بتوان ضرایب شاخصها را بالاتر کشاند و از آن به منظور بهبود کارایی گام برداشت و بتوان از قسمت آمرانه به سمت مشارکت حرکت مداومی کرد و بتوان شاخصهای خیرخواهانه و مشورتی را به کار بست تا به قسمت مشارکت در مباحث پیش رویم و از نظر مهاجران استفاده بهینه را برد؛ چرا که توجه به مهاجران و تأثیرگذاری بر مهاجران یکی از مهمترین عوامل پایداری هر جامعه و هر مبحثی است.

بین شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت همه جانبه مهاجران چه رابطه‌ای هست؟

برای پاسخ به این پرسش یعنی چگونگی ارتباط بین دو متغیر سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران از آزمون همبستگی استفاده شده و به دلیل اینکه هر دو متغیر کمی است، آزمون همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۷. ارتباط بین شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت روحی - معنوی مهاجران

		سبک مسئولان	رضایت مهاجران
شیوه برخورد با مهاجران	همبستگی پیرسون	۱	۰/۶۴۵
	سطح معناداری	-	۰/۰۰۱
	تعداد	۱۵۰	۱۵۰
رضایت مهاجران	همبستگی پیرسون	۰/۶۴۵	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۱	-
	تعداد	۱۵۰	۱۵۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

همان‌طور که در جدول نشان داده شده است در بررسی ارتباط بین سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران، ضریب همبستگی پیرسون با عدد ۰/۶۴۵ برابر است. وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۶۴۵ نشاندهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است؛ به عبارت دیگر بین میزان سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران ارتباط مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، بیانگر این است که همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران، معنی‌دار است؛ بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران همبستگی وجود دارد.

نتیجه گیری

از مسائل مهم در دوران بعد از فاجعه‌ها از جمله جنگها، مسئله بازسازی ویرانیه‌ها و هم‌چنین برپایی حیات اجتماعی در جامعه آسیب‌دیده است و اینکه چگونه می‌توان زمینه بازگشت مهاجران را به این مناطق جنگ‌زده فراهم کرد. یکی از عوامل اثرگذار بر تشویق مهاجران روستایی به بازگشت به مناطق جنگ‌زده، پرداختن به بررسی نقش مدیریت روستایی در این زمینه است. جنگ تحمیلی عوارض بسیار زیادی را بر کشور بویژه نواحی مرزی کشور وارد کرد که این امر سبب مهاجرت‌های گسترده‌ای از سطح شهرها و روستاهای شهرستانهای مرزی کشور شد. در سالهای اخیر، اقدامات بسیار زیادی برای بازگشت مهاجران به خانه‌ها و شهرها و روستاهای خود شده است که این امر نیازمند بررسی کلی برای بازگرداندن مهاجران بوده که یکی از این عوامل شوق و انگیزه بین مهاجران برای بازگشت است. یکی از الگوهای مورد بررسی به منظور بازگشت مهاجران، که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و به شاخه مدیریت برخورد و تعامل برمی‌گردد، شاخصهای هشت گزینیه‌ای لیکرت است.

براساس نتایج تحلیل پرسشنامه‌ها می‌توان گفت نخستین شاخص بررسی‌شده در پژوهش، شاخص مدیریت بود که مهاجران بازگشتی جنگ‌زده شهرستان سرپل‌ذهاب سبک مدیریت روستایی مسئولان خود را با میانگین ۲/۵۵، با سبک سه لیکرت و به سبک دو لیکرت بسیار متمایل ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولان از نظر شاخص مدیریت، سبک مشورتی و به سبک آمرانه - خیرخواهانه بسیار متمایل است. دومین شاخص، میزان انگیزش مهاجران بازگشتی است که به‌طور کلی با میانگین ۲/۴۷ مطابق با سبک دو لیکرت و بسیار متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی سبک و شیوه مسئولان از نظر شاخص انگیزش سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی بسیار متمایل است. سومین شاخص برخورد و نفوذ است که مهاجران بازگشتی سبک مدیریت روستایی مسئولان خود را با میانگین ۲/۴۱ مطابق با سبک دو لیکرت و متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت مسئولان از نظر شاخص برخورد - نفوذ، سبک آمرانه - خیرخواهانه و به سبک مشورتی متمایل است. شاخص چهارم تصمیم‌گیری است که مهاجران از نظر شاخص تصمیم‌گیری با میانگین ۱/۶۸ مطابق با دو سبک لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مسئولان از نظر شاخص تصمیم‌گیری سبک آمرانه - خیرخواهانه است. شاخص پنجم، اهداف اجرایی و آموزش مسئولان است که با میانگین ۲/۳۱ مطابق با سبک دو لیکرت و تا حدودی متمایل به سبک سه لیکرت ارزیابی کرده‌اند؛ یعنی مدیریت مسئولان از نظر شاخص اهداف اجرایی و آموزش، سبک آمرانه - خیرخواهانه و تا حدودی به سبک مشورتی متمایل است.

آخرین فرضیه این پژوهش، ارتباط سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگ‌زده و رضایت مهاجران است که در این بررسی ضریب همبستگی پیرسون برابر با عدد ۰/۶۴۵ است.

وجود ضریب همبستگی به میزان ۰/۶۴۵ نشاندهنده وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر این پژوهش است؛ به عبارت دیگر بین میزان سبک و شیوه برخورد با مهاجران بازگشتی مناطق جنگزده و رضایت مهاجران ارتباط مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱، بیانگر این است که همبستگی بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران، معنی‌دار است؛ بنابراین با احتمال ۹۹ درصد می‌توان گفت بین دو متغیر شیوه برخورد با مهاجران و رضایت مهاجران همبستگی وجود دارد. بنابراین نتایج پژوهش نشاندهنده این بود که سبک مدیریت و چگونگی مدیریت آنها در ابعاد مختلف باید بر کار مسئولان و برخورد با مهاجران بازگشتی به مناطق جنگزده حاکم باشد و همواره به نظر می‌رسد که در پایان هر اقدام مؤثر برخوردی از نظر مهاجران بازگشتی به منظور بهبود چگونگی اجرا و تأثیرگذاری عمیقتر در سالهای آینده استفاده شود تا بتوان ضرایب شاخصها را بالاتر برد و از آن به منظور بهبود کارایی گام برداشت و بتوان از قسمت آمرانه به سمت مشارکت حرکت مداومی کرد و بتوان شاخصهای خیرخواهانه و مشورتی را به کار بست تا به قسمت مشارکت در مباحث پیش رویم و از نظر مهاجران استفاده بهینه را برد؛ چرا که توجه به آنان و تأثیرگذاری بر مهاجران یکی از مهمترین عوامل پایداری هر جامعه و هر مبحثی است؛ بنابراین باید شاخصهای تصمیم‌گیری و نیز اجرایی و آموزشی بهبود یابد تا بتواند ایجاد انگیزه، و زمینه بازگشت مهاجران را فراهم کند. البته شاخص انگیزش و پیامد و ابعاد آن نیز بسیار مهم است که این عوامل باید شناسایی شود تا زمینه تشویق بازگشت مهاجران را فراهم سازد.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سیداحمد؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۸۷). نقش و اثرات انجمن‌های زادگاهی بر توسعه روستایی روستای دربان. *مجله جامعه‌شناسی معاصر*. ش ۱.
۲. احمدی‌شاپورآبادی، محمدعلی؛ تقدیسی، احمد (۱۳۹۱). مهاجرت و سالخوردگی جمعیت روستایی ایران: چالشی فراروی توسعه پایدار روستایی. *تحقیقات جغرافیایی*. دوره ۲۷. ش ۱. پیاپی ۱۰۴.
۳. افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین (۱۳۸۱). دهیاری‌ها و مدیریت توسعه پایدار روستا، *مجله دهیاری‌ها*. س اول. ش ۲.
۴. اکبری، غضنفر؛ عبدالهی، مجید (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری*. تهران: انتشارات قلمستان هنر.
۵. امین‌صارمی، نودر (۱۳۷۷). جنگ، مهاجرت تحمیلی و سامان فرهنگی. نامه پژوهش. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ویژه دفاع مقدس*. س سوم. ش ۹.
۶. الوانی، مهدی (۱۳۷۷). *مدیریت عمومی*. تهران: نشر نی.

۷. بزی، خدارحم، هدایتی (۱۳۸۹). صلاح، روند تحولات مدیریت روستا در ایران با تأکید بر عملکرد شوراهای اسلامی مطالعه موردی منطقه سیستان. **فصلنامه روستا و توسعه**. س ۱۳. ش ۳.
۸. بدری، سیدعلی (۱۳۸۸). مدیریت نوین روستایی. تهران: مؤسسه فرهنگی اشتیاق.
۹. حیدری فر، محمدرئوف؛ رضایی، ناصر (۱۳۹۳). نیازمندیهای امنیتی و مطالبات استان کرمانشاه در جهت بهبود کنترل مرز. **مجله سپهر**. دوره بیست و سوم. ش ۸۹.
۱۰. حقیقی، محمدعلی (۱۳۷۸). **نظریه‌های مدیریت، اصول، مبانی، فرایند**. تهران: نشر نقش مهر.
۱۱. دربا آستانه، علی‌رضا (۱۳۸۹). مدیریت روستایی در برنامه چهارم. **مجله دهیاری**. س سوم. ش ۱۵.
۱۲. دانشور کاخکی، محمود؛ عاقل، حسن؛ هاتف، حکیمه؛ سروری، علی‌اکبر (۱۳۸۸). نقش مدیریت در عملکرد شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان خراسان رضوی. **فصلنامه روستا و توسعه**. دوره ۱۲. ش ۴.
۱۳. دریاباری، جمال‌الدین. (۱۳۸۶). بررسی پدیده مهاجرت و بازگشت جمعیت در مناطق جنگزده استان خوزستان. **فصلنامه جمعیت**. ش ۶۱.
۱۴. رستمعلی زاده، ولی‌الله؛ قاسمی‌اردهالی، علی (۱۳۹۱). آثار و پیامدهای جمعیتی - اجتماعی مهاجرت‌های جنگ تحمیلی در جامعه ایران. **پژوهشنامه دفاع مقدس**. س اول. ش ۲.
۱۵. رضائیان، علی (۱۳۹۱). **اصول مدیریت**. چ دوم. تهران: انتشارات سمت.
۱۶. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**. تهران: قومس.
۱۷. روزنامه کیهان. **مناطق جنگزده**. ش ۱۱۶۴۵. مرداد ماه ۱۳۶۱.
۱۸. زنجانی، حبیب‌اله (۱۳۸۰). **مهاجرت**. تهران: انتشارات سمت.
۱۹. صابری فر، رستم (۱۳۸۱). سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی و برنامه‌ریزی روستایی، **سپهر**. دوره یازدهم. ش ۴۱.
۲۰. طالب، مهدی (۱۳۷۷). شورای اسلامی روستایی: کارکردها، تنگناها. **مسکن و انقلاب**. ش ۸۴.
۲۱. طالب، مهدی (۱۳۷۵). **مدیریت روستایی در ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
۲۲. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰). تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی - شهری. **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**. ش ۶۲.
۲۳. علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۸). **تدوین الگوی مشارکت شهروندان در امور شهرها**. تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۴. فیروزنیا، قدیر؛ جاسمی، الهام؛ قرنی‌آرانی، بهروز (۱۳۹۵). تأثیر جنگ تحمیلی بر روند رشد و توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین. **مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی چشم‌انداز جغرافیایی**. دوره ۱۱. ش ۳۷.
۲۵. فیروزنیا، قدیر؛ افتخاری، عبدالرضارکن‌الدین (۱۳۹۲). تحلیل تداوم کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین. **فصلنامه فضای جغرافیایی**. س سیزدهم. ش ۴۱. بهار.

۲۶. قدیری معصوم، مجتبی؛ ریاحی، وحید (۱۳۸۳). بررسی محورها و چالشهای مدیریت روستایی در ایران. فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی. ش ۵۰.
۲۷. مجله جهاد، اشاره‌ای کوتاه به شیوه ترمیم روستاهای جنگزده (بازسازی یا نوسازی). ش ۳۶. مرداد ماه ۱۳۶۱.
۲۸. نرگسی قاسمی، حسین؛ استعلاجی، علیرضا؛ فلاح‌تبار، نصرالله (۱۳۹۶). بررسی میزان رضایت روستائیان از عملکرد مدیران محلی در شهرستان صومعه‌سرا. فصلنامه جغرافیای برنامه‌ریزی منطقه‌ای. س هفتم. ش ۲. بهار.
۲۹. نعمتی، سیدمرتضی؛ بدری، سیدعلی (۱۳۸۶). ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی، مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ - مطالعه موردی: استان گلستان. مجله پژوهشهای جغرافیایی. ش ۵۹.
۳۰. لشنی‌پارسا، روح‌الله (۱۳۸۵). ارزیابی اثربخشی عملکرد دهیاری‌های شهرستان بروجرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- 31- Coates, B. E., Johnston, R. J. and Knox, P. L. (1977) Geography and inequality, Oxford University Press, London, 56(2) pp.238-259.
- 32- Cleavar Kevin,(1997), Rural development strategies, for poverty reduction and environmental production in sub- sahran Africa,the world Bank Washington DC.
- 33- Lau, C. and Ngo, H. (2004) The HR system, organizational culture, and product innovation. International Business Review 13(6): 685-703
- 34- Mosley, M, (2003), Sustainable rural development: The role of community involvement and local partnership.
- 35- Sriram, M.S, (2007), Rural management education in India: A retrospect, Indian Institute of Management Ahmedabad
- 36- Whyte, w. *the social life of small urban spaces*, Washington, D.C: The conservation foundation. 1980
- 37- Yarwood, R, (2002), Parish councils, partnership and governance: the development of exceptions housing in the englan, journal of rural studies, 18, pp. 275-291.
- 38- <http://www.mohsenifoundation.org/article/bastan-shenasi-e-jang/>
- 39- <http://www.bazideraz1404.ir/node/130118>

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵: ۶۷-۸۵

مروری بر ادبیات پایداری در کتابهای ادبیات دوره متوسطه دوم

غلامرضا شهسواری^۱، زیبا خوارزمی^۲

۱. کارشناسی ارشد ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد

(دریافت: ۹۷/۰۲/۰۳، پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۰)

چکیده

ادبیات پایداری، یکی از مهمترین گرایشهای ادبیات در جهان امروز و مدرن است که در دو سده اخیر رمانها و اشعار فراوانی را پدید آورده است. این نوع ادبیات به عنوان ادبیات متعهد در بیداری انسان قرن حاضر سهم بسزایی ایفا کرده است و از آن جا که هدف مهم انقلاب اسلامی ایران، آگاهی و بیداری مردم مسلمان کشورمان و جهان است. این نوع ادبیات در ایران موضوع بسیاری از سروده‌ها و نوشته‌ها است و خوشبختانه در کتابهای ادبیات دوره متوسطه آموزش و پرورش جایگاه خاصی دارد. در این مقاله درسهایی که جنبه پایداری آن برجسته بوده است و یا تحت عنوان ادبیات پایداری در متن کتاب آمده از کتاب ادبیات اول متوسطه و دوم و سوم عمومی و انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین تمام دروس ادبیات پایداری با توجه به اهداف آن تحلیل شده و قدرت تأثیرگذاری این دروس از نظر توانایی در تعیین و تفهیم اهداف ادبیات پایداری بررسی، و با توجه به فنون و نکات ادبی به ارزشگذاری هنری و ادبی دروس پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: ادبیات، ادبیات مقاومت، کتابهای درسی ادبیات فارسی دوره متوسطه.

مقدمه

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ (نساء/ ۱۴۸).

خداوند بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد مگر از آن کس که به وی ستم شده باشد. تاریخ ایران و جهان مشحون از دل‌آوریها، رشادتها، ایستادگیها و جانبازیهای قهرمانانی است که برای دفاع از مردم سامان خویش در برابر مستبدان داخلی و متجاوزان خارجی از خود نشان داده‌اند. عمل انسانی آنها باعث رهایی سرزمین از جور جائران و ویرانگری بیگانه‌ها شده و چه بسا وحدت ملی را پدید آورده است. بنابراین چنین کسانی در دل و دیده مردم جای دارند و آحاد ملت همواره آنها را ستایش کرده است. آرش و رستم در اساطیر ایران، آریوبرزن، جلال‌الدین خوارزمشاه، ستارخان و باقرخان، رئیسعلی دلواری، امام خمینی و جوانان انقلابی و رزمندگان در تاریخ ایران و آشیل در اساطیر یونان، ژاندارک، زاپاتا، عمر مختار و ماندلا در تاریخ جهان، نمونه‌هایی هستند که به طرفداری از مردم خویش در برابر مستبدان داخلی و متجاوزان و استعمارگران خارجی قیام کردند و در زبان و بیان مردم خویش ستایش شده‌اند. افزون بر ستایش رهبران، تمام مسائلی که حول محور این جریان پدید آمده به آفرینش گونه‌ای از ادبیات منجر شده که به ادبیات پایداری یا ادب مقاومت مشهور است.

ایران از زمان پیروزی انقلاب تاکنون با مسائلی روبه‌رو بوده که برای بیان آنها زبان و بیان ویژه‌ای نیاز بوده است. رهبری امام، مبارزات انقلابی، شهادت جوانان برای به ثمر نشاندن انقلاب، ترور شخصیت‌های انقلابی، جنگ تحمیلی هشت ساله، شهادت رزمندگان، اسارت و جانبازی جوانان، بمباران شهرها و فداکاری مردم از مسائل پراهمیتی است که شاعران و نویسندگان معاصر را وادار کرده است تا درباره آنها آثار ماندگاری پدید آورند؛ این دسته از آثار در حوزه ادبیات پایداری جای می‌گیرد.

ادبیات پایداری از گرایشهای مهم ادبی در سطح جهان است که در دو قرن اخیر از نهضتها و انقلابها و جریانهای سیاسی و اجتماعی پدید آمد و در میان ملل ستمدیده جایگاهی خاص پیدا کرد. نمونه‌های درخشان آثار ادبیات پایداری را می‌توان در مبارزات سیاهان امریکا علیه نظام برده‌داری، انقلاب اکتبر (۱۹۱۷) روسیه، خیزش عظیم مردمی علیه فرانکو، مستبد مشهور اسپانیا در نیمه دوم دهه (۱۹۳۰)، جنگ جهانی اول و دوم، انقلاب شیلی، مبارزات مردم ستمدیده فلسطین علیه صهیونیسم غاصب، انقلاب بهمن (۱۳۵۷) و دفاع مقدس کشورمان مشاهده کرد. هدف مهم این نوع ادبیات برانگیختن حس مقاومت و پایداری و مبارزه علیه رفتار غیرانسانی هیأت حاکم یا دشمن متجاوز است و از طرفی حس انساندوستی و برادری و اتحاد را ترویج می‌دهد و بیداری و آگاهی مردم جامعه را نسبت به ستمی فزونی می‌بخشد که به آنها رفته است. ادبیات پایداری از جمله مقوله‌هایی است که در کتابهای ادبیات متوسطه جایگاه ویژه‌ای دارد و

حجم قابل توجهی از دروس به آن اختصاص یافته است. مؤلفه‌ها و اهداف این نوع ادبیات در قالب شعر و داستان بیان شده است. این مقاله به بازتاب این مؤلفه‌ها در این کتابها می‌پردازد.

بیان مسئله

از مهمترین اهداف آموزش و پرورش در کتابهای درسی، نخست تبلور و سپس نهادینه کردن ارزشهای معنوی و فرهنگی انقلاب اسلامی و دستاوردهای افتخارآمیز دفاع مقدس است که با مفاهیمی چون آزادی، مبارزه، شهادت، آزادگی، جانبازی و فداکاری همراه است. درس ادبیات فارسی مهمترین درسی است که همواره این مفاهیم را در زیباترین و دلنشین‌ترین شکل به مخاطبان خود نشان داده است. بنابراین ادبیات پایداری ایران و جهان در کتابهای ادبی دوره متوسطه، فصولی را به خود اختصاص داده است که در این مقاله به بازتاب عناصر و مؤلفه‌های آن در این کتابها پرداخته می‌شود. نویسنده مقاله با بررسیهای خود می‌کوشد به دو پرسش ذیل پاسخ دهد:

سؤال اصلی

۱. کتابهای ادبیات فارسی دوره متوسطه بر کدام عناصر ادبیات پایداری تاکید می‌ورزد؟

سؤال فرعی

۲. آیا این عناصر بدرستی در درسهای مربوط بازتاب یافته است؟

پیشینه تحقیق

با اینکه در زمینه شناخت و نقد و بررسی ادبیات پایداری ایران و جهان مقالات فراوانی در سالیان دور و نزدیک انتشار یافته است، کمتر نوشته‌ای را می‌توان یافت که در زمینه موضوع این مقاله باشد. در بررسیها دو مقاله ذیل در این زمینه در خور یادآوری است:

در مقاله «مؤلفه‌های پایداری با تکیه بر مبارزه با نفس در کتابهای درسی» نویسنده از دیدگاه دینی بازتاب مبارزه با هوای نفس در مؤلفه‌های ادبیات پایداری بویژه ایستادگی در برابر ظلم و ظالم و متجاوز را بررسی کرده است و با توجه به رفتار بزرگانی چون امام خمینی، جهاد درونی و بیرونی را همراه می‌داند که باید در دروس مرتبط با ادبیات پایداری منعکس شود تا دانش‌آموز به این نکته مهم پی ببرد؛ اما با وجود درصد قابل توجهی از حجم کتابهای ادبی به این موضوع، کمتر به جهاد اکبر در این مؤلفه‌ها پرداخته شده است (علی‌نژاد محمدآبادی، ۱۳۸۹: ۴۲۶ و ۴۲۵).

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل محتوای کتابهای درسی «دینی» و «ادبیات فارسی» دوره متوسطه براساس مؤلفه‌های دفاع مقدس» شش مؤلفه دفاع مقدس را به ترتیب «اقتدار سیاسی، تعاون، پیام عاشورا، ایثار و شهادت، پایداری و صفات متعالی» در کتابهای ادبیات فارسی و دینی بررسی کرده و پس از تحلیل محتوای کمی به این نتیجه رسیده است که در این کتابها به مؤلفه اقتدار سیاسی، پایداری و ایثار و شهادت توجه کمتری شده در حالی که به صفات متعالی و پیام عاشورا بیشتر توجه شده است (رضوی، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

روش تحقیق

این مقاله بر روش کتابخانه‌ای، اسنادی و تحلیلی مبتنی است که در آن تنها دروسی از کتابهای ادبیات فارسی دوره متوسطه مورد بررسی قرار گرفته است که عناصر ادبیات پایداری در آنها وجود دارد و سعی شده است این دروس در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری بررسی شود. قلمرو زبانی مبین لحن و بیان و کاربرد واژگان و عبارات و قلمرو ادبی متضمن آرایه‌ها و صنایع و زیباییهای ادبی و قلمرو فکری نشاندهنده پیام، محتوا و اندیشه‌های این دروس است. به دلیل اینکه بیشتر قلمرو ادبی و آرایه‌های ادبی باعث زیبایی‌آفرینی در متون مورد بحث شده است، این قلمرو بیش از آن دو قلمرو دیگر در تحلیل بازتاب مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

محدوده پژوهش

محدوده پژوهش دروسی از کتابهای ادبیات متوسطه را دربرمی‌گیرد که مؤلفه‌های ادبیات پایداری دارد. ممکن است این دروس یک یا چند مؤلفه را داشته باشد. لزوماً دروس فصل ادبیات پایداری این کتابها تحلیل نشده بلکه دروسی از فصلهای دیگر بررسی شده که دربردارنده مؤلفه‌ها و اهداف این نوع ادبیات است.

ادبیات پایداری

با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و سه دهه از پایان جنگ تحمیلی با وجود اجماعی که در مفهوم ادبیات پایداری پدید آمده است در تعریف آن اختلاف نظر فراوانی به چشم می‌خورد. «در واقع هر یک از صاحب‌نظران براساس سلیقه و نوع نگاه خویش بر وجهی از وجوه این شاخه از ادبیات بیشتر تأکید می‌کنند» (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۱۱).

ادبیات پایداری شامل سروده‌ها و نوشته‌هایی است که به دردهای انسانی در یک دوره مشخص

از دید اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌پردازد و با تصویرسازیهای ادبی سعی می‌کند ظلم و ستم، بی‌عدالتی و خشم، خشونت و کشتار، مفساد اجتماعی و حکومتی را برای مخاطب مجسم سازد. شاعران و نویسندگان، دردها، رنجها، مبارزات و پایداری آحاد ملت را در سروده‌ها و داستانهای خود به شکل هنری عرضه می‌کنند تا حرکت مقدس انقلاب و دفاع بر دیگران تأثیر بسزایی گذارد و آنها را به انسانی شدن و انسانی دیگر شدن تشویق کند. بنابراین ادبیات را در خدمت تعالی انسان و انسان متعالی درمی‌آورد و به شعر و داستان آبرو می‌بخشد (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۷).

«عنوان ادب پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر زمینه‌هایی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادیهای فردی و اجتماعی، قانونگریزی و قانون‌ستیزی، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند» (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵).

اشعار نزارقباتی، شاعر معروف سوریه، محمود درویش و غسان کنفانی، شاعران شهیر نهضت مقاومت فلسطین، خانم بیچراستو، نویسنده رمان معروف کلبه عموتم، لورکا، شاعر اسپانیایی پابلونودا، شاعر اهل شیلی و گروه بسیاری از شاعران و نویسندگان انقلاب و دفاع مقدس مردم ایران نظیر قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، حمید سبزواری، سیدمهدی شجاعی، محمود گل‌ابدره‌ای، میثاق امیرفجر، احمدرضا عزیزی، علی معلم دامغانی و سهیل محمودی در زمینه ادبیات پایداری شایان ذکر است.

مؤلفه‌های ادبیات پایداری

مؤلفه‌های ادبیات پایداری در بیشتر موارد در قلمرو فکری و محتوایی، خود را آشکار می‌کند و شاعران و نویسندگان آنها را به کمک آرایه‌های ادبی، شکلی هنری می‌بخشند تا تأثیر آنها را بر خواننده و شنونده دوچندان کنند. در چپستی و تعداد این مؤلفه‌ها آرای فراوانی وجود دارد. برخی تعداد آنها را سه مؤلفه کلی می‌دانند: «۱. پایداری در برابر دشمن خارجی ۲. پایداری در برابر دشمن داخلی و نابرابریهای جامعه ۳. پایداری در برابر نفس» (صهبا، ۱۳۸۴: ۳۱۳) و گروهی دیگر کشمکش انسان با خود و کشمکش او را با بیرون مؤلفه‌های اصلی ادبیات پایداری می‌دانند (امیری خراسانی و هدایتی، ۱۳۹۳: ۳۳) و دسته‌ای دیگر آنها را این‌گونه برمی‌شمارند: «عشق به سرزمین مادری، صلح‌جویی، ستم‌ستیزی، آزادیخواهی، ایجاد امید، اعتراض نسبت به فقر و فساد، دعوت به مبارزه، شهادت و...» (غنی‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

سیدابوطالب مظفری، شاعر مهاجر افغان در مصاحبه‌ای بر دو عنصر جهاد و هجرت در این نوع ادبیات تأکید می‌کند و اساس آن را اعتراض انسان در همه زمانها می‌داند (مظفری، ۱۳۷۳: ۸۷).

واصف باختری، مترجم و ادیب و شاعر دیگر افغان، اعتراض پاک و خالصانه شاعر را به حضور دشمن

در خاکش، مؤلفه اصلی ادب مقاومت می‌داند (باختری، ۱۳۷۳: ۷۵). سنگری مؤلفه‌هایی همچون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی و قانونگریزی را برای ادب پایداری معرفی می‌کند (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵). برخی دیگر به «مؤلفه‌های عمومی و جهانشمولی چون تأکید بر آزادی و برابری انسانها، پاسداشت ارزشهای عام انسانی و مراعات حقوق و تکالیف بین‌المللی» (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۱۴) نظر دارند.

مهمترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری در کتابهای ادبی دوره متوسطه عبارت است از «دعوت به مبارزه»، «ترسیم چهره بیدادگر»، «ستایش آزادی و آزادگی و آزادگان»، «نمودن افقهای روشن پیروزی»، «انعکاس مظلومیت مردم و بزرگداشت شهیدان راه آزادی» (ادبیات فارسی ۲، ۱۳۸۲: ۶۴) که در این مقاله، دروس براساس این اهداف با توجه به نکات ادبی آنها تحلیل می‌شود. چون مؤلفه‌های ادبیات پایداری در کتابهای مورد بحث دوره متوسطه با عنوان «مسائل» و «اهداف» ذکر شده است در این مقاله با همین عنوان یاد می‌شود؛ به سخن روشن در تحلیل دروس از آنها با عنوان مسائل یا اهداف ادبیات پایداری نام برده شده است.

– کتابهای ادبیات فارسی دوره متوسطه

این کتابها با عناوین ادبیات فارسی ۱، ۲، ۳، و پیش دانشگاهی (سال چهارم) در رشته ادبیات فارسی و علوم انسانی به ترتیب در طول دوره متوسطه به دانش‌آموز آموزش داده می‌شود. در هر کدام از این کتابها به استثنای کتاب پیش دانشگاهی بخشی با عنوان «ادبیات فارسی و ادبیات انقلاب اسلامی» وجود دارد که هدف آن آشنا کردن دانش‌آموز با مفاهیم و اهداف این نوع ادبیات و تفهیم ارزشهای والای انسانی آن است. جز در ادبیات فارسی ۲، که به ادبیات پایداری جهان اختصاص دارد، بقیه کتابها به جریان ادبیات پایداری انقلاب و جنگ تحمیلی و عاشورا می‌پردازد.

بحث

ادبیات فارسی ۱

در کتاب ادبیات فارسی سال اول، درس هشتم با عنوان «گل‌هایی که در نسیم آزادی می‌شکفت» از سیمین دانشور و شعر «خط خورشید» از قیصر امین‌پور، درس نهم با عنوان «دریادلان صف‌شکن» از سیدمرتضی آوینی و شعر «پاسخ» از محمدرضا عبدالملکیان در فصل ادبیات پایداری گنجانده شده است. در حالی که درس چهارم «میر علمدار»، درس هجدهم «مشروطه خالی» از علی‌اکبر دهخدا و غزل «ناله مرغ اسیر» از عارف قزوینی، درس نوزدهم «حاکم و فراشان» از سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ زین‌العابدین مراغه‌ای و شعر «مرغ گرفتار» از بهار و بویژه درس سیزدهم، شعر

چهارپاره «در امواج سند» از دکتر مهدی حمیدی رگه‌های قوی از ادبیات پایداری در خود دارد. در شعر «در امواج سند» بیش از هر درس دیگر دانش‌آموز، مفهوم وطن‌پرستی و دفاع از کیان وطن را می‌فهمد بویژه آخر شعر پس از توصیف دلاوری جلال‌الدین خوارزمشاهی، شاعر با قدرت بی‌نظیر پایداری از وطن را این‌گونه بیان می‌کند:

«بلی، آنان که از این پیش بودند چنین بستند راه ترک و تازی

از آن، این داستان گفتم که امروز بدانی قدر و بر هیچش نبازی»

(ادبیات ۱، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

این مسئله در تمام کتابهای ادبیات دوره متوسطه به چشم می‌خورد؛ مثلاً «آخرین درس» در کتاب ادبیات پیش دانشگاهی لبریز از مفاهیم پایداری است. «گل‌هایی که در نسیم آزادی می‌شکفت»، عنوان درس هشتم، خاطره‌نویسی‌های ادبی خانم دانشور است که درباره وقایع و اتفاقات و حرکت پرشور مردمی انقلاب اسلامی است. این نوشته‌ها در روزنامه کیهان ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است. با توجه به اهداف ششگانه‌ای که در این کتاب برای ادبیات آورده شده است، «نشاندن افق روشن پیروزی»، «ستایش آزادی و آزادگی» و «ترسیم مظلومیت مردم» در این درس جایگاه ویژه‌ای دارد.

در این نوشته از حرکت پرشور آحاد مردم در انقلاب سخن می‌رود. هنرمندان، جوانان، پیران، زنان باحجاب و بی‌حجاب و حتی اقلیت‌های دینی، فداکارانه در انقلاب اسلامی شرکت می‌کنند و همکاری و جانفشانی مردم نشان از «افق روشن پیروزی» در برابر حکومت وقت است:

«آن جمعه خونین دیگر (۱۷ شهریور) برای زخم‌ها یخ لازم بود. نزدیک‌های بیمارستان در خانه هم‌وطنی را زدم؛ خانم ارمنی بود؛ هر چه یخ در یخچال داشت، داد و یخچال را خالی کرد و از ظرف‌های آب پر کرد. گفت یخ که بست برایتان می‌آورم» (همان، ۶۱).

این درس بیش از هر درس دیگری می‌تواند برای دانش‌آموز «دفاع از وطن» و «چهره بیدادگر» را ترسیم کند.

هم‌چنین «ترسیم مظلومیت مردم» را در بیشتر بخش‌های این درس بروشنی می‌توان یافت:

«می‌گویند جلوی دانشگاه تهران، سی چهل نفر کشته شده‌اند و زخمی زیاد است. آمبولانسی آژیرکشان می‌آید و وارد بیمارستان می‌شود. پیرمردی، جوانی روی دوشش است، خودش رنگ به رو ندارد اما روی صورت جوان خون دلمه بسته» (همان، ۵۹).

«امیدوارم و دعا می‌کنم که گل‌های اندیشه و تفکر بر حق، خرمن خرمن بشکفتد و قانون اساسی بیاید برای اشاعه آزادی و عدالت و امنیت و تقوا و دانش» (همان، ۶۲).

از نظر ادبی درس «گل‌هایی که در نسیم آزادی می‌شکفتد» از کنایات عامیانه است:

«صورت جوانی که خونش - O است گل انداخته» (همان، ۶۰).

«مردمی که تمام عمر در لاک خودشان بوده‌اند» (همان، ۶۱).

«گلها» استعاره از جوانان انقلابی، «دیو سیاه شب» استعاره از حکومت مستبد پهلوی، «خون ریختن از کام خلق» تصویر جانفشانی جانفشان جوانان مبارز و «باد سحر» نماد پیک پیروزی زینت‌بخش این درس است.

شعر «خط خورشید» به‌عنوان بخش دوم درس هشتم از کتاب «مثل چشمه مثل رود» اثر شاعر معاصر مرحوم قیصر امین‌پور انتخاب شده است. در این شعر فضای تاریک قبل از انقلاب و بازگشت امام خمینی (ره) به ایران ترسیم شده است. قالب شعر، نونمایی است و «بیان بیدادگرها و تصویر چهره بیدادگران» و «ترسیم چهره مظلومیت مردم» به‌عنوان دو هدف مهم از اهداف ادبیات پایداری به کمک نمادهای ادبی و تشبیهات و استعاره‌ها به تصویر کشیده شده است. این نمادها به‌قدری قوی است که به شعر چهره‌ای کاملاً ادبی داده است. اگرچه ازدحام آنها در پی یکدیگر در یک بند شعر، فهم درس را برای دانش‌آموزان کمی دشوار کرده است:

«گرچه گاهی شهابی

مشق‌های شب آسمان را

زود خط می‌زد و محو می‌شد

باز در آن هوای مه‌آلود

پاک‌کن‌هایی از ابر تیره

خط خورشید را پاک می‌کرد» (همان، ۶۵).

«شب»، «خزان» و «هوای مه‌آلود» نماد دوره پر از ستم، «ابر تیره» نماد استبداد پهلوی، «ستاره» نماد امید، «شهاب» نماد مبارز انقلابی، «پاک‌کن‌ها» نماد مأموران ساواک، «خط خورشید» نماد راه روشن انقلاب، «دفتر آسمان»، «دل صفحه آسمان» اضافه تشبیهی، «خون خورشید» اضافه استعاری، «آسمان را ورق زد»، جمله کنایی و عبارت «اگرچه گاهی شهابی»، آرایه تشخیص در این درس است.

«دریادلان صف‌شکن» درس نهم از متن یکی از فیلمهای «روایت فتح» شهید سیدمرتضی آوینی انتخاب شده است. «دعوت به مبارزه» و «تحمل سختی‌ها و مشکلات آن» در جبهه و «ستایش آزادی و آزادگی رزمندگان» غیور از اهداف مهم این درس است. دانش‌آموز طی این نوشته در می‌یابد که «رمز پیروزی رزمندگان» در وحدت و همدلی و مبارزه مستمر و عشق و ایمان آنها است:

«بیا و ببین آن رزمنده، کشاورز است و این یک طلبه است و آن دیگری در یک مغازه گمنام در

یکی از خیابان‌های دور افتاده مشهد لیبیات فروشی دارد و به راستی آن چیست که همه ما را در

اینجا در این نخلستانها گرد آورده است تو خود جواب را می‌دانی: عشق» (همان، ۷۱).

شهید آوینی شرح و تفسیر جاننداری از ایثارگریهای رزمندگان و ایثارگران در این درس ارائه کرده است که به گونه‌ای اعجاب‌انگیز، دانش‌آموز تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد:

«تفنگ دوربین دارش نشان می‌دهد که تک‌تیرانداز است و آن آستین خالیش که با باد این سوی و آن سو می‌شود، نشانه مردانگی است. اینکه او به عهدی که با ابوالفضل (ع) بسته وفادار است؛ چیست آن عهد؟ «مبادا امام را تنها بگذاری» (همان، ۷۳).

جملات و اصطلاحاتی نظیر «بدر، حنین و عاشورا»، دعای فرج و توسل به حضرت زهرا (مرضیه‌س)» (همان، ۷۱)، «زائران کربلا» (همان، ۶۹) و «وقتی اسوه تو آن تمثیل وفاداری عباس‌بن‌علی (ع) باشد چه باک» (همان، ۷۳) به درس دریادلان صف‌شکن رنگ شیعی خاصی داده است که بسان شناسنامه این نوع ادبی نمایان شده است. اگرچه در این درس کمتر آرایه‌های ادبی چون تشبیه، استعاره و نماد را دارد در همان جملات اندک با سبک ویژه نویسنده، این آرایه‌ها برجستگی خاصی دارد:

«در زیر آن آتش شدید، بولدوزرچی جهاد خاکریز می‌زند. بر کوهی از آتش نشسته است و کوهی از خاک را جابه‌جا می‌کند (همان، ۷۰).

شعر نیمایی «پاسخ»، اثر محمدرضا عبدالملکیان تنها شعری است که در میان درسهای ادبیات پایداری دوره چهار ساله متوسطه در عین کوتاهی و سادگی از لحاظ ادبی و ارائه مفاهیم این نوع ادبی و ارتباط دانش‌آموز با آن قابل تحسین است.

این شعر لحظه وداع یک دانش‌آموز را با اعضای خانواده‌اش به زیبایی به تصویر می‌کشد و با یک پرسش آغاز می‌شود و با پاسخی زیبا تمام می‌یابد:

«تو چرا می‌جنگی؟

پسرم می‌پرسد ...

با تمام دل خود می‌گویم

تا چراغ از تو نگیرد دشمن» (همان، ۷۵).

شاعر هیئت رزمنده رهسپار جبهه را به زیبایی هرچه تمامتر به تصویر کشیده است:

«من تفنگم در مشت

کوله بارم بر پشت

بند پوتینم را محکم می‌بندم»

نشانه هویت اسلامی - ایرانی رزمنده را که در فرهنگ کهن سرزمین ما ریشه دارد نیز در سه سطر با ظرافت و زیبایی سروده است (همان، ۷۵).

این شعر دو هدف از اهداف ششگانه ادبیات پایداری دوره متوسطه یعنی «دعوت به مبارزه» و «بزرگداشت و ستایش مردم مبارز» را بیان کرده است. از نظر ادبی «بند پوتینم را محکم

می‌بندم»، کنایه از آماده شدن برای دفاع و جنگ آب و آینه و قرآن» یادآور بدرقه مسافر در فرهنگ ایرانی و «چراغ» نماد آینده روشن ایران اسلامی است.

ادبیات فارسی ۲

به نظر می‌رسد به‌رغم اینکه قسمت ادبیات پایداری سال دوم از سال اول کمتر است در انتخاب این درسها نسبت به سال اول دقت بیشتری شده است. ادبیات فارسی ۲ جز شعر «انتظار» و داستان «گیله مرد» و «سووشون» درس دیگری را نمی‌توان یافت که مفهوم این نوع ادبیات در آن باشد؛ با این حال در حوزه غنایی اشعار و دروسی آورده شده‌است که جلوه‌های ادبیات پایداری در آن بخوبی نمود دارد اما در حیطه این نوع ادبیات قرار نگرفته‌است که در مقاله‌ای مفصل و فرصتی دیگر به این نمونه‌ها خواهیم پرداخت. مشخص است که دروس در تقسیم‌بندی رعایت نشده‌است و این قسمت کتاب ادبیات سال دوم به معرفی ادبیات پایداری جهان از امریکا و شیلی و فلسطین می‌پردازد.

رمان (کلبه عمو^۱) اثر خانم بیچراستو (۱۸۹۶-۱۸۱۱) از معروفترین نمونه‌های ادبیات پایداری در جهان است. این رمان در حمایت از بردگان سیاه امریکا و بیان دردهای آنها تحت فشار اربابان بیرحم امریکایی نوشته شده است و در سال ۱۸۵۲ میلادی منتشر شد. نه سال بعد از انتشار این رمان تأثیرگذار در سال ۱۸۶۱ جنگ داخلی امریکا در گرفت که نتیجه آن صدور فرمان الغای بردگی در زمان ریاست جمهوری آبراهام لینکلن^۱ بود.

قهرمان اصلی این رمان، «عمو^۲»، برده‌ای سیاه و با ایمان و فداکار است که با کمکهای بی‌دریغ خود از بردگان و تحمّل زندگی سخت و جانکاهی بر اثر شکنجه‌های عذاب‌آور جسمی و روحی لگری، ارباب خشن و بد نهادش زندگی را بدرود گفت.

این درس درباره فروخته شدن عمو^۳ و رفتارهای شکنجه‌آور آخرین و خشن‌ترین ارباب او، لگری و لحظات پایانی زندگی اوست است. «ترسیم چهره بیدادگر»، «انعکاس مظلومیت بردگان» و «ستایش آزادی و آزادگی» از اهداف مهم این درس است.

«درته کشتی که رودخانه سرخ بالا می‌رفت، تم با دست و پای بسته به زنجیر در کنجی نشسته بود. سردی و یأس روی قلبش سنگین‌تر از زنجیر، فشار می‌آورد» (ادبیات، ۱۳۸۲: ۶۷، ۲).

عمو^۴ نهایت ایثار و فداکاری را نسبت به هموعان خود ابراز می‌کند:

همیشه همه جا آخر می‌آمد، کمتر سهم می‌گرفت و تازه همان را با دیگران تقسیم می‌کرد و در شبهای یخبندان روپوش مندرس خود را به زن بیماری می‌داد که از شدت تب متشنج بود» (همان، ۶۹ و ۶۸).

1. Abraham Lincoln

او به هیچ‌وجه به کار ظالمانه‌ای که لگری از او انتظار دارد، تن در نمی‌دهد و حاضر به شلاق‌زدن بردگان نیست و در برابر شکنجه‌های سخت ارباب با ایمان محکم خود به خدای مسیحیت، او را تحقیر می‌کند و قدرتش را ناچیز می‌شمارد:

«می‌توانید مرا شلاق بزنید؛ از گرسنگی بکشید... آتشم بزنید... همه اینها وسیله‌ای خواهد شد برای اینکه هرچه زودتر مرا به دیاری که باید به آنجا بروم، روانه کنید» (همان، ۷۱).

شعر «تو را می‌خوانم» از پابلونرودا (۱۹۰۴-۱۹۷۳) پایداری مردم شیلی را در انقلاب خود به تصویر کشیده است. این شعر از کتاب «انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» با ترجمه فرامرز سلیمانی و احمد کریمی حکاک انتخاب شده است. «تو را می‌خوانم» در واقع یکی از اهداف مهم ادبیات پایداری یعنی «دعوت به مبارزه» را به دانش‌آموز تفهیم می‌کند:

«باور ندارم که انسان دشمنی کند،

با دشمن، رویاروی توانیم شد

و در برابر مجازاتش خواهیم ایستاد» (همان، ۷۲).

در این شعر چندان آرایه‌های ادبی حضور ندارد و بیشتر مفهومی انسانی به تصویر کشیده شده است. در عبارت «امروز چهره شیلی بزرگ شده است»، تلویحاً به انقلاب این کشور نظر دارد که باعث شهرت آن در جهان شده است.

شعر «در بیابانهای تبعید» درس نهم از جبرا ابراهیم جبرا (۱۹۲۶) شاعر معروف فلسطین است و نسبت به شعرهای دیگر این فصل ارزش ادب بیشتری دارد. در این شعر، آوارگی فلسطینیان در اردوگاه‌های بیابانی و سختی‌های آن در عباراتی زیبا به تصویر کشیده است که تنها دلخوشی مردم سختی‌کشیده یادآوری خاطرات خوش روزهای گذشته در سرزمین همیشه سبز فلسطین است.

«ای سرزمین ما، ای جایی که جوانیمان در تو

مانند رؤیایی در سایه درختهای پرتقال

و میان درختهای بادام مزرعه‌ها گذشت

ما را به یاد بیاور، اینک که میان خار بیابانها

و کوه‌های سنگلاخ سرگردانیم» (همان، ۷۵).

«ترسیم مظلومیت» و «ترسیم چهره اسرائیل غاصب» به مدد استعاره‌ها و تشبیهات زیبا هدف بنیادین این شعر به‌شمار می‌رود. اغلب دانش‌آموزان سال دوم ارتباط خوبی با آن برقرار می‌کنند بویژه هنگامی که بمباران اسرائیل و کشتار مردم بی‌پناه به تصویر کشیده شده است، تأثیر مفاهیم ادبیات پایداری به اوج خود می‌رسد:

«ما را به یاد بیاور اکنون که

له کردند گل‌های نو شکفته در پشته‌های اطرافمان را

خانه‌ها را بر سرمان خراب کرده‌اند
اجسادمان را به هر طرف افکنده‌اند
و از سایه‌های آبی، خارهای سرخ
بر اجساد به جاد مانده و طعمه عقاب و زاغ شده فرو ریخت (همان).
شعر «از یک انسان» سروده محمود درویش (۱۹۴۱) شاعر معروف فلسطین است که به نام
شاعر مقاومت فلسطین معروف است.

او در شش سالگی به دلیل هجوم اشغالگران اسرائیلی آواره شد و چندین بار به زندان افتاد.
سروده‌های زیبای او محصول این سالها است. این شعر نیز درباره انسان بیگناهی است که پس از
اشغال سرزمین و آوارگی سرانجام به زندان می‌افتد و شکنجه‌های فراوانی را تحمل می‌کند:

بر دهانش زنجیر بستند
دستهایش را به سنگ مردگان آویختند
و گفتند تو قاتلی (همان، ۷۶).

در این شعر نیز مانند شعر قبلی «دد منشی رژیم غاصب اسرائیل» و «مظلومیت مردم
فلسطین» ترسیم شده است. در پایان شعر با اشاره به ماجرای نرون، امپراتور دیوانه روم به
اشغالگران نوید می‌دهد که دوره سیاه ظلم و شکنجه آنها تمام‌شده است و خود را باید آماده
مجازات کنند:

«ای خونین چشم و خونین دست به راستی که شب رفتنی است»
نه اتاق توقیف ماندنی است و نه حلقه‌های زنجیر
نرون مرد، ولی رُم نمرده است با چشمهایش می‌جنگد (همان).

ادبیات فارسی ۳ شاخه نظری

بخش ادبیات پایداری کتاب ادبیات فارسی سال سوم متوسطه شاخه نظری به ادبیات عاشورایی و
جنگ و انقلاب اسلامی ایران اختصاص دارد و از لحاظ ادبی از سالهای قبل پر بارتر است. مهمترین
درس آن «خون خورشید» نوشته پرویز خرسند است. این درس با تصرف و تلخیص از کتاب «آنجا
که حق پیروز است» انتخاب شده است. این کتاب به علاوه «برزیگران دشت خون» و «مرثیه‌ای که
ناسروده ماند» از مهمترین آثار این نویسنده پرتلاش دهه پنجاه شمسی است که اغلب نوشته‌هایش
درباره عاشورا است. «خون خورشید» درباره آخرین شب امام حسین و یارانش و بویژه رشادت
«انس بن حارث» صحابی بزرگ پیامبر و شهادت او است که نویسنده در ضمن توصیفات ادبی خود
به زمان پیامبر و سختی‌های آن دوره گریزهایی می‌زند:

«پیرمردان به یاد روزهایی افتاده بودند که همین آیات و کلمات را حضرت محمد (ص) زمزمه

می‌کرد. به یاد روزهایی افتاده بودند که پیامبر روی شنهای داغ می‌نشست و آنان به دورش جمع می‌شدند و همین کلمات را از زبان او می‌شنیدند» (ادبیات فارسی، ۱۳۸۵: ۷۱، ۳). سکوت، آرامش و سیاهی دشت کربلا در آغاز درس با آرایه تشخیص توصیف شده است. «تشخیص» در این نوشته برجستگی خاصی دارد به گونه‌ای که دانش‌آموزان براحتی آن را لابه‌لای جملات تشخیص می‌دهند: «شب همه جا دامن گسترده بود. دشت سینه وسیع و داغش را در برابر وزش نسیم ملایمی قرار داده بود. نسیم آهسته و آرام به روی سینه‌اش می‌خزید و دامنکشان می‌گذشت ...» (همان، ۷۰).

زبان این نوشته سلیس و روان و صمیمی و ادبی است و از طرفی تقدس و شکوه عاشورا و امام حسین (ع) و یارانش به آن طنین شکوهمندانه‌ای بخشیده است. او «انس بن حارث» بود؛ مردی که از صحابه بلندپایه و ارجمند پیامبر به‌شمار می‌رفت ... انس مردی بود که در اولین و آخرین پیکار پیامبر، دوش به دوش رسول گرامی مبارزه کرده بود. او ستاره درخشان و فروزانی بود که در آن شب تار و غم‌انگیز، روشنی می‌بخشید و راه می‌نمود» (همان، ۷۳).

یکی از عالیترین اهداف ادبیات پایداری یعنی «بزرگداشت شهیدان راه آزادی» در این درس متبلور شده است. در آخرین قسمت درس، نویسنده با لحنی تأثیربار، شهادت انس را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

«آنجا در میان آن شنهای داغ، مردی سفید موی و سفید روی به خاک و خون تپید. او در یک شب ظلمانی، چون اختری روشن و پرفروغ از تاریکی‌ها و سیاهی‌ها گریخت و پیش آمد و در کنار خورشید فروزان حق در خون پاک و روشن خویش غوطه زد و خورشیدی نو ساخت» (همان، ۷۴). عنوان درس، «خون خورشید» از این توصیف گرفته شده است.

شعر «بانگ جرس»، قسمتی از مثنوی بلند معروف حمید سبزواری است. حمید سبزواری با مجموعه شعر «سرود درد» و «سرود سپیده»، جایگاه خود را در شعر انقلاب تثبیت کرد. او در شعر «بانگ جرس» از پیوند میان انقلاب اسلامی ایران و مبارزات و پایداری مردم فلسطین سخن می‌گوید و مخاطبان خود را به رویارویی و مقابله با اشغالگران سرزمین فلسطین به رهبری امام خمینی (ره) با تعبیر «موسی جلودار» فرا می‌خواند:

«وادی پر از فرعونیان و قبطیان است

موسی جلودار است و نیل اندرمیان است

ننگ است ما را خانه ننگ است ای برادر

برجای ما بیگانه ننگ است ای برادر» (همان، ۷۵ و ۷۶).

تعبیرات و ترکیباتی مانند «از هر کران بانگ رحیل»، «بانگ از جرس برخاست»، «دریادلان»،

«پادربکاب راهوار»، «حکم جلودار است بر هامون بتازید» و «جام من برخیز بر جولان برانیم»، زبان این شعر را حماسی کرده است. «برگ سفر بستن»، «پا در رکاب داشتن» و «باده بر دامن راندن» از جمله کنایه‌های زیبای شعر است. تلمیحات مذهبی و سیاسی فراوان این مثنوی متعلق به قوم یهود و سرزمین فلسطین و جنگ آنها در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی است؛ مانند «وادی ایمن»، «موسی»، «فرعونیان»، «قبطیان»، «نیل»، «کلیم»، «تخت و نگین و اهریمن»، «جولان»، «خط لبنان»، «دیریاسین»، «دیارققدس».

«تپه‌های برهانی»، عنوان درس دهم از نوشته‌های حمیدرضا طالقانی درباره خاطرات جبهه و محاصره او و هم‌زمانش در سال ۱۳۶۲ است. زبان نوشته از صمیمیت خاصی برخوردار است. نویسنده تمام احساس خود را با زبانی ساده و به دور از تکلف بیان می‌کند. موضوع آن چهارده روز محاصره و تنهایی و بی‌غذایی و سختی‌های سه رزمنده جوانی است که بدون سلاح با مقاومت بی‌نظیر و ایمان استوار خویش، روزگار را می‌گذرانند و تنها خوراکیشان برگ مو است و همان بستر آنها است. نکته جالب این است که وقتی «ماشاءالله»، رزمنده سیزده ساله به حسین و حمیدرضا می‌پیوند، با وجود ضعف و زخمهای فراوان ناشی از ترکش در ناحیه دست و بازو و زیر گوش و گرسنگی شدید، برگهای مو را چنان آرام می‌خورد که اعجاب نویسنده را برمی‌انگیزد و او را نماد کامل شجاعت و پایداری معرفی می‌کند:

«تماشای برگ خوردن او برایم بسیار لذت‌بخش بود. ماشاءالله با سن و سال بسیار کم، اما چهره‌ای مصمم و مردانه، ضعیف اما شاداب، آرام و استوار، انگار نه انگار که اتفاقی افتاده، نشسته بود و برگ می‌خورد. احساس می‌کردم که هرگز انسانی بزرگتر از او را ندیده‌ام» (همان، ۸۲).

سرانجام این سه جوان در تاریخ ۱۳۶۲/۵/۱۷ توسط یک ستون گشتی پیدا می‌شوند و از مرگ و اسارت نجات می‌یابند و آخر درس پایانی خوش و از نظر عاطفی کوبنده دارد:

«گفت ببینید، این‌ها چهارده روز مقاومت کرده و اینجا بی‌غذا مانده‌اند؛ آن وقت آیا ما نمی‌توانیم یک روز مقاومت کنیم و خود را به نیروهای خودی برسانیم» (همان، ۸۵).

این بخش جز چند مورد کنایه‌ای مانند «کارگر نیفتاد»، «هوا گرگ‌ومیش بود» و «بشدت جا خورد» هیچ‌گونه آرایه ادبی ندارد و زبان آن نیز ادبی نیست؛ اما آکنده از اصطلاحات نظامی و جنگ و جبهه است؛ مانند «گردان یازهرا»، «تپه شهید برهانی»، «عمل کردیم»، «انهدام نیرو»، «محور» و «ستون».

آخرین درس بخش ادبیات پایداری کتاب فارسی سوم متوسطه شاخه نظری، شعر نو «باغ نگاه» از علیرضا قزوه است. این شعر در توصیف جانبازی است که چشمان خود را در راه ایمان و عقیده‌اش تقدیم کرده، و حاکی از ایثار و پایداری جانبازان انقلاب شکوهمند اسلامی ایران است. «باغ نگاه» از آغاز تا انجام با وجود کوتاهی، آکنده از استعاره و تشخیص و تشبیه است.

مهمترین هدف این درس، بزرگداشت شهیدان و جانبازان راه انقلاب و جنگ تحمیلی است. بند اول و دوم این شعر، زمان نابینا شدن رزمنده جانباز را این گونه توصیف کرده است:

«صبح، دو مرغ رها/ بی صدا/ صحن دو چشمان تو را ترک کرد/ شب، دو صف از یاکریم/ بال به بال نسیم/ از لب دیوار دلت/ پر کشید» (همان، ۸۶).

«دو مرغ رها» و «دو صف یاکریم» استعاره مصرحه از روشنایی چشم، «صحن دو چشمان تو» استعاره مکنیه و «لب دیوار دلت» استعاره از چشم است. دیگر استعاره‌ها و تشبیهات زیبای این شعر را در ترکیبها و عباراتی چون «خار و خس مزرعه چشم تو»، «باغ نگاهت» و «یک سبد از میوه خورشید» می‌توان دید.

ادبیات فارسی ۳ علوم انسانی و ادبیات

بخش ادبیات پایداری و انقلاب این کتاب تنها «شعر انقلاب اسلامی» را در بردارد. قسمت درآمد و معرفی این نوع ادبیات سروده‌ها و نوشته‌هایی را از سال ۱۳۵۷ تاکنون دربرمی‌گیرد که به ستایش آزادی و آزادی و جهاد و هجرت و محکوم کردن استبداد و بیدار ... اختصاص دارد. نکته قابل تأمل این است که مرزبندی مشخص بین ادبیات پایداری و ادبیات انقلاب اسلامی در کتابهای ادبیات دوره متوسطه ذکر نشده است. دقیقاً در بخش ادبیات انقلاب اسلامی سال سوم انسانی همان مفاهیمی را می‌بینیم که در نوشته‌های ادبیات پایداری سالهای قبل و هم‌چنین سال سوم شاخه نظری دیده‌ایم که این مورد یکی از ضعفهای کتابهای ادبیات دوره متوسطه در این زمینه به‌شمار می‌رود.

در این بخش به معرفی اشعار کسانی چون مهرداد اوستا، سیدحسن حسینی، غلامرضا قدسی، مشفق کاشانی، سهیل محمودی و زکریا اخلاقی پرداخته می‌شود.

نخستین شعر با عنوان «از درد سخن گفتن» غزلی است از مهرداد اوستا، شاعر قصیده‌سرای معاصر که به دلیل وسعت آگاهی و شناخت عمیق و گسترده از ادبیات، ذوق و قریحه سرشار و بیان توانمند شاعرانه، چهره‌ای شناخته شده است. وی توانست زبان نرمی را جایگزین زبان خشن در قصیده کند و آن را به غزل نزدیک سازد. غزل «از درد سخن گفتن» از مجموعه شعر «راما» انتخاب شده است. این غزل بیش از اینکه مفاهیم انقلاب اسلامی را در خود متبلور سازد به عواطف درونی پردرد شاعر می‌پردازد که در بیشتر ابیات، واژه «درد» تکرار شده است. تنها واژه‌هایی که شعر را به مفاهیم انقلابی و شهادت پیوند می‌دهد، واژه‌هایی چون «خونین»، «نبرد»، «فریاد» و «خون شهید» است و گرنه در محور افقی و عمودی شعر، جریان انقلاب و شهادت و آزادی به شکل قوی وجود ندارد:

«باز آی که چون برگ خزانم رخ زردی است

با یاد تو دمساز دل من دم سردی است
 گر روی به تو آورده‌ام از روی نیازی است
 ور درد سری می‌دهمت از سر دردی است» (ادبیات فارسی ۳ رشته ادبیات و علوم انسانی،
 ۱۳۸۲: ۱۰۶).

«راز رشید» شعری در قالب سپید از شادروان سیدحسین حسینی است که از دفتر شعر او
 موسوم به «گنجشک و جبرئیل» انتخاب شده است. این شعر عاشورایی و درباره سردار شهید کربلا
 حضرت ابوالفضل (ع) و جوانمردی و پاکبازی اوست:
 «به گونه ماه نامت/ زبازد آسمانها بود/ و پیمان برادری است/ با جبل نور/ چون آیه‌های جهاد/
 محکم» (همان، ۱۰۸).

این شعر باید در بخش ادبیات عاشورایی بررسی شود؛ زیرا در آن هیچ‌گونه اشاره‌ای به جریان انقلاب
 و ادبیات پایداری ایران نکرده است. گرچه در قالب سپید و در موضوع عاشورا شعری قوی است،
 مناسب بخش ادبیات انقلاب اسلامی نیست.

«گل‌های چیده» اثر غلامرضا قدسی در قالب غزل شعری است که برخلاف دو شعر پیش به
 موضوع انقلاب اسلامی و مفهوم شهادت می‌پردازد و در محور افقی و عمودی تعبیرات و ترکیب‌هایی
 چون «گل‌های چیده»، «غنچه‌های شهید»، «داغ گل‌رخان»، «لاله در خون تپیده» و «ناله‌های
 شراره‌خیز» عهده‌دار مفاهیم انقلابی و شهادت است:

«بوی گل‌های چیده می‌آید/ خونم از دل به دیده می‌آید/ به تماشای غنچه‌های شهید/ گل به
 رنگ پریده می‌آید/ از غم داغ گل‌رخان از خاک/ لاله در خون تپیده می‌آید» (همان، ۱۱۱ و ۱۱۲).
 در غزل «سایه خورشید» از مشفق کاشانی نیز هیچ یک از مسائلی که در درآمد این بخش
 درباره شعر انقلاب آمده است وجود ندارد و شعر در واقع حدیث نفس دردمندانه شاعر است که
 دارای زبانی روان و مؤثر و ترکیبات تشبیهی و استعاری است:

«ازبام دهر فرو ریختم ستاره به خاک

که من به سایه خورشید زیستم چون ابر

زمین سترون و در وی نشان رویش نیست

فراز ریگ روان چند ایستم چون ابر» (همان، ۱۱۳).

غزل «کرامت آبی» از سهیل محمودی توانسته است. پایداری و ایمان و پاکبازی مردم ایران را
 توصیف کند؛ مردمی که مانند صخره مقابل طوفانهای زمان به مدد عشق و حماسه ایستاده‌اند. زبان
 این شعر لطیف و امروزی است و ترکیب‌های آن صمیمیت زبان محاوره را دارد و در خود مفاهیم
 حماسی انقلاب و شهادت را منعکس کرده است:

«شما چه قدر صبور و چه قدر خشم آگین

حضورتان چو تلاقی صخره با دریاست

به استواری، معیار تازه بخشیدید

شما نه مثل دماوند، اوبه مثل شماسست (همان، ۱۱۵).

غرل «سجاده سبز» از زکریا اخلاقی و به نگاه عارفانه شاعر به بهار و بهره‌گیری او از آیات و روایات اختصاص دارد. شعر از قدرت کلامی و سلامت زبانی و تازگی ترکیبها برخوردار است و «حس آمیزی»، «تشبیه» و «استعاره» در آن حکایت از تجربه‌های شاعرانه شخصی و روحی شاعر دارد؛ با این همه این شعر مناسب بخش ادبیات انقلاب اسلامی نیست؛ زیرا هیچ یک از مفاهیم انقلابی در آن متبلور نشده است مگر نزدیکی عارفانه آدمی به خدای خویش از راه طبیعت:

«آینه عرفانی زیبای معانی است

این حجله سبزی که خداوند گشوده است

شور سحر حشر، اگر باورتان نیست

گل مصحف صد برگ به سوگند گشوده است» (همان، ۱۱۷).

نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری در برخی از کتابهای ادبی دوره متوسطه سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده که در این میان سهم ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس ایران نسبت به ادبیات پایداری بیشتر است و از اهداف ششگانه ادبیات پایداری بیشتر «ترسیم چهره مظلوم»، «افق پیروزی» و «دعوت به مبارزه» در درسها متبلور شده است. می‌توان گفت ادبیات پایداری کتاب ادبیات سال اول متوسطه ارزش ادبی و هنری فراوانی نسبت به کتابهای ادبی سالهای دوم و سوم دارد. میزان تأثیرگذاری ادبیات پایداری جهان بر دانش‌آموز بویژه در دروسی چون «کلبه عمومت» بسیار زیاد است و اگر نوشته‌هایی با این مضمون از ادبیات پایداری وطنی به این کتابهای اضافه شود، دروس از ارزش کیفی والایی برخوردار می‌شوند. نکته دیگر شایان ذکر این است که ادبیات پایداری ایران و جهان بدرستی در متن کتاب جدا نشده، و آمیختگی ادبیات انقلاب اسلامی و عاشورایی و جنگ تحمیلی در قسمت ادبیات پایداری بسیار مشهود است که موجب درک نادرست دانش‌آموزان از این مقوله‌ها می‌شود.

در کتاب ادبیات پیش‌دانشگاهی (چهارم) عمومی هیچ بخشی به عنوان ادبیات پایداری نیامده است در حالی که برخی دروس آن مانند «آخرین درس» جزء این ادبیات به شمار می‌رود. در برخی از دروس مانند «خط خورشید»، «در بیابانهای تبعید»، «خون خورشید» و «پاسخ»، اهداف ادبیات پایداری بخوبی متبلور شده و از جهت زیبایی‌های ادبی ارزشمند است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، احمد و دیگران (۱۳۸۹). *ادبیات فارسی سال سوم انسانی*. چ دوازدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۳. احمدی‌گیوی، حسن و دیگران (۱۳۸۷). *زبان و نگارش فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۹). *گزیده اشعار*. تهران: انتشارات مروارید.
۵. ارشاد سرابی، اصغر و دیگران (۱۳۸۹). *ادبیات فارسی سوم انسانی*. چ دوازدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۶. استوه‌ریت، بیچر (۱۳۵۷). *کلبه عموتّم*. ترجمه: منیر جزنی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. اشتاین‌بک، جان (۱۳۵۱). *خوشه‌های خشم*. ترجمه: شاهرخ مسکوب و عبدالرحیم احمدی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. اشتاین‌بک، جان (بی‌تا). *موش‌ها و آدم‌ها*. ترجمه: داریوش شاهی. تهران: انتشارات زرین.
۹. اکبری، منوچهر (۱۳۷۱). *نقد و تحلیل انقلاب*. بخش اول شعر. تهران: سازمان اسناد و مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۰. امیری‌خراسانی، احمد؛ هدایتی، فاطمه (۱۳۹۳). *ادبیات پایداری، تعاریف و حدود*. نشریه ادبیات پایداری. **دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۶. ش ۱۰: ۲۳ و ۴۱.
۱۱. امین‌پور، قیصر (۱۳۷۰). *مثل چشمه، مثل رود*. تهران: انتشارات سروش.
۱۲. انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
۱۳. انوشه، حسن (۱۳۷۶). *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. اولیایی، مصطفی (۱۳۷۳). *مجموعه مقالات سمینار بررسی انقلاب اسلامی*.
۱۵. باختری، واصف (۱۳۷۳). *دیروز، امروز و فردای شعر افغانستان*. *مجله شعر*. س ۲. ش ۱۴: ۷۰ و ۸۱.
۱۶. باقری، ساعد؛ محمدی، محمدرضا (۱۳۷۲). *شعر امروز*. تهران: انتشارات بین‌المللی المهدی.
۱۷. پارسانسب، غلام‌محمد و دیگران (۱۳۸۹). *زبان و ادبیات فارسی عمومی پیش‌دانشگاهی*. چ شانزدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۱۸. تاکی، مسعود و دیگران (۱۳۸۹). *ادبیات فارسی اول متوسطه*. چ چهاردهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۱۹. تراویک، باکرب (۱۳۷۳). *تاریخ ادبیات جهان*. ترجمه: عربعلی، رضایی. تهران: نشر فروزان.
۲۰. ثروت، منصور (۱۳۶۴). *فرهنگ کنایات*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. چهرقانی، رضا (۱۳۹۶). *ادبیات پایداری در ایران*. بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها. *ادبیات معاصر پارسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. س ۷. ش ۲: ۳۱ و ۳۳.

۲۲. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۲). **دیوان حافظ به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی**. تهران: کتابفروشی زوآر.
۲۳. حسینی، سیدحسن (۱۳۷۲). **گنجشک و جبرئیل**. تهران: نشر زلال.
۲۴. حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶). **هم‌صدا با حلق اسماعیل**. تهران: انتشارات حوزه هنری.
۲۵. خرسند، پرویز (۱۳۴۳). **آنجا که حق پیروز است**. تهران: امیرکبیر.
۲۶. خرسند، پرویز (۱۳۵۶). **برز بگراں دشت خون**. تهران: امیرکبیر.
۲۷. داودی، حسین و دیگران (۱۳۸۹). **ادبیات فارسی دوم متوسطه**. چ سیزدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۲۸. دکاسترو، خوزوئه (۱۳۶۰). **آدم‌ها و خرچنگها**. ترجمه محمد قاضی. تهران: انتشارات زرین.
۲۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). **لغتنامه**. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی.
۳۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۲). **مقالات دهخدا**، به کوشش محمد دبیر سیاقی.
۳۱. رضوی، عبدالحمید (۱۳۹۴). **تحلیل محتوای کتابهای درسی دینی و ادبیات فارسی دوره متوسطه** براساس مؤلفه‌های دفاع مقدس. **اسلام و پژوهشهای تربیتی**. ش ۱۳: ۹۱ و ۱۱۲.
۳۲. سنگری، محمد و دیگران (۱۳۸۹). **ادبیات فارسی ۲ و پیش‌دانشگاهی انسانی**. چ شانزدهم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
۳۳. شکر، غالی (۱۳۶۶). **ادب مقاومت**. برگردانیده محمدحسین روحانی. تهران: نشر نو.
۳۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). **سبک‌شناسی شعر**. تهران: انتشارات فردوس.
۳۵. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). **سبک‌شناسی شعر**. تهران: نشر میترا.
۳۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۲). **انواع ادبی**. تهران: انتشارات فردوس.
۳۷. صفا، ذبیح‌اله (۱۳۶۹). **حماسه سرایی در ایران**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۸. صهبا، فروغ (۱۳۸۴). **شعر پایداری هنر مبارزه با دشمنان سه گانه**. مجموعه مقاله‌های اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی. کرمان: اداره کل حفظ آثار دفاع مقدس.
۳۹. طالقانی، حمیدرضا (بی‌تا). **تپه برهانی**. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴۰. علی‌نژاد محمدآبادی، مهرانگیز (۱۳۸۹). **مؤلفه‌های پایداری با تکیه بر مبارزه با نفس در کتابهای درسی**. **ادبیات پایداری**. ش ۴-۳: ۴۰۷ و ۴۲۸.
۴۱. مظفری، سیدابوطالب (۱۳۷۳). **شاعری جستجوی حقیقت است**. شعر. ش ۱۴: ۸۲ و ۸۷.
۴۲. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۳). **ادبیات پایداری**. شعر. ش ۳۹: ۴۵ و ۵۳.

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵: ۸۷-۱۰۹

بررسی و تحلیل اندیشه‌های پایداری در آثار دو شاعر برجسته اصفهان،

سپیده کاشانی و سعید بیابانکی

سیدمسعود دفتریان^۱، محسن محمدی فشارکی^۲

۱. دانشیار، ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد

(دریافت: ۹۷/۰۹/۰۳، پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۹)

چکیده

نقد و بررسی خصائص شعر فارسی بر حسب زمان، مکان، نوع ادبی و ... از دیر زمان و با تولد هر اثر ادبی مدنظر شعرا، نویسندگان و محققان بوده و خواهد بود. تأمل در نقد اصالت سبک آثار ادبی نشان می‌دهد که هر دوره از ادوار شعر فارسی دارای ویژگیهای عام و ویژگیهای خاصی بوده است. هرچند که توجه به ویژگیهای خاص آثار ادبی کمتر در کتاب‌های سبک‌شناسی مدنظر قرار گرفته است. یقیناً ادبیات دفاع مقدس بویژه غزل آن از هر حیث ویژگیهایی دارد که این دوره را از ادوار دیگر شعر و نثر متمایز کند. جایگاه شعر دفاع مقدس در عرصه ادبیات معاصر ایران بسیار ویژه است و می‌تواند تا در زمینه‌ها و رویکردهای مختلف آن تفسیر و تحلیل صورت پذیرد. در این پژوهش تحلیل اصالت در سبک غزل با رویکرد نقد فنی و زبانی غزلیات دفاع مقدس دو شاعر منتخب استان اصفهان - سپیده کاشانی و سعید بیابانکی مطرح می‌شود. در به گزینی غزلهای شاعران این مسئله حائز اهمیت است که بسیاری از شاعران دفاع مقدس گرچه در چند نوع ادبی شعر سروده‌اند، غزلهای مطرحی را نیز از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ گرچه ممکن است بعضی از این شاعران اصالت کاریشان صرفاً نوع ادبی غزل نباشد. غزلیات دفاع مقدس اصفهان ساده و غیرمتکلفانه سروده شده است و از تجربیات گذشته بهره گرفته و در آثار خود به پختگی و کمال رسیده است. ویژگیهای سبک خراسانی و عراقی در این آثار بخوبی قابل مشاهده است. غالب اشعار حول دو موضوع مذهب و جنگ می‌گردد و شاعران توانسته‌اند با ترکیب دو لحن حماسی و غنایی، اشعاری پخته و قدرتمند به دست دهند و توان و ویژگیهای جدیدی از غزلسرایی را عرضه کنند.

کلید واژه‌ها: شعر سپیده کاشانی، شعر سعید بیابانکی، شعر پایداری امروز ایران، شعر امروز

دفاع مقدس.

مقدمه

آنچه برای نسل باقیمانده از دفاع مقدس و مدافع ارزشهای انقلاب اسلامی در طی جنگ تحمیلی و برای نسل بعد از جنگ و نسل حاضر دارای اهمیت بسیار است، شناخت دقیق ابعاد دفاع مقدس و ارزشهای آن و همچنین استمرار و حفظ این دستاوردها و ارزشهاست که باید بخوبی تبیین و بازتعریف شود.

«نخستین نمونه‌ها و سروده‌های دفاع مقدس در کمتر از یک هفته پس از آغاز حمله عراق چهره می‌نماید. طبیعی است چنین سروده‌هایی نمی‌تواند پختگی و انسجام کافی داشته باشد؛ اما شور، برانگیزندگی، رجزگویی و احساس شفاف و زلال سرایندگان در تار و پود سروده‌ها ملموس و مشهود است» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۶).

شعر دفاع مقدس یکی از بخشهای ادبیات مقاومت معاصر و شاید مهمترین بخش آن است که توانسته است توجه شاعران متعدد کشورمان را به خود جلب کند. شعر این دوره آمیزه‌ای از ادبیات حماسی و غنایی است که به دلیل اختصاص آن به مباحث ملی و پیوندش با حادثه کربلا، ویژگیهای خاص خود را دارد. اشعار این دوره در بیشتر قالب‌های شعر فارسی سروده شده است که از این میان غزل، حضور پررنگتری دارد.

شعر دفاع مقدس از بخشهای موفق و درخشان ادبیات پایداری ایران، و مهمترین شاخه این بخش، «غزل دفاع مقدس» است. غزل دفاع مقدس از آغاز دهه هفتاد تا هم‌اکنون بستر شکوفایی ادبی و هنری شاعران این مرز و بوم بوده است و همین نکته، ضرورت و اهمیت پژوهش در این حوزه را نمایان می‌سازد. غزل دفاع مقدس از نظر «ساختار و محتوا» از اهمیت بسیاری برخوردار است. در بخش محتوا به دگرگونیهای محتوایی و تحول مفاهیم در غزل دفاع مقدس اشاره می‌شود و در بخش ساختار، مواردی مانند شکل، ردیف، قافیه، وزن، زبان و بیان، فضا و تصویر، روایت و ... شایسته تأمل است.

از دید دیگر می‌توان گفت «غزل» یکی از قالبهای شعری است که پس از انقلاب اسلامی مورد توجه بسیاری از شاعران قرار گرفت. زمینه‌های تحول معنایی غزل فارسی از دوره مشروطیت آغاز شده بود؛ چنانکه بسیاری از شاعران عصر مشروطه می‌کوشیدند تا برخی مفاهیم جدید و نیز درونمایه‌های اجتماعی و انتقادی خود را از رهگذر قالب شعری غزل بیان کنند. در دهه‌های چهل و پنجاه نیز غزلهایی سروده شد که عموماً با رویکردی اجتماعی، انتقادی، که حامل مفاهیم مضامینی بود به انتقاد از حکومت یا ترویج فضای حماسی مبارزه و انقلابیگری می‌پرداخت.

پس از انقلاب اسلامی نیز غزل به صورتی فراگیر مورد توجه شاعران قرار گرفت؛ چنانکه در آن با تنوع قابل توجه درونمایه و محتوا روبه‌رو هستیم. مفاهیمی چون مبارزه، استبدادستیزی، شهادت‌طلبی، آزادیخواهی، بیگانہ‌ستیزی، دشمن‌ستیزی در غزل انقلاب اسلامی به فراوانی دیده

می‌شود.

پیش از انقلاب اسلامی، زمینه‌هایی مناسب فراهم آمده بود تا قالب غزل در کار قالبهای شعر نو، روایتگر اندیشه‌های مبارزاتی مردم با حکومت وقت باشد. در پس از انقلاب اسلامی نیز هم‌چنان غزل، حاصل درونمایه‌های ضداستعماری و ظلم‌ستیزانه بود با این تفاوت که زبان غزل تحت تأثیر فضای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به سمت و سوی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی حرکت می‌کرد. بار دیگر شخصیت‌های مبارز تاریخ و فرهنگ تشییع مورد توجه شاعران قرار گرفت؛ هرچند هنوز برخی نیز از عناصر فرهنگ و تاریخ ایران استفاده می‌کردند که القاکننده حالات مبارزه و ستیزندگی بود.

درونمایه‌های متناسب با رویکرد مبارزاتی شاعران پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به صورت اختصار در این موارد خلاصه کرد:

الف: آزادی و آزادیخواهی

عروسی کرد اگر با خون یاران دخت آزادی مگو هرگز بر این وصلت مبارک باد شاعرجان
(صادقی، ۱۳۵۸: ۶)

ب: دعوت به مبارزه و انقلاب و رها شدن از روحیه انفعالی

برو ای از درون خویشتن آزاد شاعر جان که تا گردد دلت چون خانهات آباد، شاعر جان
به جای اصفهان شوری دگر برپا کن از عشاق همایون را بگیر از گوشه بی‌داد شاعر جان
نمی‌بینی مگر گاه مخالف‌خوانی است، اینک به گامی دیگر از یاران بیار آن، داد، شاعر جان
(صادقی، ۱۳۵۸: ۵)

لباس حادثه را بر تن زمانه کنید

که پهلوانک دوران از این میانه گریخت

(همان، ۱۲)

فضای حادثه خون ناب می‌طلبد

کجاست آن که در این راه سربه‌دار شود؟

(همان، ۸۸)

در امتداد فاجعه گفتند سازشی

گفتیم یک صدا که نه دیگر نمی‌کنیم.

(همان، ۱۰۲)

ج: شهادت‌طلبی

به شوق وعده ادعونی استجب لکم ای دل

بخوان برای اجابت بخوان دعای شهادت

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۷۶)

هم‌چنین ویژگیهای بارز غزلیات دفاع مقدس را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد:

۱. بهره‌گیری گسترده از قالبهای نیمایی

۲. انتخاب زبان‌روایی

۳. غلبه زبان رجز و شعار

۴. حضور روشن فرهنگ اسلام و انقلاب

۵. تلفیق رقیق نمادهای ملی با نمادهای دینی و مذهبی (سنگری، ۱۳۸۰: ۲۰).

در پی بررسی غزل‌های دو تن از شاخصترین شاعران دفاع مقدس اصفهان و با تحلیل سبک اشعاری که در این قالب سروده شده است، قسمت مهمی از آثار ادبی غزل دفاع مقدس اصفهان به دست خواهد آمد.

برای این کار، پس از گزینش از میان مجموعه غزلیات دو تن از شاعران بزرگ اصفهان، بخشی از غزلیات دفاع مقدس، ذیل موضوعات مشخص، تنظیم شده است. با شناسایی ویژگیهای سبکی هر غزل، نمونه‌هایی برای ویژگی با توضیحاتی مجمل ارائه شده است. جمع‌بندی این موارد سبک غزلیات دفاع مقدس را معین می‌سازد.

بیان مسأله

پدیده‌های اجتماعی در طول تاریخ بر ادبیات شفاهی و کتبی هر قومی تأثیر غیرقابل انکار گذاشته است. آثار ادبی سرشار از عواطف و احساسات شاعران و نویسندگان است. اشرافی‌گرایی، توجه به تاریخ و شکوه باستانی و پایبندی به باورهای اساطیری در ادبیات حماسی ایران ظهور پیدا کرده است؛ از سوی دیگر اگر ادبیات غنایی فارسی را در سه حوزه «عاطفی و تغزلی»، «عرفانی و فلسفی» و «اجتماعی و مقاومت» بررسی کنیم، می‌بینیم که اشعار عاشقانه‌ای که ورد زبان مردم ایران شده در ادبیات غنایی، گرایش به مذهب و تصوف و فلسفه در ادبیات عرفانی و فلسفی، و اهمیت دادن به مسائل و مشکلات عامه مردم در ادبیات معاصر جلوه‌گر شده و اینها همه تحت تأثیر وضعیت حاکم و پدیده‌های اجتماعی هر دوره است. این موارد هیچ یک در تقابل نیست؛ بلکه همه با تأثیر گرفتن از وضع حاکم و پدیده‌های اجتماعی به وجود آمده، و در کنار هم انواع ادب فارسی را تشکیل داده است.

ادبیات دفاع مقدس، هم در نظم و هم در نثر توانسته است آثار موقّق و باارزشی خلق کند. نمونه‌های آثار منظوم در حوزه دفاع مقدس در اغلب قالبهای شعری سروده شده که در این پژوهش به آثار منظوم در قالب غزل پرداخته شده است.

«شعر در دوران دفاع مقدس به دلیل خاصیت اصلی خویش یعنی تأثیرگذاری فراوان بر اذهان و قلوب در رساندن فریاد مظلومیت ملّتی که از سوی کفر جهانی مورد هجوم قرار گرفته بود، کاربرد حقیقی خود را به اثبات رساند. بسیاری از سروده‌های شاعران انقلاب، دستمایه‌ای برای اجرای سرودهای انقلابی و نیز نوحه‌ها و مرثی‌های اهل‌بیت، و آنچه در تحریک و تهییج رزمندگان اسلام برای ادامه حماسه آفرینی‌ها لازم بود، قرار گرفت و این نکته‌ها خود دال بر اهمیت بیش از اندازه شعر در

دوران جنگ تحمیلی است» (فراست، ۱۳۷۱: ۵۲).

در واقع شعر جنگ در بازتاب اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد و ایجاد روحیه مقاومت در جبهه و پشت جبهه و نیز در ابلاغ بر حق بودن مواضع حکومت اسلامی ما، نقش بسزایی داشت. در شعر انقلاب، قالب غزل، که به‌طور سنتی برای مفاهیم عاشقانه، عارفانه به کار می‌رفت برای مفاهیم اجتماعی، سیاسی به کار گرفته شد. عامل اساسی رواج غزل در آثار انقلاب و آمیختن عشق، عرفان با اجتماع، سیاست، علاقه آنان به رهبری انقلاب و مفاهیم، برخاسته از فرمان وی و وجود همین آمیختگی در خود رهبر بوده است که جلوه خاصی به این انقلاب می‌بخشد.

«نخستین جلوه‌های تأثیر جنگ را در غزل شاعران انقلاب، می‌توان در ماه‌های اولیه دفاع بخوبی مشاهده کرد. این شاعران، که بعضی از آنها خود مستقیماً در میدانهای نبرد حضور داشته‌اند، گاه در شعر خویش بی‌هیچ تکلف و تصنعی با صمیمیت و صداقت هرچه تمام، دعوتگر رزمندگان و نیز امت مسلمان به ادامه استقامت در مقابل دشمنان می‌شوند و بدین ترتیب می‌کوشند دین خود را نسبت به جامعه و مردم خود ادا کنند» (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۵ و ۱۴).

پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات مقاومت و دفاع مقدس و همچنین به طور اخص، غزل دفاع مقدس به صورت ضمنی کارهایی به این شرح صورت گرفته است:

کتاب‌ها

۱. آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، ضیاءالدین ترابی، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس. موضوع این کتاب بررسی ادبیات مقاومت در کشورهای عربی و اروپایی است. این کتاب تلاشی است در راستای تعریف ادبیات مقاومت و بررسی این نوع ادبیات در غرب آسیا، کشورهای عربی و کشورهای اروپایی.
۲. آوازهای نسل سرخ، نگاهی به شعر معاصر ایران، عبدالجبار کاکایی، نشر عروج. در این کتاب سعی شده است عناصر تشکیل دهنده شبکه ذهنی و زبانی شعر یک دهه پس از انقلاب اسلامی معرفی شود. بر این مبنا جستجوی مؤلف از سالهای پیش از انقلاب آغاز، و سعی شده است بررسی تقویمی شعر شاعران سالهای اخیر و ویژگیهای اصلی سبک شعر معاصر معرفی شود.
۳. بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، محمدرضا سنگری، سه جلد، نشر پالیزان. این کتاب به نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس در زمینه شعر شاعران این عرصه می‌پردازد و نقاط ضعف و قوت آنان را بررسی می‌کند.

۴. بررسی اوزان شعری اشعار دفاع مقدس، علی مکارمی، انتشارات ترفند.
۵. بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، عبدالجبار کاکایی، نشر پالیزان.
۶. بیداری کلمات، جواد محقق، انتشارات «روایت فتح» با موضوع بررسی و تحلیل شعر مقاومت.
۷. چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی، دکتر حسین بیات و دکتر سیدمحسن حسینی، مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۸. سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی از آغاز تا عصر پهلوی، محمدصادق بصیری، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۹. شعر امروز، ساعد باقری و محمدرضا محمدی‌نیکو، انتشارات انجمن شاعران ایران.
۱۰. صور خیال در شعر مقاومت، حسن قاسمی، نشر فرهنگ گستر.
۱۱. فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت، محمدباقر نجف‌زاده، انتشارات کیهان.
۱۲. کوه شقایق، نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس، ضیاء‌الدین ترابی، مؤسسه فرهنگی سما.

مقالات

۱. بررسی کارکردهای زبان شاعران انقلاب اسلامی، عباس اطمینانی، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۲. تصویر آب در غزل انقلاب، غلامرضا رحمدل شرفشاده‌ی، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. تصویرهای ادبی در شعر عاشورایی معاصر، محمود فضیلت، شیدا اسکندری، نشریه ادب پایداری، بهار ۹۱.
۴. شاعران در سپیده‌دمان انقلاب اسلامی (بررسی شعر معاصر در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲)، عیسی امن‌خانی، منا علی‌مددی، نشریه ادب پایداری، پاییز ۱۳۸۸.
۵. شعر پایداری در ادبیات انقلاب اسلامی، تقی اجیه، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
۶. نگاهی اجمالی به ادبیات انقلاب اسلامی، فاطمه مدرسی، نامه پایداری، مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری‌خراسانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شعر دفاع مقدّس یکی از بخشهای ادبیات مقاومت معاصر و شاید مهمترین بخش آن است که تا حدودی توانسته است توجه شاعران متعدد کشورمان را به خود جلب کند. با وجود گذشت چندین سال از دوران دفاع مقدّس، ادبیات دفاع مقدّس هنوز ادامه دارد و در حوزه نثر و نظم آثار فاخری خلق کرده است. در حوزه نظم، شاعران اصفهانی نخست با حفظ روحیه دشمن‌ستیزی و با بیان حماسی، ذهن و تفکر جوانان را برای مقاومت آماده نگهداشته، و با نوشتن عواطف و یاد و خاطره شهیدان، جانبازان و رزمندگان با لحنی عاشقانه و غنایی، حس و حال جبهه‌های جنگ تحمیلی را در اذهان زنده نگهداشته‌اند؛ با وجود این هنوز مردم و نسل جوان این سرزمین با ادبیات دوران دفاع مقدّس آن‌چنانکه شایسته است، آشنا نیستند. از آنجا که هر تحول ارزشمندی از معرفی و نقد توانمندیها و کاستی‌ها بی‌نیاز نیست، غزل نیز به عنوان گوشه‌ای از تحولات حوزه شعر انقلاب در صورت شناسایی دقیقتر وجوه سبکی به همراه مصداقهای آن می‌تواند به برجستگی‌های قابل‌تعمیم و یا کاستی‌های خود پی‌ببرد و دیگران را نیز بدین مقصود رهنمون سازد.

شاعران غزلسرای انقلاب - بویژه اصفهانی - در جهت ارائه چهره ویژه‌ای از هنر خود مطمئناً از رویکردهای تمایزآفرین در حوزه کاری خود بهره گرفته‌اند تا نشان دهند در قلمرو اهداف انقلاب گام برمی‌دارند. از سوی دیگر شاعران دفاع مقدّس اصفهان از آن دسته شاعرانی هستند که برای رسیدن به آرمانهای همیشگی خود از هنر غزلسرایی بهره‌جسته‌اند و بی‌شک نقش بسیار زیادی در معرفی ارزشهای دفاع مقدّس به معاصران و متأخران خود داشته و خواهند داشت و از این‌روست که اهمیت بررسی و تحلیل چنین آثاری رخ می‌نماید و جنبه‌های گوناگون آن ارزشمند می‌گردد.

بحث

«از آنجا که کشور ما فرهنگ و اصول فکری و پایه‌های اعتقادی بسیار استواری دارد، حضور شاعران و اندیشمندان بزرگ در دوره‌های مختلف بر ارزش و اعتبار هنر شعر در آن می‌افزاید. شعر انقلاب اسلامی پاره‌ای از پیکر انقلاب اسلامی، فرزند و میوه آن است و باید متناسب با نشیب و فرازها و تحولات سریع و شتابناک جامعه، بررسی و مطالعه گردد» (سنگری، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

این پژوهش بخشی از ادبیات دفاع مقدّس را مورد تحقیق قرار می‌دهد و به شناخت بهتر شعر دفاع مقدّس اصفهان کمک می‌کند. با بررسی غزلیات این دوره گروهی از شاعران دفاع مقدّس معرفی می‌شوند. هم‌چنین امکان آشنایی با احساسات و روحیات سراینندگان غزلیات از روی مضامین شعری تفکیک‌شده فراهم می‌شود. این پژوهش به سبک‌شناسی گونه‌ای از شعر فارسی می‌پردازد و تفکر شیفتگان روش و منش شهیدان، جانبازان و رزمندگان دفاع مقدّس را ترویج می‌دهد.

تعریف شعر مقاومت

«شعر انقلاب نمونه بارز هنری متعهد و انقلابی است؛ هنر پاک و بی‌آلایش، هنری که فرزند زمان است. شاعر انقلاب حنجره ملت و زبان حال ملت است؛ از زبان آنهاست که سخن می‌گوید؛ زیرا به اعتبار و همّت آنها بود که به آزادی دست یافت» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۸).

«عنصر اصلی ادبیات مقاومت همانا توده مردم است. شناخت ادبیات مقاومت بی‌وجود این عنصر ممکن نخواهد بود» (بهبودی، ۱۳۷۱: ۷۸).

شعر انقلاب در جهت آرمانها و هدفهای والا و سخنگوی احساسات و افکار و جهتگیریهای ملت است که شاعر از متن آن برخاسته و بدان وابسته است. «شعر دوران انقلاب، شعر زر و زور نیست؛ زبان ملت و شرح حال امت است؛ انعکاسی از روح بزرگ جامعه‌ای است که یکپارچه در جهت هدفها و آرمانهای الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است؛ شعر هدفدار و سازنده مردمی است (سبزواری، ۱۳۷۶: ۶).

شعر مقاومت، اندیشه انسان را به اصالت خود برگرداند و با تفکرات دینی و اندیشه‌های اصیل ظلم‌ستیزی آشنا کرد و انسان را علیه ستمگران زمان شوراند. شعر مقاومت، انسان را تشویق می‌کند که در برابر بیگانه و متجاوز تسلیم نشود و مقاومت کند.

فراوانی قالب غزل و غزل‌سرایان

«از فراوانی قالب غزل همین بس که از میان ده تن از شاعران تراز اول انقلاب - از لحاظ سابقه در شعر انقلاب - فقط یک نفر به قالب مثنوی و یک نفر به شعر نو التفات نشان داده‌اند. به علاوه شاعران جوان بیشتر در این قالب شعر سروده‌اند» (کافی، ۱۳۸۹: ۹۰). از جانب دیگر، غزل بهترین ساخت انتقال مفاهیم عرفانی، فلسفی و روحیه حماسی - ملی است؛ نه مثل رباعی و دوبیتی کوتاه است و نه مثل مثنوی، منظومه و قصیده دراز.

غزل نه تنها توانست در دوره معاصر هویتش را حفظ کند بلکه توانست به دنیاهای تازه‌تری هم که تا به حال کسی به آنها سری نزده بود دست یابد تا جایی که نمی‌توانیم دیگر این قالب را در حوزه کارهای امروزی آن در قالبهای کلاسیک قرار دهیم؛ به این معنی که اصطلاح کلاسیک در مورد غزلهای مدرن و حتی فرامدرن امروزی دیگر جوابگو نیست. جالب اینکه این قالب با پویایی تمام هر روز در حال حرکت و تغییر است و هر روز کارهای تازه‌تری در این قالب را می‌توان سراغ گرفت.

ویژگیهای غزل دفاع مقدس

می‌توان گفت غزل دفاع مقدس در دامان شعر انقلاب رشد و نمو یافت و لازمه بررسی غزل دفاع

مقدس، شناخت شعر انقلاب اسلامی است. منوچهر اکبری درباره شعر انقلاب می‌نویسد: «شاعر روزگار ما تا حد زیادی از قید کنایه‌پردازی و سمبلیسم و لفظ‌گرایی رها شده است» (اکبری، ۱۳۷۱: ۱۶). غزل دفاع مقدس نیز مانند شعر انقلاب دارای صراحت بیان و بی‌پیرایگی زبان است؛ شعری وزین و محبوب و در عین حال ستیهنده و طوفانی است؛ از لحاظ ساخت جوان و استوار است؛ مدح و ذمّش از گونه اشعار درباری نیست؛ لحن حماسی‌اش پویایی دارد و آمیزه‌ای است از عشق و عرفان.

هم‌چنین اقبال به غزل دفاع مقدس نیز مانند شعر انقلاب از جهت تأثیرپذیری شاعران از معارف و فرهنگ اسلام و نمود صبغه‌ها و جلوه‌های اسلامی و مذهبی در عناصر و واژگان شعری، در حدی است که باید گفت این دوره یکی از بارورترین و غنی‌ترین دوره‌های ادبی است (رک: اکبری، ۱۳۷۱: ۱۲).

در دهه شصت چندین جریان در غزل ایجاد می‌شود که هر کدام طیفی از شاعران را در پی خود می‌کشاند و تأثیراتی گذرا یا ژرف در جریان شعر این دوره بر جای می‌گذارد و عمدتاً ویژگی‌های غزل این دوره، حول محور درآمیختن عرفان و حماسه در غزل، رسوخ و سیطره فرهنگ شیعی، اعتراض و دلتنگی و دلواپسی نسبت به خویش است.

آشنایی با آثار و زندگینامه شاعران منتخب دفاع مقدس اصفهان

برای این تحقیق از بین شمار زیاد شاعران اصفهان، که در حوزه جنگ و دفاع مقدس شعر سروده‌اند، دو نفر از جمله سعید بیابانکی و سپیده کاشانی به عنوان جامعه آماری مورد تحقیق انتخاب شدند.

سپیده کاشانی

سرور اعظم باکوچی معروف به سپیده کاشانی در سال ۱۳۱۵ هجری در شهر کاشان چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۲۲ پس از خواهر و برادرهایش به مدرسه رفت و در یازده سالگی اولین شعر خود را سرود. پس از پایان تحصیلات متوسطه در منزل پدر به ادامه تحصیل پرداخت. ادامه تحصیل در دانشگاه، آرزویی بزرگ بود که دست یافتن به آن در آن سالها به دشواری ممکن بود. پس از مدتها انتظار و در پی ازدواج با یکی از اقوام خود به تهران آمد. پس از آن تا پایان عمر در تهران به سر برد. حاصل این وصلت سعید، سودابه و علی بود. تا سالها اداره خانه، سرپرستی از فرزندان و همسررداری، زمان فراغت را تنگ می‌کرد و مجالی برای سرودن شعر باقی نمی‌گذاشت. پس از آن همزمان با رشد و بالندگی بچه‌ها، اندک‌اندک زمان برای تکاپو در عرصه‌های فرهنگی فراهم شد. سپیده کاشانی از سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با مطبوعات کشور آغاز کرد. پس از آن، بیشتر

مجله‌هایی که صفحات - پرباری داشتند - اشعار او را به چاپ رساندند.

وی اولین دفتر شعر خود را با نام *پروانه‌های شب* در سال ۱۳۵۲ به چاپ رساند. در یکی از جلسات کتاب «پروانه‌های شب» و محتوای آن، موضوع گفتگو قرار گرفت و چند شعر آن نیز خوانده شد. پس از آن چند هفته‌نامه، که برای همکاری شایسته تشخیص داده شده بودند، سعی کردند تا در هر شماره شعر تازه‌ای از این شاعر چاپ کنند.

از صاحب‌اثر خواسته شد تا دفتر دوم شعرهایش را نیز آماده کند؛ اما او درنگ کرد. انتظار و توقع روزافزون علاقه‌مندان، جایی برای سهل‌انگاری و پسرفت باقی نمی‌گذاشت. در پاسخ به مشتاقاتی که تکرار چاپ «پروانه‌های شب» را از او می‌خواستند پاسخ می‌داد: «من شعر دیروز خود را قبول ندارم از چاپ این کتاب که یکسال گذشته است!» شنیدن این جواب از شاعری که در زمانی کوتاه نخستین اثرش نایاب شده بود، حیرت‌انگیز به نظر می‌رسید. سپیده کاشانی در همان روزها و زمانی که هجوم دشمن به خاک وطن و آغاز جنگ تحمیلی نزدیک بود در گفت‌وگویی که با مجله سروش انجام داد، گفت: «امروز موقع آن رسیده که دیگر شعر را به‌عنوان یک سلاح تیز و برنده جدی بگیریم ... شعر امروز ما می‌تواند با مروری در آیات قرآن، انقلابی به وجود آورد و از این دریای یگانه گوهرها برگیرد.»

«شعر سپیده، ساده و با نزاکتی خاص در واژگان تشخیص می‌یابد و از عنصر عاطفه بیشتر سود می‌برد» (کافی، ۱۳۹۳: ۷۲۷).

آثار وی عبارت است از:

۱. پروانه‌های شب که شامل دو قسمت است و سال ۱۳۵۲ در ۱۶۰ صفحه منتشر شده است. قسمت یکم، ۲۳ غزل به سبک کلاسیک است و قسمت دوم در برگیرنده ۲۸ سروده به شیوه نیمایی است. غزلیات او در وزنهای مختلف و مضمونهای گوناگون است و درونمایه‌های اصلی آنها، حسرت، امید به فردا و آینده، شب، سکوت است. البته زیباترین و ادبی‌ترین سروده‌های سپیده، همین غزلیات وی است.

۲. اشعار نیمایی وی نیز بیشتر بیانگر روزگار خفقان، سکوت و ظلمت دوران ستمشاهی است که باز هم امید به آینده را به مخاطب القا می‌کند.

۳. هزار دامن گل سرخ دربرگیرنده گزیده‌ای از شعر جنگ است که حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی آن را در سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است. این مجموعه شعر را می‌توان آغاز شعر جنگ تحمیلی دانست که در قالب‌های غزل، قصیده، رباعی و دوبیتی سروده شده است. قالب غالب آن مثنوی است و در پایان کتاب نیز، سروده‌ای در وصف خرمشهر به سبک نیمایی آمده است. بیشتر سروده‌هایی که از اشعار وی اوایل انقلاب در صدا سیما پخش می‌شد در این مجموعه درج شده است.

۴. سخن آشنا دربرگیرنده غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، چهارپاره، رباعی، دوبیتی، سروده‌ها و شعر آزاد نیمایی اوست. معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آن را در ۲۴۵ صفحه گردآوری و به سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است. البته همه سروده‌های شاعر را دربر نمی‌گیرد.

۵. آنان که بقا را در بلا دیدند، حکایتی منشور است که دربرگیرنده خاطرات و یادداشتهای سفر به جنوب و دیدار با رزمندگان است و حوزه هنری آن را در ۱۲۴ صفحه به سال ۱۳۷۵ منتشر کرده است.

سعید بیابانکی

سعید بیابانکی متولد سال ۱۳۴۷ در اصفهان است. او تحصیلات خود را در رشته مهندسی کامپیوتر در دانشگاه اصفهان گذرانده و ساکن اصفهان است. بیابانکی شاعری را از سال ۱۳۶۲ در ۱۵ سالگی به تشویق اصغر حاج‌حیدری - شاعر اهل خمینی‌شهر - آغاز کرد.

وی از سال ۱۳۶۴ به صورت جدی به شعر پرداخته و با نشریاتی از جمله جام‌جم، همشهری و فصلنامه شعر حوزه هنری همکاری دارد.

شاعرانی مانند سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد، حسین منزوی، محمد بهمنی، قیصر امین‌پور و سهراب سپهری در شعر او تأثیرگذار بوده‌اند.

بیابانکی بیشتر شعر کلاسیک بویژه غزل، رباعی و ... سروده و کمتر به شعر سپید پرداخته است. ترانه‌های او نیز اجرا و پخش شده است و تسلط خوبی هم در شعر طنز دارد به طوری که مسئولیت انجمن‌های ماهانه شعر طنز در حوزه هنری تهران بر عهده اوست. او خود را فردی پرنرژی، شاد و شاعری حاضر جواب می‌داند.

«رویکرد وی به سرودن شعر به سال ۱۳۶۳ باز می‌گردد. در آن زمان بیابانکی در یک مسابقه شعر، رتبه اول را کسب کرد. او با تشویق «علی‌اصغر حاج‌حیدری»، که از شاعران خمینی‌شهر است به صورت جدی به سرودن پرداخت» (بیگی حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۲۲۳).

اولین کتاب شعر او با نام ردپایی بر برف در سال ۶۹ توسط حوزه هنری منتشر شد؛ ولی شهرت بیابانکی به‌عنوان شاعری صاحب سبک با زبانی محکم در سال ۱۳۷۶ با انتشار کتاب نیمه‌ی از خورشید اتفاق افتاد. این کتاب، بیابانکی را به‌عنوان شاعری با زبان خاص و متفاوت به شعر ایران معرفی کرد.

مهندسی کلمات، برگ برنده بیابانکی است؛ اما نمی‌توان حفره‌هایی را که در شعر وی به‌وجود آورده است نادیده گرفت که مهمترین آنها معادله‌ای شدن شعرهاست که تقریباً در تمام آثار او جاری است و مخاطب حرفه‌ای از خواندن هر واژه و سطر، ماجرای سطر بعد را حدس خواهد زد و

این مسئله عموماً در لباس بازبهای زبانی یا تقابل و تضاد در واژگان رخ داده که خود مانند اعتیادی مزمّن در ادبیات کلاسیک ما ریشه دوانده است و عموم شاعران ما به آن مبتلا هستند.

«شعر سعید، لطیف و با وسواس در انتخاب واژگان شناخته می‌شود؛ نیز طبعی توانا و نکته سنج در شعر طنز دارد» (کافی، ۱۳۹۳: ۶۷۲).

بیابانکی در قالبهای سنتی و سپید شعرهای زیادی دارد؛ ولی در قالب غزل و چارپاره آثار قابل توجه‌تری خلق کرده است. وی در زمینه شعرهای عاشقانه آیینی و اجتماعی و طنز آثار مشهوری دارد که در حافظه خیلی‌ها جای گرفته است.

آثار او عبارت است از: سنگچین، باغ دوردست، ضدحالات، غزل هشتاد و شش، نامه‌های کوفی، شعر رضوی، سجده بر محراب، تن‌پوش بی‌آستین، نیایش‌نامه، هشتادوشش شعر رضوی، جامه‌دران، چقدر پنجره، سکتۀ ملیح، لبخندهای مستند، بیت بازی، هی شعر تر انگیزد و نه ترنجی نه اناری.

تحلیل سبک و نمونه‌های سبکی

برای درک سبک متن باید مراحل طی چون «درک تمامی متن به جای آوردن عناصر سبکی، استنتاج ویژگیهای سبکی و ترکیب نتایج تحلیل» را پشت‌سر گذاشت» (عبادیان، ۱۳۷۲: ۵۸). پیش‌نیاز هرگونه تحلیل سبکی، درک تمامی متن است. درک محتوا و مختصات فکری متن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در تعیین سبک هر اثر، عناصری که بسامد زیادی دارد در مقایسه با دیگر عناصر، که تنها نقش تکمیلی دارد، حائز اهمیت بیشتری است. «برای بررسی سبک هر اثر، ساده‌ترین و عملی‌ترین راه، بررسی اثر از سه دیدگاه محتوا، ادبیات و زبان است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۱۶).

سپیده کاشانی

«شعر سپیده، همچون اغلب شاعران انقلاب، شعر زمان است و شعر شعور، شهادت، حماسه و عرفان. بنابراین سپیده شاعر انقلابی است و چنین شاعری از دیدگاه خود، شاعر را چنین تعریف می‌کند: شاعر کسی است از که وصف معشوق دفتر سیاه نکند، بلکه باید خود را از اجزای جامعه بداند و نباید آن‌قدر از واقعیت دور بیفتد که درک جامعه و مردم برایش ممکن نباشد و تصورات و تخیلات نباید آن‌قدر در شعر زیاد باشد که خود شاعر هم فریب را آن بخورد و گرفتار آن شود» (یادمان سپیده، ۱۳۷۲: ۱۳) از این‌رو ویژگیهای سبکی این شاعر به صورت ذیل بررسی می‌شود:

الف) فراخوان انقلاب و جنگ

سپیده تحت تأثیر اندیشه‌های سیاسی و دینی خود در کتاب *پروانه‌های شیب*، گاهی با قالب نو و گاهی با قالب سنتی به هنجارشکنی اجتماعی توجه می‌کند و به روشنگری می‌پردازد. پس از

پیروزی انقلاب نیز با سرودن اشعار حماسی در تهییج و ترغیب مردم می‌کوشد.

زندانی زندان غم برخیز ای مانده در بند ستم برخیز

(سپیده کاشانی، ۱۳۷۳: ۶۵)

پر واضح است که در این بیت؛ کاشانی کسانی را که اسیر غم نابسامانی جامعه و مبتلای درد حمله به خاک خود هستند به جهاد و ایستادگی برابر ظلم دعوت می‌کند.

ب (الهام از قیام عاشورا و مقایسه با ایثار رزمندگان

سپیده از اندیشه‌ها و پیامهای سالار شهیدان و یاران وفادارش بسیار سخن گفته و الهام گرفته و اصولاً در بیشتر موارد جبهه و جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را با قیام دشت نینوا مقایسه کرده و همانند دانسته است.

صدای کیست از که دشت بیکرانه می‌آید بسان شعله آتش صور زبانه می‌آید
صدا صدای طنین خوش رضا بقضائک صدا صدای حسین است و جاودانه می‌آید
ز نینوای شهیدان کربلای حسینی وزیده رایحه عشق و جاودانه می‌آید

(همان، ۷۵)

زینب من ای رسول ظهر خون آه ای بانوی دشت لاله گون

(همان، ۱۵۳)

پ (آموزه‌های دینی، ارزشی و اخلاقی

زندگی سپیده، آثار و اندیشه‌هایش با مفاهیم و مضمونهای دینی، قرآنی و انسانی آمیخته شده است. وی در سرتاسر آثارش بجز جهاد و شهادت و ایثار و پایداری به مضمونهای دینی همچون دعا، عهد و پیمان، وفاداری، جهاد و شهادت، دلجویی از یتیمان، امید به بخشایش الهی، مبارزه با نژادپرستی و فاصله طبقاتی و ... نیز توجه می‌کند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود. در برخی موارد این مفاهیم را در قالب اشعار حماسی برای ترغیب رزمندگان به جنگ و پایداری در جنگ به کار برده است.

براین گذر که شگرف، جای پای تو دیدم شهید عشق شدی آن راه یگانه گرفتی
تو را دعای سفر خوانده بود پیر دلاور که هفت وادی اشراق عاشقانه گرفتی
توئی ستاره صبح و من آن سپیده فجرم که زلال نگاهم چو نور لانه گرفتی

(همان، ۱۶)

فریاد کن مؤذن کالله اکبر ما ویرانگر نظام ننگین خصم دون است

(همان، ۱۳۸۹: ۲۹)

همیشه عشق را شرر از نفس دعا بزن موج زنان برو، برو ببر به سر قرار را

- چو نماز سوی دو حق دست التجا برم
نشسته‌ای برابرم، شکسته‌ای حصار را
(همان، ۱۳۷۳: ۲۹)
- قمری به بانگ عجلوا هشدار قُم فأنذر دهد
از کوچه باغ سرخ خون، عاشق به منزل می‌رود
(همان، ۱۳۸۹: ۶۳)
- کاشانی گاه، ضمنی و گاه آشکارا به مسئله حجاب و ضرورت آن در جامعه اسلامی
می‌پردازد و حجاب را به‌عنوان ارزش دینی و اجتماعی برمی‌شمرد.
تو از کدام تباری زن زمانه ما
که گشت همت و ایثار تو فسانه ما زدی
درون سنگر ایمان تو با سلاح حجاب
صلای رهایی ز شب، یگانه ما
کفن نبود حجاب تو ای نجیب صبور
که پرده‌دار عفافی تو در زمانه ما
(همان، ۲۵)
- تو با سلاح حجابت در سنگر دین شکفتی
عطر دل‌انگیز توحید، برخاست از سنگر تو
(همان، ۲۷۵)

ت) برانگیختن رزمندگان به جنگ

سروده‌ها و اشعار سپیده کاشانی در تهییج و ارتقای روحیه حماسی مردم نقش مهمی داشت. وی با تکیه بر آیات و روایات، رزمندگان را به مبارزه علیه دشمن فرا می‌خواند.

هیمة عشق را شرر از نفس دعا بزن
موج زنان برو برو، ببر به سر، قرار را
نشسته خصم خاروش به ساقه نگاه تو
به حربه مقاومت، بکن ز ریشه خار را
(همان، ۲۱)

از ویژگیهای جدانشدنی شعر شاعران دفاع مقدس، تحریک رزمندگان به جنگ و دفاع در برابر مهاجمان است که کاشانی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ابیات زیادی در این زمینه از خود به جا گذاشته است.

ث - وفاداری و پرهیز از پیمان شکنی

سپیده در اشعارش ضمن ستایش و توصیف حضرت علی (ع) - مظهر وفاداری و پیمان‌داری در بسیاری از غزلهایش، روزگارش را دوران بدعهدی و پیمان‌شکنی می‌داند و بویژه به منافقان می‌تازد.

سپیده، رشته‌ها سست است و پیمانها نمی‌پاید
چه سودایی است کز اندیشه خام تو می‌روید
(همان، ۱۳۵۹: ۱۰)

کاشانی از سستی پیمان و بی‌عهدیها گله دارد و این مفهوم را در این بیت و اشعار دیگر بیان می‌کند. شکایت از این پیمان‌شکنی معمولاً به این دلیل است که دوست و همدم شهید رفته و

پرکشیده و او را با خود نبرده است.

با پری از محبت سیر عرش خدا کن
 آی انسان تو را بس از وفا کوله باری
 (همان، ۱۳۷۳: ۵۷)

ج) شهید و شهادت

سپیده، نه تنها به همه شهیدان اسلام و قرآن اعتقاد تمام دارد، بلکه حاضر است غبار چکمه شهیدان را به چشم کشد و ببوسد.

همتشان طارم انجم گرفت
 ای که گذر داری از آن جا بگو
 آه مگر خاک تو خون رنگ نیست
 ساحت این شهر مصلاهی ماست
 تربتشان، خاک تیمم گرفت
 کس نزند گام در آن بی‌وضو
 مرهم هر خسته دل‌تنگ نیست
 خلوت هر عارف و بیت خداست
 (همان، ۵۵)

مسلمانم و آرمانم شهادت
 تجلی هستیست جان‌کندن من
 (همان، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

سحر، شکفتی و بر اوج نور لانه گرفتی
 چنان غریو کشیدی میان بستر گل‌ها
 غروب، شعله‌کشان در شفق زبانه گرفتی
 که سکر خواب خوش از عطر رازیانه گرفتی
 (همان، ۲۷۲)

وی درباره شهادت شید مفتاح این‌گونه می‌گوید:

نگر که منجذب به جذبه‌های سبحانی
 به لب نشانده گل لاله الاالله
 ز نید نقش عبث، دشمنان دین بر هیچ
 قسم به نور صداقت، قسم به صبح یقین
 مفتاح است به محراب پر ز راز قبا
 گشوده دست نیایش سوی یگانه هنوز
 ستاده گرم مناجات عاشقانه هنوز
 به کار فتنه چرایید خودسرانه هنوز؟
 دلیل راه نجات است صادقانه هنوز
 بشیر سوره فتح است آن یگانه هنوز
 (همان، ۱۳۸۹: ۲۷۵)

چ) دعوت به صلح و عدل

سپیده کاشانی هر کجا از گذشته، امروز و آینده و انتظار بشریت سخن می‌گوید به قسط و عدالت نیز می‌پردازد و آرزو می‌کند محبت و عدالت سرتاسر گیتی را فراگیرد. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شعر کاشانی نمودی خاص دارد؛ اما شاعر با توجه به مصایب و ناگواریهای ناشی از جنگ، آرزوی صلح را نیز در شعر خود بیان می‌کند.

نهال عشق گل‌آذین بود اگر ز عدل ثمری داشت
 جهان ز عدل پر آوا بود اگر حقوق بشری داشت
 (همان، ۱۳۷۳: ۱۳۲)

آن گاه که بشکوفد آن گل بر شاخسار عدلت
از طرف هر شاخساری بانگ هزار بیاید
(همان، ۴۷)

از من ای دوست، زین خاک بر پیامی به عالم
ای بشر، گل بیفشان! گل به جای گلوله
با پری از محبت، سیر عرش خدا کن
دی گذشته‌ست و فردا روز قسط و عدالت
ای فرو رفته در خویش! بهر گفتن چه داری؟
(همان، ۱۳۸۹: ۲۷۸)

ح (مدح و منقبت بزرگان، الگویی برای رزمندگان

۱. مدح شهیدان

وی بارها و در جای جای غزلیاتش به مدح و منقبت شهیدان می‌پردازد.

در نینوای ایران کشتند عاشقان را
مردان بی سر ما سامان شدند دین را
پاشی خون پاکان بر آسمان میهن
ما روزه‌دار عشقیم، افطارمان ز خون است
آوای این عزیزان از مرزها برون است
آنجا نوشت یاران، اسلام رهنمون است
(همان، ۲۹)

عندلیب عشق از ویرانه سنگر گذشت
ذره شد در پرتو خورشید جان افروز عشق
با وضوی خون به باغ اختران سجاده برد
آب شد تطهیر از خون گلوی عاشقان
بال بر هم زد ز شوق از سنگر آخر گذشت
در سماع سرخ سربازان حق از سر گذشت
آگه از افسانه دنیای افسونگر گذشت
وانگه از دشت شبیخون خورده خاور گذشت
(همان، ۴۰)

۲. مدح پیامبر(ص)

سپیده کاشانی در شعر «خورشید حجاز» کاملاً به مدح و نعت حضرت رسول (ص) می‌پردازد
که به قسمت‌هایی از آن اشاره می‌شود:

ای نور یقین سلام بر تو
برداشت شکاف طاق کسری
ای محور دین سلام بر تو
شد هیبت تو تا به اوج خضرا
(همان، ۴۸)

۳. مدح حضرت علی (ع)

گاهی مولاعلی (ع) به صورت جداگانه و گاهی برای حمایت و تشویق رزمندگان
می‌ستاید:

هست در این جبهه علمدار تو
میر نجف، حیدر کرّار تو
(همان، ۱۱۶)

۴. مدح ائمه و حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س)

کاشانی اشعار فراوانی در توصیف شخصیت‌های دینی بویژه حضرت زهرا (س)، امام علی (ع)، امام حسین (ع) و خاندانش و امام زمان (عج) سروده است. این مسئله نشانه ارادت او به ائمه معصومین (ع) و هم‌چنین حضرت رسول (ص) است.

قفل زنجیر حقارت باز کرد
بر زنان آزادگی آواز کرد

(همان، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

فروغ دیده‌ما، مهر جاودانه‌ی شامی
خجسته باد قدوم تو، ای که بدر تمامی

(همان، ۲۳۷)

ای اختر صحرای بلا یا زینب
سوگند به خون شهدا یا زینب
ای شمع شبستان ولا یا زینب
دریاب از که کف نرود این صبر

(همان، ۱۳۷۳: ۱۹۰)

۵. حضرت مهدی (عج)

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، سپیده همیشه و پیوسته در آرزوی ظهور منجی و امید به عدالت و پیروزی انقلاب حضرت مهدی (عج) است.

در گریبانش سحر ز آن سوی شبها خواهد آمد
روشنایی بخش دل‌های صف چشم انتظاران
آن فروغ عدل آن قدیس تنها خواهد آمد
بیستون عشق از نورش مصفا خواهد آمد

(همان، ۷۹)

خ (استفاده از داستانهای پیامبران الهی (ع)

از آنجا که کاشانی، شاعری مذهبی است، اشاره به داستان پیامبران الهی (ع) و زندگی آنان در شعر او جایگاهی خاص دارد. حضرت سلیمان (ع)، حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت نوح (ع)، حضرت ایوب (ع) و حضرت آدم (ع) در شعر کاشانی نمود یافته است.

ای در خبر مسیح و موسی
ای حجت کعبه و کلیسا

(همان، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

قیام موسی و عیسی، قیام ابراهیم
نهان به نهضت پیر خمین و یاران بود

(همان، ۲۵۱)

سعید بیابانکی

استاد خسرو احتشامی از شاعران بزرگ اصفهانی در مقدمه کتاب «نه ترنجی نه اناری» درباره بیابانکی این‌گونه می‌گوید: «غزل نو شاعرانی را در دامان پرورده که امید ماندگاری این نوع ادبیاتند. سعید بیابانکی یکی از همین روشنی‌های شهر غزل است که پایداری را جار می‌زند. آنچه از کوزه غزل سعید می‌تراود، احساس و عواطفی است که با شعر معاصر ایرانی از یک آب‌شخور نصیب برده

است. غزل بیابانکی مثل بهترین‌های شعر امروز، آگاهانه، ابتکاری و صمیمانه است؛ پیچیده در تفکری نسبتاً ژرف و اندیشه‌ای گسترش یافته که در نگاه امروزین ادبیات ریشه دارد. نگاهی که تا اعماق اشیا رسوخ می‌کند و می‌تواند چنانکه گوته می‌اندیشید و هگل نیز تأیید می‌کرد، اهمیت صورت را نشان دهد و کیفیات خاص مواد را به‌گونه هنر آشکار سازد.

بیابانکی برای تثبیت خویشتن در پهنه ادبیات معاصر، نیازمند چنگ انداختن به دامان این شاعر یا آن گوینده نیست؛ چرا که شعر او شاهد صادقی است که گواهی بودن و سرودن را در آستین دارد» (بیابانکی، ۱۳۸۲: ۳).

الف (دعوت به بیداری و فراخوان انقلاب و جنگ

گواه تشنگی دشتهای عریان است
نشسته است به سوگ کدام سرو شهید
گلی که گوش به زنگ نماز باران است
شقایقی که در این کوه سر به دامان است؟
(بیابانکی، ۱۳۹۴: ۴۱)

بیابانکی نیز همچون کاشانی در دعوت به بیداری و فراخوان مردم و رزمندگان اشعار و ابیات متعددی دارد:

قطار عمر، چه سنگین از این پل غفلت
تو خواب بودی و روزی هزار بار گذشت
(همان، ۱۳۹۲: ۶۹)

حالی کجاست دست کریم تو
ای روضه دوازدهم بیا
تا یاد نیمه رمضان کنم
تا چشمه‌ها ز دیده روان کنم
(همان، ۱۳۹۴: ۷۶)

به انتظار نشستن در این زمانه یأس
برای منتظران، چاره نیست؛ ناچاری ست
(همان، ۱۳۹۲: ۹)

جواب منتظران را بگو چه خواهی داد؟
همین بس است که چشم انتظار بگذاری؟
(همان، ۱۴)

گرفته بوی تو را خلوت خزانی من
غزل برای تو سر می‌برم، عزیزترین
چنین که بوی تنت در رواق‌ها جاری ست
اگر شبانه بیایی به میهمانی من
چگونه گل نکند بغض جمکرانی من؟
(همان، ۸۵)

پ (پیوند حماسه و عرفان

به یادت سالها ترکیب‌بند محتشم خواندم
صفرهای فراوانی، محرم‌های بسیاری
(همان، ۱۳۹۴: ۵۱)

ذی‌الحجه‌اش درست به پایان نمی‌رسد
تقویم اگر نداشته باشد محرمی
(همان، ۸۱)

نیت رفتن در آغوش خطر دارد حسین
(همان، ۸۲)

خواهد آمد العطش‌ها را جواب از نيزه‌ها
(همان، ۱۳۹۲: ۹۶)

که خاک پای تو مهر نماز خواهد شد
(همان، ۱۳۹۴: ۳۱)

تسبیح و جانماز و خدایی که داشتم
(همان، ۱۳۹۲: ۱۱۳)

یکی از ویژگی‌های بارز شعر بیابانکی استفاده از آموزه‌های دینی است. لغات و ترکیبات دینی در

شعر او به فراوانی یافت می‌شود.

ث (ستایش آزادگان

نخوانده‌ای مگر آزادگان تهیدستانند؟
(همان، ۱۳۹۴: ۴۸)

به چشم منی آشنا، ای غریبه
به یمن ورود شما ای غریبه
(همان، ۱۳۹۲: ۸۹)

به سوی سرو، زبان طلب دراز مکن

تو را می‌شناسم، تو را، ای غریبه
چراغان آینه شد کوچه ما

ج (وفاداری و پرهیز از پیمان شکنی

ما را چقدر مفت به شیطان فروختند
یک عده هم کنار خیابان فروختند
جالیز را به مزرعه داران فروختند
(همان، ۲۹)

عمری نشستند و پرستیدند ما را
نادوستان، آینه نامیدند ما را
بر سینۀ دیوار پاشیدند ما را
(همان، ۵۱)

اندوه و درد از اینکه خدانشناسها

یک عده خویش را پس پشت کتابها
وارونه شد قواعد دنیا، مترسکان

از مرمر حسرت تراشیدند ما را
ما خشت‌هایی خام بر دیوار بودیم
بدمست‌شان کردیم و چون ته‌مانده جام

چ (شهید و شهادت

که آسمان و زمین را به هم گره می‌زد
که بود؟ خاطره‌ای مثل نخلها بی‌دست
صدای گمشده‌ای در نهایی بن‌بست

که بود؟ سبز و رها در دهات بالا دست
که بود؟ حادثه‌ای مثل کوه‌ها بی‌یار
که بود؟ کوله و کشکولی از خدا سرشار

چه کاشت؟ داغ بزرگی که عاشقانه شکفت
 چه شد؟ ترنج درشتی در آسمانها شد
 از او چه مانده به جا؟ خنده‌ای نشسته به قاب
 چه ببرها که در این کوه ناپدید شدند

چه داشت؟ بغض غریبی که شاعرانه شکست
 شبی به دفتر نقاشی شفق پیوست
 پلاک آبی یک نام، کوچهای بن بست
 (همان، ۱۳۸۲: ۳۷)

چه سروها که در آغوش من شهید شدند
 (همان، ۳۳)

ای خاطره‌آینه پیوند
 و ای پیچک پیچای صدایت
 من منتظرت این سوی کارون
 با یاد تو بر تاقچه مانده‌ست

آمیزه‌ای از گریه و لبخند
 پیچیده بر اندام دماوند
 تو خاطره‌ات آن سوی ارونند
 یک شیشه پر از بوی خداوند

(همان، ۵۹)

ح) ستایش میهن

میهنم ای موطن مردان نامیر
 سربلند از خوان آتش سرب‌آوردی

با توام ای سرزمین راست قامت‌ها
 خم به ابرویت نیامد از ملامت‌ها

(همان، ۱۳۹۴: ۴۵)

میهنم در قحط سال ناسپاسی‌ها
 تا بروید دستهای دیگری از من

من تو را چون عطر باران دوست خواهم داشت
 دستهای عاشقم را در تو خواهم کاشت

(همان، ۴۶)

خ) مدح و منقبت

۱. شهیدان

دور تا دور حوض خانه‌ما
 پوک‌های گل‌وله را آری

پوک‌های گل‌وله گل داده‌ست
 پدر از آسمان فرستاده‌ست

(همان، ۱۳۹۴: ۱۹)

میان خاک سر از آسمان درآوردیم
 و جب و جب تن این خاک مرده را کندیم
 چقدر چفیه و پوتین و مهر و انگشتر

چقدر قمری بی‌آشیان درآوردیم
 چقدر خاطره‌نیمه جان درآوردیم
 چقدر آینه و شمع‌دان درآوردیم

(همان، ۱۳۹۲: ۲۵)

۲. امامان بویژه حضرت علی (ع):

چاه تنها محرم اندوه پنهان علی

ماه تنها شاهد چشمان گریان علی

(همان، ۵۷)

۳. حضرت زهرا (س):

چکیده رخسار مصطفی زهراست
عصارهٔ نفات خوش خدا زهراست
(همان، ۱۳۹۴: ۸۷)

۴. حضرت زینب (س):

کسی که از همه زخم تیغ دیده تویی
کسی که از همه زخم زبان شنیده منم
خوشا به حال تو، ای سرو رسته بر سر نی
نگاه کن؛ منم این بید قد خمیده منم
(همان، ۱۳۹۲: ۸۰)

۵. امام رضا (ع):

سلام ای طیب طیبیان سلام
سلام ای غریب غریبان سلام
(همان، ۱۳۹۴: ۷۸)

تو را دیدم و روشنایی شدم
علی ابن موسی الرضایی شدم
(همان، ۷۹)

نتیجه‌گیری

در سطح فکری، شاعران غزلسرای دفاع مقدس اصفهان، برونگرا، طالب شادی، عشق و مذهب هستند. تفکر ایشان مکتبی است و تبلیغ مکتب تشیع، تعهد به شمار می‌آید. تلقی از مرگ، زندگی جاوید در آخرت است و آزادی را در آزاداندیشی و وارستگی می‌دانند و همگی در آرزوی رسیدن به مقام شهیدانند. ایشان از شاعران متعهد و مسئول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هستند که عواملی همچون خانواده مذهبی و انس با قرآن کریم و متون دینی و تربیت اسلامی و پایبندی جدی به اصول و احکام شرعی و عبادی در زندگی بر شعر و اندیشهٔ آنها تأثیر زیادی گذاشته است. بسیاری از مسائل و مشکلات و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان از جمله انقلاب و جنگ و شهیدان در اشعار غزلسرایان دفاع مقدس اصفهان منعکس شده است. این شاعران به پیامبر اکرم (ص)، امام‌علی (ع)، حضرت‌زهرا (س)، امام‌حسین (ع) و دیگر امامان شیعی توجه و علاقهٔ خاصی دارند و در سرتاسر اشعارشان به مدح و منقبت فضایل آنان پرداخته‌اند. از سوی دیگر هر دو شاعر با احساسی عمیق به وطن و سرزمین مادری خود، که زیر بار هجوم دشمن در حال ویران شدن است، عشق می‌ورزند. تصاویری که هر دو شاعر از وطن ارائه می‌کنند، نشانگر عمق مهر آن دو به میهن است. هم‌چنین این دو شاعر اصفهانی سعی می‌کنند روح مقاومت را نزد رزمندگان و مبارزان زنده نگه دارند. آنان به رزمندگان این نوید را می‌دهند که در هر صورت - چه موفق شوند و چه شکست بخورند و به درجهٔ رفیع شهادت نائل شوند - پیروزی نهایی از آن آنهاست. این عقیده

را از منبع مشترکی، که فرهنگ هر دو شاعر از آن وام گرفته و آن هم فرهنگ جهاد در اسلام است، می‌توان منبعث دانست. به‌رغم این وجوه اشتراک، شعر این دو شاعر مقاومت به‌طور کلی چندین تفاوت اساسی نیز با هم دارد. روح امیدواری و آینده‌ای روشن همراه با عزت و سربلندی در اشعار سپید کاشانی در حوزه شعر مقاومت پررنگتر است بویژه در اشعاری که به ستایش شهیدان و رزمندگان می‌پردازد.

در سطح زبانی نیز هر دو شاعر شعری پخته دارند که در آثار خود از واژگان نظامی و دینی و هم‌چنین ترکیبات انقلابی و جنگی به فراوانی استفاده کرده‌اند. این شاعران در سطح ادبی از آرایه‌ها و صنایع متعدد ادبی بهره برده‌اند و هم‌چنین از آثار و اشعار شاعران پیشین - چه تلمیحاً و چه تضمیناً - اقتباس می‌کنند.

انتظار مهدی موعود (عج) و امید به ظهور منجی عالم بشریت یکی از بارزترین جنبه‌های اعتقادی شعرای اصفهانی است. هم‌چنین قیام کربلا و حماسه حسینی بر اندیشه‌های شاعران این مرز و بوم تأثیر زیادی گذاشته است. غزل دفاع مقدس اصفهان، ساده و روان و از تعقیدهای لفظی و معنوی به‌دور است و نمایانگر ذوق، اشتیاق و احترام شاعران این خطه از سرزمینمان به دفاع مقدس و ارزشهای آن است.

منابع

الف) کتابها

۱. اکبری، منوچهر (۱۳۷۱). **نگاهی به انقلاب نور**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت.
۲. اکبری، منوچهر. (۱۳۷۱). **نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی**. ج ۱. تهران: سمت.
۳. امین‌پور، قیصر (۱۳۶۳). **در کوچه آفتاب**. تهران: واحد انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. بهار، محمدتقی (۱۳۸۰). **سبک‌شناسی**. تهران: نشر امیرکبیر.
۵. بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۷۱). **ادبیات پایداری لازمه هر ملت**. مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سمت.
۶. بیابانکی، سعید (۱۳۸۲). **نه ترنجی نه اناری**. اصفهان: انتشارات نقش مانا.
۷. بیابانکی، سعید (۱۳۹۲). **چقدر پنجره**. تهران: انتشارات شهرستان ادب.
۸. بیابانکی، سعید (۱۳۹۴). **یلدا**. تهران: انتشارات سوره مهر.
۹. بیگی حبیب‌آبادی، پرویز (۱۳۸۲). **حماسه‌های همیشه**. ج اول تا سوم. تهران: نشر فرهنگ گستر.
۱۰. حسینی، حسن (۱۳۶۳). **هم‌صدا با حلق اسماعیل**. تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۱. سزواری، حمید (۱۳۷۶). **سرود درد**. تهران: انتشارات کیهان.

۱۲. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. چ اول تا سوم. تهران: انتشارات پالیزبان.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). کلیات سبک‌شناسی. چ دوم. تهران: نشر مینا.
۱۴. عبادیان، محمود (۱۳۷۲). درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات. چ دوم. تهران: انتشارات آوای نور.
۱۵. فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۳). ادبیات کهن و معاصر ایران. چ دوم. تهران: نشر امیرکبیر.
۱۶. فضل، صلاح (۲۰۰۸). علم الاسلوب. دارالمکتب مصر: لبنان.
۱۷. کاشانی، سپیده (۱۳۵۹). پروانه‌های شب. تهران: نشر پدیده.
۱۸. کاشانی، سپیده (۱۳۷۳). سخن آشنا. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۱۹. کاشانی، سپیده (۱۳۷۵). هزار دامن گل سرخ. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. کاشانی، سپیده (۱۳۸۹). مجموعه آثار سپیده کاشانی. تهران: انجمن قلم ایران.
۲۱. کافی، غلامرضا (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۲. کافی، غلامرضا (۱۳۹۳). ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. چ اول و دوم. تهران: مجتمع فرهنگ عاشورایی.
۲۳. وردانک، پیتر (۱۳۸۹). مبانی سبک‌شناسی. ترجمه محمد غفاری. تهران: نشر نی.
۲۴. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.
۲۵. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). معانی و بیان. چ سوم. تهران: نشر هما.
- ب) مقاله‌ها**
۲۶. حسینی، سیدحسین (۱۳۶۲). شعر انقلاب. جنگ پنجم سوره، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. تهران.
۲۷. فراست، قاسمعلی (۱۳۷۱). فرهنگ جنگ را دریابیم. کیهان فرهنگی. س نهم، ش نهم. آذرماه.
۲۸. کافی، غلامرضا (۱۳۹۱). ویژگی‌های سبکی منظومه‌های دفاع مقدس. نشریه ادبیات پایداری. س ۳. ش ۶: ۳۶۳-۳۸۳.

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۵؛ ۱۲۹-۱۱۱

تحلیل نگرش و میزان رضایت غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب

دفاع مقدس

علی فلاحی^۱، کاظم موذن^۲

۱. دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز ۲. دانش‌آموخته دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

(دریافت: ۹۷/۱۱/۲۹، پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۶)

چکیده

یکی از مهمترین راه‌های حفظ و زنده نگهداشتن یاد شهدا تولید آثار در قالب کتاب و شیوه عرضه آن در جامعه است. نمایشگاه کتاب دفاع مقدس رویدادی است که سالانه در کشور با هدف تسهیل در عرضه این محصولات برگزار می‌گردد و نقش مؤثری در افزایش میزان فروش محصولات در بازه‌های زمانی مشخص دارد که جامعه هدف این رویداد بزرگ علاوه بر مخاطبان، ناشران و عرضه‌کنندگان کتاب دفاع مقدس هستند. این پژوهش با هدف شناسایی نوع نگرش و میزان رضایت عرضه‌کنندگان و ناشران کتاب دفاع مقدس از نمایشگاه کتاب دفاع مقدس صورت پذیرفت. بررسیها نشان داد اغلب ناشران از وضعیت کلی نمایشگاه به میزان متوسط رضایت دارند. از دید غرفه‌داران و ناشران هفتمین نمایشگاه ملی دفاع مقدس از میان مشکلات تولید کتابهای عرضه دفاع مقدس به ترتیب موارد عدم حمایت از ناشران خصوصی با حدود ۱۹ درصد، قیمت زیاد کتابها با حدود ۱۳ درصد، توزیع نامناسب محصولات با حدود ۱۱ درصد، عدم انتخاب سوژه‌های جذاب با حدود ۹ درصد، توان ضعیف نویسندگان و تولیدکنندگان آثار با حدود ۹ درصد، نداشتن دسترسی به اسناد و مدارک برای تولید آثار با حدود ۹ درصد، کمبود تنوع قالب و محتوا با حدود ۸ درصد، طراحی و صفحه‌بندی نامناسب با حدود ۷ درصد، رویکرد شعاری و غیرواقعی در پرداخت به سوژه‌ها با حدود ۶ درصد، حق تألیف زیاد نویسندگان درجه یک با حدود ۵ درصد دارای بیشترین اهمیت بوده است.

کلید واژه‌ها: کتاب دفاع مقدس، نمایشگاه کتاب دفاع مقدس، رضایتمندی ناشران از

نمایشگاه‌ها.

مقدمه

دفاع مقدس، حادثه‌ای استثنایی است که بدون شک درخشانترین نقطه تاریخ ملت ایران و تاریخ بشری از این حیث است که ملتی با دست خالی در برابر چند ابرقدرت جهانی به پیروزی رسید که یکی از نابرابرترین جنگهای تاریخ را تحمیل کرد. حفظ فرهنگ دفاع مقدس برای انتقال سینه به سینه به نسلهای آینده و تمام آزادیخواهان دنیا امکانپذیر نیست مگر از طریق ابزارهای ارتباطی و محصولات فرهنگی که یکی از مؤثرترین و ماندگارترین آنها "کتاب" است. چنانچه ملتی بخواهد در برابر ظلم و بی‌عدالتی بایستد، اگر از سرمایه‌های عظیم و تجربیات فرهنگ دفاع مقدس و جنگ تحمیلی استفاده نکند، دچار خسران و زیان خواهد شد. هم‌چنین ضرورت دارد حوادث این برهه تاریخی برای نسلهای آینده به‌عنوان سندی ماندگار حفظ و ثبت شود. ملت ایران در دوران دفاع مقدس بیش از دویست هزار شهید برای حفظ ایران و اسلام تقدیم کرد که بررسی خاطرات، تفکرات و تجربیات هر یک از آنها سرمایه عظیمی است که حفظ و گسترش آن ضروری به‌نظر می‌رسد. از طرفی بسیاری از معاندان جنگ تحمیلی و نظام جمهوری اسلامی در صدد هستند تا با وارونه جلوه‌دادن برخی از حقایق این اتفاق، افکار عمومی را بویژه در نسلهای جدید به انحراف بکشند و برای تضعیف فرهنگ مقاومت و پایداری در جامعه از آن بهره‌برداریهایی جناحی و سیاسی کنند؛ لذا ضرورت دارد تا با نشر معارف این اتفاق و تبدیل آن به سند بویژه توسط کسانی که در رقم‌خوردن این حماسه سهم داشتند، اقدامات اساسی با هدف انتشار گسترده آن برای آشنایی نسلهای جدید اقدامات سودمندی انجام شود. هرچند در سالیان گذشته اتفاقات خوبی در این زمینه رخ داده و آثار فراوانی تولید شده است با توجه به گستردگی این حماسه عظیم هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب، این اقدامات ناکافی به نظر می‌رسد. یکی از راه‌های سودمند انتشار هرچه گسترده‌تر این معارف برگزاری نمایشگاه کتاب سالانه دفاع مقدس است که همه‌ساله با حضور نویسندگان، مؤلفان و ناشران مطرح و حرفه‌ای در این زمینه برگزار می‌شود و راه‌های ارتباطی این قشر و مخاطبان هرچه بیشتر فراهم می‌شود. ضرورت دارد تا برنامه‌ریزیها به‌گونه‌ای صورت پذیرد تا این اتفاق همه‌ساله با رشد چشمگیرتری نسبت به دوره‌های گذشته برگزار، و کمبودها توسط اجراکنندگان برطرف، و ذائقه مخاطبان با توجه به تغییرات گسترده و سریع فرهنگی امروزه شناسایی شود و با ذائقه مخاطب ارتباط بهتری برقرار گردد که یکی از مهمترین آنها شناسایی میزان رضایت ناشران و غرفه‌داران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس است.

رضایت مشتری احساسی است که در نتیجه ارزیابی از کیفیت به دست می‌آید و درجه‌ای از اختلافات بین انتظارات و ادراک مشتریان است (Othman and Owen, 2002). معمولاً با بهبود کیفیت خدمات، رضایتمندی مشتری افزایش می‌یابد و به نتایج رفتاری مانند تعهد، میل به ماندن و افزایش تحمل مشتری به اشکالات در عرضه خدمات منجر خواهد شد (arasli et al, 2005). توجه

به نیازها و انتظارات مشتری سبب افزایش وفاداری مشتریان، بهبود عملکرد، کاهش هزینه‌های غیرضروری و افزایش سودآوری می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۵). تبادل و عرضه محصولات به صورت گسترده و موفقیت تجاری مستلزم حرکت به سوی به‌کارگیری راهبردهای مناسب و نگاه مدبرانه به نیازها و خواسته‌های مشتریان با سلیقه‌های مختلف است. فعالیتهای ترفیعی به‌عنوان یکی از عناصر آمیخته بازاریابی در برگزیده تبلیغات، فروش حضوری، پیشبرد فروش و روابط عمومی است که در دستیابی به اهداف برنامه فروش مورد استفاده قرار می‌گیرد (روستا و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲۴). شرکت در نمایشگاه‌های متمرکز جنبه مهمی از پیشبرد فروش و عرضه محصولات به مشتریان است و این فرصت را فراهم می‌آورد که ضمن به‌نمایش گذاشتن تولیدات و خدمات، مشتریان بالقوه نیز شناسایی شوند (همان، ۲۶). اصولاً هر اقدام فرهنگی باید برای ارتباطات خود، برنامه مدون قابل اجرا داشته باشد که در آن هدف ارتباطات، روش ارتباطات، هزینه و بودجه ارتباطات، مجریان سیاستهای ارتباطی، طرفهای مخاطب ارتباطات و نوع پیام مورد توجه قرارگیرد (hill, 2000). نمایشگاه یکی از ابزارهای اصلی اجرای برنامه‌ها و سیاستهای ارتباطی به‌شمار می‌رود که نقش رسانه را دارد و در آن شرکت‌کننده با در اختیار گرفتن غرفه و نمایش محصول خود به‌عنوان فرستنده وارد عمل می‌شود و بازدیدکننده نیز در جایگاه گیرنده اطلاعات را پیدا می‌کند. تولیدکنندگان باید توان ایجاد ارتباط با مصرف‌کننده و خریدار را داشته باشند و از قالبهای مختلفی مانند تبلیغات تجاری، حضور در نمایشگاه‌ها، اعزام هیئت‌های بازاریاب و شناساندن کالای خویش استفاده کنند تا موفقیت خود را تضمین نمایند و مسیر استمرار حرکت خود را در عرصه تولید هموار سازند. نمایشگاه به‌معنای محل و مکان نمایش است. نمایشگاه‌ها در زمینه‌های مختلف بازرگانی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی و علمی تشکیل می‌شود که در این تحقیق در زمینه نمایشگاه‌های فرهنگی با موضوع عرضه کتابها در حوزه دفاع مقدس است. در نمایشگاه می‌توان علاوه بر جذب مشتریان جدید و بهبود مناسبات با مشتریان فعلی تغییرات در ترکیب و رفتار آنها را به دست آورد و ضمن تماس مستقیم با خریداران بالقوه، کسب اطلاعات در مورد محصولات جدید، عرصه‌های نوین برای تولید کالاها یا عرضه خدمات به مشتریان را دریافت کرد. از عوامل مؤثر در حضور در نمایشگاه، فروش محصولات، جذب مشتریان، افزایش اطلاعات و افزایش شهرت و نماد است. حضور در نمایشگاه به خریداران امکان می‌دهد تا به‌طور مؤثر با شش تا ده شرکت در یک روز ملاقات شفاهی، و نیازهای خود را مطرح کنند. بنا به ارزیابی مرکز تحقیقات صنعتی نمایشگاهی، هر تماس رو در رو در نمایشگاه چند برابر تماس تلفنی ارزش دارد. یکی دیگر از ارزشهای کلیدی نمایشگاه، توانایی کاهش چرخه‌های فروش و دستیابی به خریداران ناشناخته است. به‌طور متوسط هر بار حضور در نمایشگاه ۲۰ تا ۳۰ درصد بر میزان فروش تأثیرگذار بوده است (رضائی، ۱۳۸۳:

۱۱). در طول چند سال گذشته، بازدیدکنندگان نمایشگاه به خریداران جدی‌تری تبدیل شده‌اند؛ کیفیت کار عرضه‌کنندگان ارتقا یافته است و غرفه‌داران توانسته‌اند با اعتمادبه‌نفس و فعالیت صحیح به نتایج بهتر در فروش دست یابند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶). ملاقات با کسانی که امکان ملاقات در محیط خارج از نمایشگاه با آنها دشوار است، در نمایشگاه فراهم می‌شود؛ حتی از این طریق می‌توان به خریداران کلیدی نیز دست یافت. شرکتها برای ارائه ارزشی بیشتر و تأمین رضایت مشتریان در هر زمینه‌ای به اطلاعات نیازمندند؛ به عبارتی بازاریابی و عرضه محصولات خوب از طریق درک عمیق از خواسته‌ها و نیازهای مشتریان شروع می‌شود (کاتلر و آرمسترانگ، ۱۳۷۹). نمایشگاه بهترین مکان آگاه‌ساختن جهان از وجود شرکت و کسب موقعیت فرهنگی است. بازدیدکنندگان از نبود شرکت‌های مهم در نمایشگاه، آگاه هستند و این آگاهی هشدار در ذهن خریدار برمی‌انگیزد. با توجه به اهمیت عوامل مؤثر بر حضور در نمایشگاه، گرایشهای راهبردی مهم است که شامل گرایش به بازار و نیت راهبردی است. گرایش به بازار به معنای اقداماتی به‌منظور درک و توجه به مشتریان و ارائه راهکارها، محصولات و خدماتی متناسب با علائق و نیازهای آنها است (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۰). در این بخشهایی که می‌توانند به صورت کارایی اطلاعات بازار و فناوری و تغییرات آن را جمع‌آوری، و در یک کلام به عنوان مجموعه‌هایی با گرایش بیشتر به بازار فعالیت کنند؛ دارای توانمندیهای فناورانه بهتر باشند و امکان عرضه خدمات کارا تر به مشتریان را فراهم سازند (ایرانی، ۱۳۸۱: ۵۶). بازاریابی، نوعی فرایند اجتماعی و مدیریتی است که به‌وسیله آن، افراد و گروه‌ها می‌توانند از طریق تولید، ایجاد و مبادله محصولات و ارزشها با دیگران، نیازها و خواسته‌های خود را برآورده سازند (فیلیپ کاتلر، ۱۹۹۹). بنابراین بازاریابی در عرضه محصولات فرهنگی در رونق بیشتر مصرف فرهنگی نقش مؤثری دارد. شرکت‌های بزرگ و موفق دنیا، حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی را فرصتی طلایی برای ایجاد ارتباط، اطلاع‌رسانی و پیشبرد فروش می‌دانند و به همین دلیل در تشکیلات سازمانی آنها مدیریت ویژه‌ای برای مطالعات ستادی و عملیات اجرایی شرکت در نمایشگاه‌ها و پیگیری دستاوردها ایجاد شده است (بلوریان‌تهرانی، ۱۳۷۶: ۱۸). غرفه‌داران و ناشران یکی از مهمترین کنشگران نمایشگاه‌های کتاب هستند؛ چرا که نقش محوری در میزان فروش و معرفی کتابها ایفا، و به گرم‌شدن فضای فرهنگی حاکم بر نمایشگاه کمک شایانی می‌کنند. این افراد از سوی دیگر به دلیل سابقه فعالیت فرهنگی در حوزه نشر کتاب و اشراف نسبی نسبت به مسائل این حوزه، دیدگاه‌های ارزشمندی در این زمینه می‌توانند داشته باشند. در این پژوهش، محقق اولاً در پی بررسی مشخصات و ویژگیهای جمعیت شناختی غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه است تا شناخت بهتری در زمینه ویژگیهای این دسته از فعالان فرهنگی پیدا کند. ثانیاً از فرصت هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع‌مقدس بهره جسته است تا نگرش این دسته از فعالان فرهنگی را نسبت به جریان تولید کتاب در زمینه دفاع‌مقدس در کشور دریافت کند. ثالثاً نگرش و

میزان رضایت این افراد را از چگونگی برگزاری نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس جویا شود. در واقع این تحقیق به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل است:

سؤالات تحقیق

اهداف این تحقیق در سه سؤال اصلی دنبال می‌شود:

۱. ویژگیهای جمعیت شناختی غرفه‌داران و ناشران هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس و هم‌چنین مدت‌زمان فعالیت آنها در این عرصه چگونه است؟
۲. نگرش غرفه‌داران نسبت به جریان تولید کتاب در عرصه دفاع مقدس چیست؟
۳. نظر غرفه‌داران نسبت به چگونگی برگزاری هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس چگونه است؟

البته ذیل هر سؤال اصلی، سؤالات جزئی نیز مطرح می‌شود. در زمینه سؤال اول می‌توان سؤالات جزئی و جداگانه‌ای را ناظر به «جنسیت»، «سن»، «مدت‌زمان فعالیت در زمینه کتاب دفاع مقدس»، «میزان تحصیلات» و «وضعیت اشتغال» غرفه‌داران حاضر در هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس مطرح کرد.

در زمینه سؤال دوم نیز می‌توان سؤالات جزئی و جداگانه‌ای را ناظر به «میزان رضایت از کمیت و کیفیت کتابهای دفاع مقدس»، «مهمترین مشکلات کتابهای عرصه دفاع مقدس»، «گونه‌های پراهمیت کتاب در حوزه دفاع مقدس که نیازمند حمایت است» و «بهترین کتابهای تولید شده در حوزه دفاع مقدس» مطرح کرد.

در زمینه سؤال سوم نیز می‌توان سؤالات جزئی و جداگانه‌ای را ناظر به «حضور غرفه‌داران در شش دوره پیشین نمایشگاه کتاب دفاع مقدس»، «مهمترین نقاط ضعف نمایشگاه»، «میزان رضایت از ابعاد مختلف نمایشگاه شامل مسائل بهداشتی، غذا و پذیرایی، رفت‌وآمد، فضا سازی نمایشگاه، زمان تحویل غرفه، جانمایی غرفه و اندازه آن»، «مقایسه این دوره نمایشگاه با دوره‌های پیشین»، «میزان رضایت از چگونگی برگزاری نمایشگاه امسال» و «پیشنهادهایی در جهت ارتقا و بهبود وضعیت نمایشگاه» مطرح کرد.

لازم به ذکر است که نسخه نهایی پرسشنامه غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه در دو صفحه و شامل ۱۵ سؤال آماده شد. این پرسشنامه با دریافت نظر اصلاحی سه نفر از محققان و پژوهشگران فعال در عرصه علوم اجتماعی و هم‌چنین یک نفر از محققان فعال در زمینه کتاب و ادبیات نوشته شده و نهایتاً به تأیید آنها رسیده است.

روش تحقیق

شیوه تحقیق به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه صورت گرفت. با توجه به اینکه هدف اصلی این بخش از پژوهش، مشخص کردن نگرش غرفه‌داران و ناشران فعال در حوزه کتاب دفاع مقدس بوده است، جامعه آماری پژوهش تمامی غرفه‌داران نمایشگاه بوده‌اند. با توجه به اینکه تعداد غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه زیاد نبود (با توجه به حضور ۷۹ غرفه در نمایشگاه امسال) این بخش از پژوهش بدون نمونه‌گیری و به شکل تمام‌شماری صورت گرفته است. اگرچه در روند تکمیل پرسشنامه‌ها، تمامی غرفه‌داران، همکاری لازم را نکردند و ۱۴ پرسشنامه بدون پاسخ ماند و محقق نهایتاً موفق به جمع‌آوری ۶۶ پرسشنامه شده است. باید توجه کرد که پرسشنامه‌ها صرفاً در میان غرفه‌های مربوط به ناشران توزیع شده است و متصدیان غرفه‌های مرتبط با دبیرخانه نمایشگاه در این نظرسنجی شرکت نکرده‌اند؛ چرا که دیدگاه این دسته از فعالان فرهنگی می‌توانست به شکل نامناسبی به نتایج پژوهش جهت‌دهی کند. هم‌چنین بیان این نکته ضروری است که صرفاً «یک» پرسشنامه بین تمام ۷۹ غرفه مربوط به ناشران نمایشگاه توزیع شده است و به غرفه‌هایی که توسط چند متصدی همزمان و یا نوبتی اداره می‌شد، چند پرسشنامه داده نشده است؛ چرا که این موضوع نیز می‌توانست به جهت‌دهی نتایج پژوهش به سمت دیدگاه غرفه‌ها و ناشران بزرگتر منجر شود. روش توزیع پرسشنامه‌ها نیز بدین صورت بوده است که در روزهای میانی نمایشگاه، پرسشنامه‌ها پس از ارائه توضیحات مختصری راجع به اهداف و مقاصد این پژوهش (ارتقای وضعیت نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس و تولیدات مکتوب در این عرصه) توسط محقق و همکاران در اختیار تمامی غرفه‌داران قرار داده شد. انتخاب این زمان از این رو صورت گرفته است که لازمه صحت و دقت اطلاعات، این بود که غرفه‌داران چند روز در فضای نمایشگاه حضور می‌داشتند تا ذهنیت و نظر واقعی آنها درباره وضعیت نمایشگاه شکل بگیرد. پس از گذشت یک تا دو روز از توزیع پرسشنامه‌ها و در روزهای پایانی نمایشگاه، پرسشنامه‌ها با مراجعه دوباره به غرفه‌داران جمع‌آوری شده است.

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس

در این بخش تحلیل توصیفی درباره شرکت‌کنندگان در نظرسنجی به لحاظ جنسیت، سن، تحصیلات، مدت‌زمان فعالیت در حوزه نشر دفاع مقدس، شغل و مدرک تحصیلی ارائه می‌شود. ۱۵ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی را زنان و حدود ۸۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. هم‌چنین از نظر سنی وضعیت شرکت‌کنندگان در نظرسنجی بدین صورت است که حدود ۱۵ درصد از شرکت‌کنندگان کمتر از ۲۵ سال، حدود ۳۴ درصد بین ۲۵ تا ۳۰ سال، حدود ۱۸ درصد بین ۳۰ تا ۳۵ سال، حدود ۱۰ درصد بین ۳۵ تا ۴۰ سال، حدود ۴ درصد بین ۴۰ تا ۴۵ سال و

حدود ۹ درصد بین ۴۵ تا ۵۰ سال و در نهایت حدود ۶ درصد بیشتر از ۵۰ سال دارند.

جدول ۱. فراوانی و درصد فراوانی گروه‌های سنی غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس

سن	تعداد افراد	درصد از کل
کمتر از ۲۵	۱۰	۱۵/۶۲
۲۵-۳۰	۲۲	۳۴/۳۷
۳۰-۳۵	۱۲	۱۸/۷۵
۳۵-۴۰	۷	۱۰/۹۳
۴۰-۴۵	۳	۴/۶۸
۴۵-۵۰	۶	۹/۳۷
بالتر از ۵۰	۴	۶/۲۵

از نظر مدت‌زمان فعالیت در حوزه نشر کتاب دفاع مقدس نیز از غرفه‌داران سؤالی پرسیده شد که پس از تحلیل پاسخ‌ها این نتایج به دست آمد که حدود ۴۰ درصد کمتر از ۵ سال، حدود ۳۸ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، حدود ۱۲ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و حدود ۷ درصد بیشتر از ۱۵ سال سابقه فعالیت در حوزه نشر کتاب دفاع مقدس داشته‌اند.

جدول ۲. فراوانی و درصد فراوانی مدت‌زمان فعالیت غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس در

حوزه نشر کتاب

مدت‌زمان فعالیت	تعداد	درصد
کمتر از ۵ سال	۲۲	۴۰/۷۴
۵-۱۰ سال	۲۱	۳۸/۸۸
۱۰-۱۵ سال	۷	۱۲/۹۶
بیشتر از ۱۵ سال	۴	۷/۴

از نظر وضعیت مدرک تحصیلی نیز حدود ۵۰ درصد از غرفه‌داران مدرک کارشناسی، حدود ۲۴ درصد مدرک دیپلم، حدود ۱۹ درصد مدرک کارشناسی ارشد، حدود ۳ درصد مدرک دکتری، حدود ۱/۵ درصد مدرک حوزوی و حدود ۱/۵ درصد نیز زیر دیپلم بوده‌اند.

جدول ۳. فراوانی و درصد فراوانی مدرک تحصیلی غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس

مدرک تحصیلی	تعداد افراد	درصد از کل
زیر دیپلم	۱	۱/۵۱
دیپلم	۱۶	۲۴/۲۴
کارشناسی	۳۳	۵۰
کارشناسی ارشد	۱۳	۱۹/۶۹
دکتری	۲	۳/۰۳
حوزوی	۱	۱/۵۱

هم‌چنین در زمینه اشتغال حدود ۲۸ درصد کارمند، حدود ۲۵ درصد ناشر، حدود ۱۲ درصد نظامی، حدود ۱۱ درصد نویسنده، حدود ۵ درصد طلبه و دانشجو، حدود ۲ درصد سرباز، حدود ۱/۴ درصد دارای شغل آزاد بوده و حدود ۱۲ درصد گزینه دیگر را انتخاب کرده‌اند.

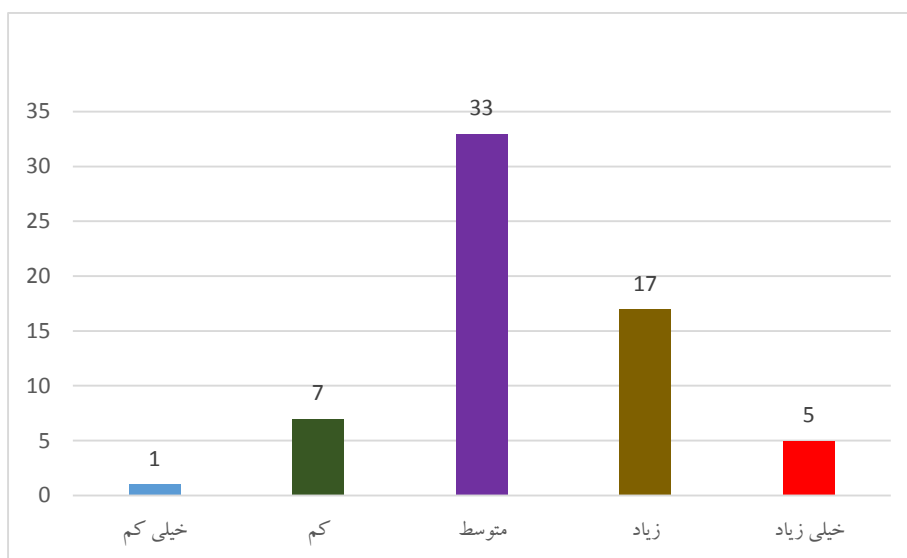
نگرش غرفه‌داران و ناشران نسبت به تولیدات عرصه دفاع مقدس

در این بخش نگرش غرفه‌داران و ناشران درباره تولیدات عرصه دفاع مقدس مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مواردی در زمینه میزان کمیت و کیفیت کتابهای تولید شده در زمینه دفاع مقدس، مهمترین مشکلات در زمینه کتابهای عرصه دفاع مقدس، گونه‌های پراهمیت کتاب در حوزه دفاع مقدس که نیازمند حمایت است و بهترین کتابهای تولید شده در حوزه دفاع مقدس.

رضایت از میزان و کیفیت کتابهای تولید شده در زمینه دفاع مقدس

از نظر شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، میزان رضایت از میزان و کیفیت کتابهای تولید شده در زمینه دفاع مقدس حدود ۵۲ درصد متوسط، حدود ۲۶ درصد زیاد، حدود ۱۱ درصد کم، حدود ۷ درصد خیلی زیاد و حدود ۱/۵ درصد خیلی کم بوده است.

نمودار ۱. میزان رضایت غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه از میزان و کیفیت کتابهای تولید شده در زمینه دفاع مقدس



مهمترین مشکلات در زمینه عرضه کتابهای عرصه دفاع مقدس

از نظر غرفه‌داران و ناشران هفتمین نمایشگاه ملی دفاع مقدس از میان مشکلات تولید کتابهای عرصه دفاع مقدس به ترتیب موارد عدم حمایت از ناشران خصوصی با حدود ۱۹ درصد، قیمت زیاد کتابها با حدود ۱۳ درصد، توزیع نامناسب محصولات با حدود ۱۱ درصد، عدم انتخاب سوژه‌های جذاب با حدود ۹ درصد، توان ضعیف نویسندگان و تولیدکنندگان آثار با حدود ۹ درصد، نداشتن دسترسی به اسناد و مدارک برای تولید آثار با حدود ۹ درصد، کمبود تنوع قالب و محتوا با حدود ۸ درصد، طراحی و صفحه‌بندی نامناسب با حدود ۷ درصد، رویکرد شعاری و غیرواقعی در پرداخت به سوژه‌ها با حدود ۶ درصد، حق تألیف زیاد نویسندگان درجه یک با حدود ۵ درصد دارای بیشترین اهمیت بود است.

جدول ۴. فراوانی و درصد فراوانی مهمترین مشکلات عرصه تولید کتابهای دفاع مقدس از نگاه غرفه داران و

ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس

درصد	تعداد	عنوان مشکل
۱۹/۷۸	۳۶	حمایت نکردن از ناشران خصوصی
۱۳/۱۸	۲۴	قیمت زیاد کتابها
۱۱/۵۳	۲۱	توزیع نامناسب محصولات
۹/۳۴	۱۷	انتخاب نکردن سوژه‌های جذاب
۹/۳۴	۱۷	توان ضعیف نویسندگان و تولیدکنندگان آثار
۹/۳۴	۱۷	نداشتن دسترسی به اسناد و مدارک برای تولید آثار
۸/۲۴	۱۵	کمبود تنوع قالب و محتوا
۷/۱۴	۱۳	طراحی و صفحه‌بندی نامناسب
۶/۵۹	۱۲	رویکرد شعاری و غیرواقعی در پرداخت به سوژه‌ها
۵/۴۹	۱۰	حق تألیف زیاد نویسندگان درجه یک

گونه‌های کتاب نیازمند حمایت در عرصه دفاع مقدس

این پرسش از غرفه داران و ناشران پرسیده شد که «به نظر شما کدام یک از گونه‌های کتاب در حوزه دفاع مقدس، نیازمند حمایت بیشتری است؟» که از نظر این شرکت کنندگان به ترتیب تاریخ مستند با حدود ۱۶ درصد، تاریخ شفاهی با حدود ۱۶ درصد، فیلمنامه با حدود ۱۴ درصد، رمان با حدود ۱۳ درصد، مجموعه داستان با حدود ۱۳ درصد، اسناد با حدود ۱۰ درصد، نمایشنامه با حدود ۸ درصد و شعر با حدود ۶ درصد دارای بیشترین اهمیت بوده است.

جدول ۵. فراوانی و درصد فراوانی گونه‌های کتاب دفاع مقدس نیازمند حمایت از دید غرفه داران و ناشران

نمایشگاه کتاب دفاع مقدس

درصد	تعداد	نوع کتاب
۱۶/۶۶	۲۸	تاریخ مستند
۱۶/۶۶	۲۸	تاریخ شفاهی
۱۴/۲۸	۲۴	فیلمنامه
۱۳/۶۹	۲۳	رمان
۱۳/۰۹	۲۲	مجموعه داستان
۱۰/۷۱	۱۸	اسناد
۸/۳۳	۱۴	نمایشنامه
۶/۵۴	۱۱	شعر

نام بهترین کتابهای تولیدشده در عرصه دفاع مقدس

از نظر ناشران و غرفه‌داران نمایشگاه، کتابهای ذیل دارای بیشترین محبوبیت و تأثیرگذاری بوده است و جزو بهترین کتاب در عرصه دفاع مقدس تاکنون به شمار می‌آید:

جدول ۶. بهترین کتابهای عرصه دفاع مقدس از دید غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس

ردیف	نام کتاب	تعداد انتخاب
۱	دا	۱۶
۲	پایی که جا ماند	۱۳
۳	من زنده‌ام	۷
۴	نورالدین پسر ایران	۶
۵	خاکهای نرم کوشک	۵
۶	لشکر خوبان	۳
۷	همپای صاعقه	۲
۸	آن ۲۳ نفر	۲
۹	بچه‌های حاج قاسم	۲
۱۰	اطلس نبردهای ماندگار	۲
۱۱	سلام بر ابراهیم	۲
۱۲	دختر شینا	۲

هم‌چنین کتابهای دیگر همچون «ام کاکا»، «مثلث‌های مستأصل»، «خاکریز اقدام و عمل»، «ازدواج به سبک شهدا»، «شمار ۱۴۳»، «خداحافظ سردار (مهدی باقری)»، «سلام بر ابراهیم»، «پیغام ماهی‌ها»، «فیض حضور»، «مجنون به خاطر گل‌های کاغذی»، «فرشته‌ها عاشق می‌شوند»، «فرشته نجات»، «اوخشامادار»، «باز روایت عملیات فاو ام القصر»، «جمیل»، «آب هرگز نمی‌میرد»، «رد پای در رمل»، «پرواز تا بی‌نهایت»، «عباس دست طلا»، «بابا نظر»، «راهیان آسمان»، «خط پشتیبان»، «هشت مین»، «فروود اضطراری»، «معبّر خونین»، «کمینگاه»، «دختر شینا»، «کتاب راوی»، «سرداران ایران زمین»، «روایتی دیگر»، «سال بازگشت»، «گمانه‌ها»، «روز دیدار»، «چند قدم تا نجف»، «دایرة المعارف جنگ ایران و عراق»، «دایرة المعارف زندگی امام و رهبری»، «اروند»، «حامیان صدام»، «جنگ خلیج فارس»، «هفت»، «سرباز کوچک امام»، «روزگار آشنا»، «ققنوس فاتح»، «رسم خوبان»، «حاج یونس»، «جای پای هفتم»، «انار و آینه»، «راز تپه‌های ۱۳۹»، «در کمین گل سرخ»، «علمدار»، «دیدار با ملاتکه»، «آسمان زیر آب»، «از آن همه مرد».

«مرجان دریایی»، «نوبت دف»، «یک نفس تا بهشت»، «شوق پرواز»، «وقتی که کوه گم شد»، «مهتاب خین»، «چریک چمران» نیز مدنظر یک نفر از ناشران و غرفه‌داران بوده است.

حضور غرفه‌داران و ناشران در نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس و رضایت آنها

وضعیت حضور غرفه‌داران و ناشران در دوره‌های پیشین

از نظر وضعیت حضور غرفه‌داران و ناشران در سالهای پیشین حدود ۲۴ درصد در هیچ‌کدام از دوره‌های پیشین نمایشگاه ملی کتاب مقدس حضور نداشته‌اند. حدود ۱۸ درصد در سال ۸۹، حدود ۲۱ درصد در سال ۹۰، حدود ۳۰ درصد در سال ۹۱، حدود ۴۲ درصد در سال ۹۲، حدود ۵۱ درصد در سال ۹۳ و حدود ۵۳ درصد در سال ۹۴ در نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس حضور داشته‌اند.

جدول ۷. فراوانی و درصد فراوانی وضعیت حضور غرفه‌داران و ناشران در دوره‌های پیشین نمایشگاه کتاب

دفاع مقدس

سال حضور	تعداد	درصد
سال ۸۹	۱۲	۱۸/۱۸
سال ۹۰	۱۴	۱۲۱/۲
سال ۹۱	۲۰	۳۰/۳۰
سال ۹۲	۲۸	۴۲/۴۲
سال ۹۳	۳۴	۵۱/۵۱
سال ۹۴	۳۵	۵۳/۰۳
هیچ‌کدام	۱۶	۲۴/۲۴

مهمترین نقاط ضعف هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس

یکی دیگر از سؤالاتی که از غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه پرسیده شد، درباره مهم‌ترین نقاط ضعف هفتمین نمایشگاه ملی کتاب مقدس بوده که از دید شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی، مهم‌ترین نقاط ضعف در نمایشگاه به ترتیب اطلاع‌رسانی و تبلیغات با حدود ۲۹ درصد، زمان برگزاری نمایشگاه با حدود ۱۷ درصد، برنامه‌های فرهنگی جانبی با حدود ۱۵ درصد، مکان برگزاری نمایشگاه با حدود ۱۳ درصد، طراحی و فضا سازی نمایشگاه با حدود ۱۲ درصد، نظم و ساماندهی برگزاری نمایشگاه با حدود ۱۰ درصد بوده است.

جدول ۸. فراوانی و درصد فراوانی مهمترین نقاط ضعف هفتمین نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس از دید غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه کتاب دفاع مقدس

نقاط ضعف	تعداد	درصد
اطلاع‌رسانی و تبلیغات	۵۳	۲۹/۴۴
مکان برگزاری نمایشگاه	۲۵	۱۳/۸۸
طراحی و فضا سازی نمایشگاه	۲۳	۱۲/۷۷
زمان برگزاری نمایشگاه	۳۲	۱۷/۷۷
نظم و ساماندهی برگزاری نمایشگاه	۱۹	۱۰/۵۵
برنامه‌های فرهنگی جانبی	۲۸	۱۵/۵۵

ارزیابی وضعیت رضایت از امور نمایشگاهی

میزان رضایت از امور بهداشتی

حدود ۴۴ درصد از غرفه‌داران و ناشران، وضعیت امور بهداشتی نمایشگاه را خوب، حدود ۳۷ درصد خیلی خوب، حدود ۹ درصد متوسط، حدود ۴ درصد ضعیف و حدود ۳ درصد خیلی ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

میزان رضایت از غذا و پذیرایی

حدود ۳۲ درصد از غرفه‌داران و ناشران، وضعیت غذا و پذیرایی را خوب، حدود ۲۵ درصد متوسط، حدود ۱۷ درصد خیلی خوب، حدود ۱۴ درصد خیلی ضعیف و حدود ۹ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

میزان رضایت از وضعیت رفت‌وآمد

حدود ۳۵ درصد از غرفه‌داران و ناشران، وضعیت رفت‌وآمد را خوب، حدود ۲۱ درصد متوسط، حدود ۱۷ درصد ضعیف، حدود ۱۴ درصد خیلی خوب و حدود ۱۰ درصد وضعیت را خیلی ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

میزان رضایت از فضا سازی نمایشگاه

حدود ۳۱ درصد از غرفه‌داران و ناشران، فضا سازی نمایشگاه را خوب، حدود ۳۰ درصد ضعیف، حدود ۲۸ درصد متوسط، حدود ۶ درصد خیلی خوب و حدود ۳ درصد نیز خیلی ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

میزان رضایت از زمان تحویل غرفه

حدود ۵۰ درصد از غرفه‌داران و ناشران، زمان تحویل غرفه را خوب، حدود ۱۸ درصد متوسط، حدود ۱۱ درصد خیلی ضعیف، حدود ۱۱ درصد نیز خیلی خوب و حدود ۸ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

میزان رضایت از جانمایی غرفه

حدود ۴۶ درصد از غرفه‌داران و ناشران، جانمایی غرفه را خوب، حدود ۲۵ درصد متوسط، حدود ۱۳ درصد خیلی ضعیف، حدود ۱۰ درصد ضعیف و حدود ۵ درصد خیلی خوب ارزیابی کرده‌اند.

میزان رضایت از اندازه غرفه

حدود ۵۳ درصد از غرفه‌داران و ناشران، اندازه غرفه را خوب، حدود ۲۰ درصد متوسط، حدود ۱۶ درصد خیلی خوب، حدود ۸ درصد خیلی ضعیف و در نهایت حدود ۱ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

ارزیابی این دوره از نمایشگاه در مقایسه با دوره‌های پیشین

یکی دیگر از سؤالات این نظرسنجی، مقایسه این نمایشگاه کتاب دفاع مقدس با دوره‌های پیشین بود. حدود ۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی معتقدند که وضعیت کنونی افت کرده است؛ حدود ۳۲ درصد معتقدند که تغییر چندانی نکرده است؛ حدود ۶ درصد اعتقاد دارند که بهتر شده و حدود ۱۰ درصد بیان کرده‌اند که در دوره‌های پیشین حضور نداشته‌اند.

جدول ۹. فراوانی و درصد فراوانی مقایسه این دوره از نمایشگاه با دوره‌های پیشین

وضعیت	تعداد	درصد
افت کرده است.	۳۰	۵۰/۸۴
تغییر چندانی نداشته است.	۱۹	۳۲/۲۰
بهتر شده است.	۴	۶/۷۷
شرکت نکرده‌ام.	۶	۱۰/۱۶

وضعیت رضایت از نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس در مجموع

هم‌چنین این سؤال هم از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی پرسیده شده است که «در مجموع تا چه اندازه از شرکت در نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس رضایت دارید؟» که حدود ۳۱ درصد متوسط، حدود ۲۶ درصد خیلی کم، حدود ۲۱ درصد کم، حدود ۱۴ درصد زیاد و در نهایت حدود ۶ درصد گزینه خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی (غرفه‌داران و ناشران) حدود ۱۵ درصد را زنان و حدود ۸۴ درصد را آقایان تشکیل داده‌اند. با توجه به توزیع یکسان پرسشنامه در میان غرفه‌داران، این موضوع نشان می‌دهد که سهم زنان در مدیریت غرفه‌های نمایشگاه حدود ۱۵ درصد بوده است. بیشتر غرفه‌داران و ناشران از قشر جوان بوده‌اند (حدود ۶۸ درصد کمتر از ۳۵ سال) و بخش کمتری از آنان در گروه سنی میانسال و کهن‌سال بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که مدیریت بیش از دوسوم غرفه‌های نمایشگاه توسط افراد جوان انجام شده است.

بررسیها نشان می‌دهد که بیشتر غرفه‌داران (حدود ۶۰ درصد) تجربه بسیاری در زمینه نشر کتاب دفاع مقدس داشته، و بیش از پنج سال در این عرصه فعال بوده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که نمایشگاه در زمینه میزان تجربه غرفه‌داران مشکلی نداشته است. بیشتر غرفه‌داران نمایشگاه دارای تحصیلات دانشگاهی و حداقل دارای مدرک تحصیلی کارشناسی بوده‌اند (حدود ۷۳ درصد).

بیش از نیمی از غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه، میزان و کیفیت کتابهای تولید شده در زمینه دفاع مقدس را متوسط ارزیابی کرده‌اند (حدود ۵۲ درصد).

از دید غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه عدم حمایت از ناشران خصوصی، قیمت زیاد کتابها، توزیع نامناسب محصولات و عدم انتخاب سوژه‌های جذاب مهم‌ترین مشکلات عرصه کتاب دفاع مقدس است.

از دید غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه، کتابهایی از گونه تاریخ مستند، تاریخ شفاهی، فیلمنامه و رمان بیشترین نیاز را به حمایت دارد.

کتابهای «دا»، «پایی که جا ماند»، «من زنده‌ام»، «نورالدین پسر ایران»، «خاکهای نرم کوشک»، «لشکر خوبان»، «همپای صاعقه»، «آن ۲۳ نفر»، «حاج قاسم»، «اطلس نبردهای ماندگار»، «سلام بر ابراهیم» و «دختر شینا» دارای بیشترین میزان محبوبیت از سوی غرفه‌داران و ناشران بوده است. از دید غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه، مهم‌ترین نقاط ضعف نمایشگاه به ترتیب در زمینه اطلاع‌رسانی و تبلیغات، زمان برگزاری نمایشگاه، برنامه‌های فرهنگی جانبی و مکان برگزاری نمایشگاه بوده است.

غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه عمدتاً از امور بهداشتی و غذا و پذیرایی، وضعیت رفت‌وآمد، زمان تحویل غرفه، جانمایی و اندازه غرفه رضایت داشته‌اند و میزان ناراضی در زمینه فضا سازی نمایشگاه بیش از دیگر بخشها بوده است.

حدود نیمی از غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه معتقد بوده‌اند که وضعیت نمایشگاه امسال نسبت به

سالهای گذشته افت کرده است (حدود ۵۰ درصد)؛ بخش زیاد دیگری نیز معتقدند که تغییر چندانی نکرده است (حدود ۳۲ درصد). حدود یک‌سوم از غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه، میزان رضایت متوسط و حدود یک‌سوم دیگر میزان رضایت خیلی کمی داشتند.

پیشنهادهای

پیشنهادهای غرفه‌داران و ناشران به منظور ارتقا و بهبود نمایشگاه ملی کتاب دفاع مقدس در بخش انتهایی نظرسنجی از غرفه‌داران و ناشران نمایشگاه خواسته شد تا پیشنهادهای خود را در جهت ارتقای وضعیت نمایشگاه ارائه کنند. البته برخی از افراد در این بخش انتقادات و دلنوشته‌هایی مکتوب کرده‌اند که مورد نظر پژوهشگر نبوده است و موضوعات در بخشهای دیگر پرسشنامه مورد اشاره قرار گرفته بود. در ادامه پیشنهادهای این پرسشنامه‌ها ارائه می‌شود:

پیشنهادهای ناظر به مکان برگزاری

- مکان نمایشگاه به صورت چرخشی باشد. متأسفانه شهر تهران با وجود نمایشگاه‌های مختلف در سال، دیگر کشش چنین نمایشگاهی را ندارد.
- مکان نمایشگاه را در مرکز شهر تهران قرار دهید تا اقشار مختلف بتوانند شرکت کنند.
- هشتمین دوره نمایشگاه در مشهد برگزار گردد.
- نمایشگاه را در بهترین نقطه تهران برگزار کنید و اطلاع‌رسانی بهتری انجام شود.
- نمایشگاه در مکانهایی با دسترسی آسان و پرجمعیت برگزار شود.
- در زمینه مکان نمایشگاه به نظر می‌رسد که جابه‌جایی حتماً لازم است و بهترین گزینه میدان امام حسین، پیاده‌روی ۱۷ شهریور است.
- مکان برگزاری نمایشگاه چون سال قبل در باغ موزه دفاع مقدس برگزار شود.
- از لحاظ مکانی اگر در بهشت‌زهرا و جوار شهدا مکانی درست شود و نمایشگاه به صورت دائمی در جوار شهدا باشد، بهتر است.
- محل نمایشگاه در جای عمومی شهر و مکانهای معروف باشد.
- فضای باغ موزه با توجه به نوع طراحی زیبا و قرار گرفتن در تپه‌های عباس‌آباد و هوای خوب جذابیت بیشتری برای مخاطبان این نمایشگاه دارد.

پیشنهادهای ناظر به زمان برگزاری

- زمان شروع نمایشگاه قبل از ساعت ۱۴ باشد که مدارس باز هستند و از دانش‌آموزان که قشر هدف هستند، بهره برده شود.

- زمان برگزاری باید به زمانی غیر از هفته دفاع مقدس و همزمان با بازگشایی مدارس باشد؛ می‌تواند سالگرد یک عملیات هم باشد تا مردم استقبال و فراغت بیشتری از نمایشگاه داشته باشند.
- ساعت برگزاری به ۱۰-۱۸ منتقل شود.
- نمایشگاه را در موقعیت زمانی (از لحاظ ساعت) بهتری قرار دهید تا حداقل مراجعه‌کننده و بازدیدکننده داشته باشد.
- در زمانی از سال باشد که مردم دغدغه درس و مدرسه را نداشته باشند و بیشتر شرکت کنند.
- زمان نمایشگاه با شروع مدارس و دانشگاه‌ها همزمان نباشد.
- به نظر می‌رسد برگزاری این نمایشگاه در آبان‌ماه فرصت مناسبی برای اقشار مختلف بویژه دانش‌آموزان دانشجویان، معلمان و استادان و ... را فراهم می‌آورد.
- شروع نمایشگاه در صورتی که از صبح باشد برای شرکت دسته‌جمعی دانش‌آموزی مناسب خواهد بود.

پیشنهاد‌های ناظر به تبلیغات و اطلاع‌رسانی

- تبلیغات در سطح شهر بیشتر، و با مدارس در جهت بازدید از نمایشگاه هماهنگ شود.
- اطلاع‌رسانی و تبلیغات بیشتری صورت گیرد بویژه در قشر دانشجویی و دانش‌آموز.
- حضور صداوسیما در حول نمایشگاه می‌تواند کمک کند.
- مسئولان نیز می‌توانستند با حضورشان تبلیغ خوبی برای حضور بیشتر مردم باشد.
- برای تبلیغ بهتر است از مساجد و پایگاه‌های بسیج محلات و صنف‌های مختلف استفاده شود.
- تبلیغات و اطلاع‌رسانی در رسانه‌ها و اعلانهای شهری بیشتر شود؛ حتی روی این مسئله تأکید شود که بن خرید کتاب هم ارائه می‌شود.
- از طریق آنونس‌های تبلیغاتی اعم از صداوسیما و دیگر وسایل ارتباط جمعی، اطلاع‌رسانی مطلوب و مورد انتظار را اعمال کنید تا آحاد شهروندان گرمی از تشکیل نمایشگاه آگاه شوند.
- تبلیغات و اطلاع‌رسانی به عموم به صورت گسترده‌تر انجام گیرد.

پیشنهادها برای افزایش میزان بازدید نمایشگاه

- دعوت‌نامه به مرکز آموزشی به صورت مناسب فرستاده شود.
- بن‌های چند درصدی به طلاب و دانشجویان داده شود.
- تخفیف مناسب‌تر برای خریداران (درصد بیشتری از بن کتاب) قرار داده شود.
- ادغام نمایشگاه کتاب دفاع مقدس با نمایشگاه عکس دفاع مقدس به علت افزایش بازدید عمومی به منظور بهبود فرهنگ کتابخوانی پیشنهاد می‌شود.

پیشنهادهای ناظر به شیوه برگزاری نمایشگاه

- برنامه‌های جانبی فرهنگی - هنری می‌تواند به جذب و جلب مخاطب بیشتر کمک شایانی کند.
- همچون نمایشگاه‌های پیشین، شهرستانهای استانها را نیز برای تشکیل این نمایشگاه ملحوظ کنید.
- شبکه یا سامانه‌ای برای جستجو کردن یک عنوان خاص و یا یک انتشارات خاص در اختیار بازدیدکنندگان قرار گیرد.
- وسایل نقلیه رایگان در چندین نقطه شهر برای حضور هرچه بیشتر مردم در نظر گرفته شود.
- در نمایشگاه نیاز به نمایش رشادتهای رزمندگان دفاع مقدس احساس می‌شود. می‌توان از ادوات جنگی به صورت نسبتاً معقول استفاده شود.
- آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها و شهرداری برای پارکها و وزارت ارشاد به صورت سازمانی کتاب بخرند.
- فضا سازی دل‌باز و گوناگون با در نظر گرفتن سلیقه مخاطب باشد.
- استفاده از ماکتهای عملیات مختلف با حضور راوی و آوردن بازدیدکنندگان از مدارس و حوزه‌های بسیج پیشنهاد می‌گردد.
- غرفه کتابها و محصولات فرهنگی مذهبی در کنار این نمایشگاه پیش‌بینی شود.

پیشنهادهای ناظر به محتوا

- تدوین و چاپ بهتر و به‌روزتر کتاب کودکان و هم‌چنین تنوع بیشتر و جدیدتر مدنظر قرار گیرد.
- اگر امکانات به ناشران باکیفیت داده شود، شاید بازخورد بهتری دیده شود.
- نوآوری در صنعت چاپ و نشر و برگزاری کلاسهای جانبی برای ناشران برای تولید محصولات نو و جدید و جذاب در حوزه‌های کودک و نوجوان و فرهنگ‌سازی مدنظر قرار گیرد.
- ترغیب ناشران برای نوآوری در این حوزه و استفاده از روشهای جدید دنیا مورد استفاده باشد.

دیگر پیشنهادها

- در بعد ریشه‌ای باید فرهنگ و ارزشهای دفاع مقدس در جامعه ترویج داده شود.
- هدف صرفاً برگزاری مرکز فروش نمایشگاهی نباشد. باید تلاش شود هر نوع مخاطبی جذب شود.
- ابتدا باید ناشران را برای تولیدات بهتر حمایت کرد و بعد برای عرضه، روشهای متفاوت و جذابی را در نظر گرفت.
- حمایت خریدی از ناشران مدنظر باشد.
- نمایشگاه باید توسط تمام ارگانهای نیروهای مسلح برگزار شود.

- اتاق فکر نمایشگاه فرسوده و ناکاراست و هم‌اندیشی صورت نگرفته، و همان کادر محدود گذشته است.

- هیچ اهمیتی به آسیب‌شناسی سالهای پیش نشده است.

منابع

- 1- Catalyst Philip, Armstrong Gray (1379). Marketing Principles, Translation of Parsian Ali, Tehran, New World.
- 2- Irani, Darius (2002). Investigating the Effectiveness of Participation in Exhibitions from the Point of View of Firms and Business Institutions in the Process of Marketing Mix, Master Thesis, University of Tehran.[persian]
- 3- Bloorian, Tehrani Mohammad (1376). Marketing and Market Management, First Edition, Publication of the Institute for Business Studies and Research. [persian]
- 4- Hosseini et al. (2010). Evaluation and evaluation of service quality and its relationship with customer satisfaction. Business reviews. [persian]
- 5- Rezai, Masoud (2004). Customer satisfaction model, supply chain conference. [persian]
- 6- rostaei, Ahmad and Abdulhamid Ebrahimi, Daworon (2008). Marketing Management, Tehran, Iran. [persian]
- 7- Salehi; Seyed Javad, Drahani, Bazin; Pourghasem, Fatemeh (1394). A Survey on the Satisfaction of Visitors to the Twenty-Second International Qur'an Exhibition, Volume 16, No. 29.
- 8- Cutler, Philip and Armstrong (2009). Marketing principles. Translation by Bahram Foruzandeh, Atropat Publishing.
- 9- Mohammadi, Ismail (1382). Customer Response, Respecting the Client. Tehran: Parsa Publishing House. [persian]
- 10- Arasli, H., Mehtap-Smadi, A., Katircioglu, A.T., 2005. Customer Service Quality in the Greek Cypriot Banking Industry, Managing Service Quality 15: 41-56. [persian]
- 11- Hill, N.(2000). Customer satisfaction measurement: how not to do, how to do it and why it
- 12- Othman & Owen. (2001), "Adopting and Measuring Customer Service Quality (SQ) in Islamic Banks: A Case Study in Kuwait Finance House", International Journal of Islamic Financial Services Vol. 3(1).

An Analysis of the Attitude and Satisfaction of Exhibitors and Publishers of the Holy Defense Book fair

Ali Fallahi, Kazem Mo'azzen

Abstract

One of the most effective ways of preserving martyrs' names is to write books and present them to the society in the best way. The annual book fair of the Holy Defense is an event held in the country aimed at facilitating the distribution of these works. Targets include a large community of addressees including ordinary people, as well as publishers and executives of the books of the Holy Defense which plays an important role in increasing the sales over specific timeframes. This research is intended to identify the attitude and satisfaction of the publishers and executives of the book fair of the Holy Defense. The surveys indicated that most publishers were moderately satisfied with the overall status of the exhibition. The exhibitors and publishers of the Seventh National Exhibition of Holy Defense mentioned that lack of supporting private publishers (19 percent), very high book prices (13 percent), inappropriate distribution (11 percent), inappropriate selection of attractive subjects (9%), poor capabilities of the authors and publishers (9 percent), inaccessibility to documents (9 percent), inappropriate format and content diversity (8 percent), inappropriate design and layout (7 percent), having unrealistic and pretension approach with regard to subjects (6 percent), and high payment for copyright to high ranking authors (5 percent) contained the most important challenges with regard to the holy defense books.

Keywords: books of the holy Defense, the Holy Defense book fair, publishers' satisfaction with book fairs.

**An analysis of Resistive Thoughts in the Works of Two
Prominent Poets of Isfahan, Sepideh Kashani and Saeed
Biabanaki**

Sayyed Masoud Daftarian, Mohsen Mohammadi Fesharaki

Abstract

Criticism and assessment of the features of Persian poetry in terms of time, place, literary genres etc. have long been discussed by poets, writers, and scholars at the emergence of any literary works, and will continue in future. Consideration of the criticism on the authenticity of literary works styles indicates that each period of Persian poetry has had its certain specific and general characteristics, though little attention has been devoted to the stylistic books. Certainly the literature of the holy defense, in particular its sonnets, contain features which distinguish it from other periods of poetry and prose. The position of the poetry of the holy defense in the contemporary Iranian literature is very special, and it is necessary to interpret and analyze the variety of its contexts and approaches. This research is intended to analyze the authenticity of the style of sonnets of the holy defense of the two selected poets of Isfahan province - Sepideh Kashani and Saeed Biabanaki through technical and linguistic criticism. In the noble selection of the poems of these poets we have considered that although they have written several literary forms without focusing on sonnets, they have also written certain sonnets. The sonnets of Isfahan literature relating to the holy defense are simple and unambiguous, drawing on past experiences and reaching perfection in their works through time. Features of Khorasani and Iraqi styles are clearly visible in these works. Most of their poems involve two themes of religion and war, and the poets have been able to combine two epical and lyric melodies, produce mature and influential poems. They have offered new powerful features regarding sonnets.

Keywords: Sepideh Kashani's poetry, Saeed Biabanaki's poetry, resistive Iranian poetry of today, the Holy Defense poetry of today.

A Review of Resistive Literature in the Literary Textbooks of Secondary Level

Ghulamreza Shahsavari, Ziba Kharazmi

Abstract

Resistive literature is a very important literary trend in today's world having motivated lots of novels and poems in the last two centuries. This genre of literature, as a committed type of literature, has deeply influenced the awakening of the present century's man. Since the Islamic Revolution of Iran is mainly concentrated on the awakening of Muslim people of our country and of the world, this type of literature has involved the themes of many poems and writings in Iran, and fortunately has a prominent place in secondary education literary textbooks. The lessons mainly related to resistance, and those whose titles are as such in the textbooks of the first, the second, and the third high school textbooks, both of the general courses and of humanities, were selected for the study. All of these lessons were analyzed in terms of their goals and their power to influence establishing of the goals of resistive literature and understanding them. They were graded on the basis of artistic and literary criteria according to their literary techniques and themes.

Keywords: literature, resistive literature, the textbooks of Persian literature at secondary schools level.

**An Assessment of the Effect of Rural Management on the
Homecoming of the Imposed War Migrants
(Case Study: War Stricken City of Sarpolzahab)**

**Sayyed Amir Mohammad Alavizadeh, Samaneh Kayomars, Elham
Ebrahimi**

Abstract

On the one hand, rural migration is affected by different factors, and, on the other, it leads to various consequences challenging human society. Hence, assessment of the causes and outcomes of these migrations and analyzing the relationship among them play vitally important roles in helping the planners of this field. War contains one of these causes resulting especially in the displacement of the local population, particularly the villagers. Rural management plays a great role in the immigrants' homecoming and must be thoroughly investigated. The statistical population of this study includes returned rural migrants of Zarrinjub, Dastak Ulya, Sarableh and Tappeh Rashklashi in Sarpolzahab. A questionnaire was used as data collection tool. As the number of the community was limited, all of them were selected as the sample containing 150 people. The questionnaire consisted of 23 questions whose reliability was confirmed by Cronbach's formula as 0.81, and its validity was confirmed by academic experts. This descriptive-analytic research using eight-point Likert management style index, investigated the role of rural management in encouraging and motivating the homecoming of the migrants in a number of war-torn villages of Sarpolzahab. None of the five indicators showed 3 or more, and most were between 2 and 3, and decision making was less than 2. As a result, management styles have to be conducted through different dimensions in order to affect the process positively and reach at higher levels and divert from a commanding approach into partnership. However, assessment of the relationship between the style of dealing with the migrants and their satisfaction, there is a positive correlation (0.645) between the two variables of this study. That is, there is a direct correlation between the method of dealing with immigrants and their satisfaction.

Keywords: the Imposed War, management, migrants, rural areas, homecoming, Sarpolzahab.

Hashemi Rafsanjani's Management and Commanding in the Imposed War

Gholam Ali Rajaei, Hadi Gheysarianfard

Abstract

One of the most important, while insufficiently considered, aspects of Iran-Iraq war's historiography involves the assessment of the role of commanders in the management and strategic decision-making of war. During the imposed war, strategic decision-making was a vital military-political responsibility influencing the process of the Islamic revolution and the consequences of the war. This research is intended to investigate the leadership and commanding of Hashemi Rafsanjani in two periods of war. First, in 1983 when he practiced as the commander of the Valfajr Operations, and second, in 1988 when he was selected as the successor to the Commander-in-Chief of military forces. The research is to identify the necessities according to which Imam Khomeini appointed Hashemi Rafsanjani as the commander of war during these two stages, and that how this selection affected strategic decisions on the continuation of war and the acceptance of Resolution 598. The research findings indicated that it was due to the idea of resolving the conflict politically. This is a descriptive-analytical research which follows field method and documentary method for data collection.

Keywords: the Imposed War, Hashemi Rafsanjani, command, strategy, peace, resolution 598.

The Role of the Holy Defense in Enhancing and Stabilizing Social Integration

Hadi Owlad, Mohammad Hassan Elahimanesh

Abstract

War has always been an inevitable concern of human life having influenced the components of social life. Though having destructive features, war can lead to concepts that influence people's destiny. An important component of war being discussed in this study involves social integrity which emerged rapidly in the Iranian community at the very beginning of the imposed war and redefined new criteria in the imposed war. The main question challenging the minds of the researchers was how the eight-year war of Iraq against Iran intensified and stabilized social integrity among Iranian people. Precise investigation of the eight-year Iran-Iraq war declared that social integrity was deepened national identity and social consensus. Through a sociological approach regarding the imposed war, this research aimed at analyzing and identifying the establishment and deepening of the patriotism and solidarity that emerged from the imposed war through a descriptive method.

Keywords: war, social integrity, national identity, consensus, solidarity.

Table of Content.....	Page
❖ The Role of the Holy Defense in Enhancing and Stabilizing Social Integration .1 Hadi Oowlad, Mohammad Hassan Elahimanes	
❖ Hashemi Rafsanjani's Management and Commanding in the Imposed War ...2 Gholam Ali Rajaei, Hadi Gheysarianfard	
❖ An Assessment of the Effect of Rural Management on the Homecoming of the Imposed War Migrants Case Study: (War Stricken City of Sarpolzahab) ... 3 Samaneh Kayomars, Sayyed Amir Mohammad Alavizadeh, Elham Ebrahimi	
❖ A Review of Resistive Literature in the Literary Textbooks of Secondary Level.....4 Ghulamreza Shahsavari, Ziba Kharazmi	
❖ An analysis of Resistive Thoughts in the Works of Two Prominent Poets of Isfahan, Sepideh Kashani and Saeed Biabanaki 5 Sayyed Masoud Daftarian, Mohsen Mohammadi Fesharaki	
❖ An Analysis of the Attitude and Satisfaction of Exhibitors and Publishers of the Holy Defense Book fair 6 Ali Fallahi, Kazem Mo'azzen	

Editorial

- M. Arianpour** (Assistant Professor, Imam Hossein University)
GH. Alamati (Assistant Professor, Imam Hossein University)
A. Jamali (Assistant Professor, Imam Hossein University)
M. Rezaei (Associate Professor, Imam Hossein University)
H. M. piri (Associate Professor, Imam Hossein University)
S. Y. Safavi (Professor, Imam Hossein University)
GH. Hasani (Associate Professor, Imam Hossein University)
M. Natagh Pour (Assistant Professor, Imam Hossein University)
A. Ramzanzadeh (Academic Member, Imam Hossein University)
M. J. Sobhani far (Associate Professor, Imam Hossein University)
A. Gholampour (Academic Member, Imam Hossein University)
B. Hoseini motlagh (Assistant Professor, Imam Hossein University)
Y. Zohdi (Academic Member, Imam Hossein University)
A. Salmani (Assistant Professor, Imam Hossein University)

Consultants and Reviewers

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| M. Nataghpour | M. Heshmati Jadid |
| A. Ramzanzadeh | M. Darkhor |
| GH. Alamati | A. Gholampour |
| M. J. Sobhani far | H. M. piri |
| M. Varesi | H. Abootalebi |

In the Name of Allah

The Comprehensive Quarterly of Holy Defense

Volume 4, Number 1, Spring 2019, (Serial No. 5)



1986
ImamHosseinUniversity

Publisher: Institute of Defense and Security, Imam Hossein University

Managing Director: Hosein Saberi

Editor-in-Chief: Hadi Morad Piri

Administrative Director: Hasan Ahmadi

- Type Setting: Mehrban Esmailzadeh
- Copy editor: Monireh Kolahmal Hamedani
- Lithography, Printing and Binding: Sepah Printing Center
- Address: Imam Hossein Comprehensive University, Shahid Babaei, Tehran, Iran
- Phone and Fax: 74188270
- Website: <http://fndm.ihu.ac.ir>
- Email: fndm@ihu.ac.ir

Subjects Contained in the Quarterly, do not represent the view of the research center.

Accuracy of the Contents for each article is the responsibility of the Author.

Quarterly in rejection, acceptance or edition of the Articles is Free. All intellectual and Financial rights are reserved for the research center.

The adaptation of Contents of the Quarterly with the mention of the source is permitted.